
زخم فطرت
پرهیزنامه‌ای
از گناه
سید حسین اسحاقی

بسم الله الرحمن الرحیم

زخم فطرت

نویسنده:

حسین اسحاقی

ناشر چاپی:

مشعر

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

زخم فطرت

مشخصات کتاب

سرشناسه : اسحاقی، سیدحسین، ۱۳۴۱ -

عنوان و نام پدیدآور : زخم فطرت: پرهیزنامه‌ای از گناه/ حسین اسحاقی.

مشخصات نشر : تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۴۳ ص.

شابک : ۱۴۰۰۰ریال: ۹۷۸-۹۶۴-۵۴۰-۲۲۴-۰

وضعیت فهرست نویسی : فاپا

یادداشت : کتابنامه: ص. [۱۴۱]- ۱۴۳؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : پرهیزنامه‌ای از گناه.

موضوع : گناه (اسلام)

رده بندی کنگره : BP۲۲۵/۶/الف۴۶ز۳ ۱۳۸۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۴

شماره کتابشناسی ملی : ۲۰۲۸۲۰۵

ص:۱

دیباچه

ابلیس از لحظه‌ای که از طاعت حق تعالی سرپیچید: فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّه (کهف: ۵۰) و مصیبت عظیم مهجوری گریبانش را گرفت، درصدد فریب و گمراهی و آلوده کردن ذریه آدم به گناه برآمد و قسم یاد کرد که هیچ کس به جز مخلصین از وسوسه‌های فریبنده او رهایی نمی‌یابند.

در فرهنگ اسلامی، گناه و وسوسه‌های شیطانی منشأ گمراهی و فریب انسان معرفی شده که آدمی را به مسیر خلاف انسانیت و کمال می‌کشاند. از این رو، آشنایی با عوامل گناه و آثاری که بر روح و روان انسان بر جای می‌گذارد و راه‌های مقابله با گناه از امور ضروری زندگی هر انسان مؤمن به پروردگار و علاقه‌مند به صفای باطن است.

اثری که پیش رو دارید، با عنوان «زخم فطرت» پرهیزنامه‌ای از گناه است که توسط جناب آقای سیدحسین اسحاقی به قلم تحریر درآمده است. نویسنده محترم کوشیده است با تکیه بر آیات و روایات و با قلمی شیوا و روان عوامل گناه و آثار آن و راه‌های پیشگیری و مبارزه با گناهان را بیان نماید.

امیدواریم که برای زائران به ویژه جوانان علاقه‌مند به ارزش‌های انسانی و اسلامی مفید واقع گردد و دست‌مایه‌ای برای رشد و تعالی باشد.

انه ولی التوفیق

گروه اخلاق و اسرار

مرکز تحقیقات حج

ص:۲

ص:۳

ص:۴۰

ص:۵

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

ص: ۱۰

پیش‌گفتار

خدایا! اگر نمی‌روم آن‌جا که باید، مرا ببر! اگر می‌روم آن‌جا که نباید، بازم دار! اگر نمی‌گویم آنچه باید، گفتنم آموز، اگر می‌گویم آنچه نباید، خاموشم ساز! الهی بینایی‌ام ده تا در چاه نیفتم. دانایی‌ام ده تا در راه نمانم. خدایا! نام تو سبزینه وجود من است؛ بی‌نام تو هیچم و بی‌یاد تو دل‌مرده و تاریک، پس ای همه چیزم، لحظه‌ای مرا به خودم وامگذار.

خدایا! هرگاه دستم به سویت دراز می‌شود، پربهره برمی‌گردد و آن‌گاه که چشمم به درگاهت خیره می‌شود، روشنی می‌گیرد. گفت‌وگوی صمیمانه با تو، جانم را طراوت می‌بخشد و کرامت اشک را در خزانه حال ذخیره می‌کند. با یاد و نام تو، به خودشناسی می‌رسم و بارش رحمتت را با همه وجودم حس می‌کنم. خدایا این پیوند و قرابت را هیچ‌گاه از من مگیر.

آنچه مرا از تو دور می‌سازد و به سیاهی جهالت و تاریکی فرو می‌برد، گناه و پیروی از خواهش‌های نفس است، اما تو در کریمه

ص: ۱۱

قرآنی‌ات به همه فرموده‌ای: وَ لا تَقْرَبُوا الْفَواحِشَ ما ظَهَرَ مِنْها وَ ما بَطَن

؛ «به کارهای زشت، خواه آشکار و خواه پنهان، نزدیک نشوید.» (انعام: ۱۵۱)

بی‌گمان، چنان که ترمز در اتومبیل برای سقوط نکردن در پرتگاه‌ها و جلوگیری از حوادث باید باشد، اهرم‌هایی چون ایمان به خدا، اعتقاد به حضور او در همه‌جا، خودشناسی، ایمان به معاد، باور به مرگ و خداترسی و ترس از پی‌آمدهای گناه، برای ضبط و مهار انسان و بازداشتن او از گناه لازم است.

بدون ایمان و تکیه‌گاه معنوی، سازمان‌های پلیسی و عوامل بازدارنده بیرونی نیز هرگز نمی‌توانند از رخ دادن گناهان به شایستگی جلوگیری کنند، اما ایمان و اعتقاد درونی، در بازدارندگی آدمی بسیار تأثیر می‌گذارد. اگر آدمی این آیه قرآنی را باور کند، بی‌گمان از غفلت و بی‌خبری و غلتیدن به پرتگاه گناه رهایی می‌یابد: أَ لَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ یَری؛ «آیا انسان نمی‌داند که خداوند همه اعمالش را می‌بیند.» (علق: ۱۴)

اندیشه درست همراه با ایمان ناب، همچون آینه‌ای بی‌غبار و صیقلی، زیبایی‌ها و زشتی‌ها را نشان می‌دهد. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «

ما زَلَّ مَنْ احْسَنَ الْفِکْرَ

» (۱)؛ «کسی که نیکو بیندیشد، دست‌خوش لغزش نمی‌شود».

همچنین، اگر آدمی شخصیت و کرامت خویش را به درستی

۱- میزان الحکمه، محمد محمدی ری‌شهری، ج ۷، ص ۵۳۸.

ص: ۱۲

بشناسد، به آسانی به آلودگی تن نمی‌دهد. مگر نه اینکه خداوند انسان‌ها را گرامی داشته و فرموده است: وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنی آدَم (اسراء: ۷۰)؛ پس چرا آدمی از گناه کناره نمی‌گیرد؟ چرا آدمی کرامتش را زیر پا می‌نهد و گناه خویش را کوچک می‌شمارد؟

مگر رسول الله (ص) نفرموده‌اند:

مؤمن گناهش را آنچنان می‌نگرد که گویی او در زیر سنگ بزرگی قرار گرفته و ترس آن دارد که آن سنگ بر سر او فرود آید، ولی کافر گناه خود را چون پشه‌ای می‌نگرد که از کنار بینی‌اش عبور کند.(۱)

مگر آدمی نمی‌داند که زندگی‌اش، خواه نیک و خواه بد، پی‌آمدهایی در دنیا و آخرت دارد و اعمال او چون بذری است که در جهان کاشته می‌شود؛ اگر بذر گلی باشد، گلستان و اگر دانه خاری باشد، خارستان پدید می‌آورد، مولوی می‌گوید:

این جهان، کوه است و فعل ما نداسوی ما آید نداها را صدا

هر رفتار و کنشی به حقیقت با واکنشی همراه است. خداوند قهّار می‌فرماید: مِمَّا خَطيئاتِهِمْ أُغْرِقُوا

؛ «آنها به خاطر گناهانشان غرق شدند.» (نوح: ۲۵)

۱- بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۷۷، ص ۷۷.

ص: ۱۳

امام باقر (ع) می‌فرماید:

«و ما مِنْ نَکْبَةٍ تُصیبُ الْعَبْدَ الّا بِذَنْبٍ»(۱)؛ «

هیچ رنج و سختی به بنده نرسد، مگر به خاطر گناه».

همچنین گناهان گوناگون آثار مختلفی مانند قساوت قلب، اجابت نشدن دعا، محروم شدن از شیرینی بندگی و عبادت، نزول بلاهای ناگهانی، فقر و بیماری، سلب شدن نعمت و قطع شدن روزی و ... دارند.

امام باقر (ع) در این باره می‌فرماید: «

انَّ الرَّجُلَ لَیُذْنِبُ فَیُدْرَءُ عَنْهُ الرِّزْقُ» (۲)

؛ «انسان گناه می‌کند و در نتیجه روزی از او دور می‌شود».

۱- اصول کافی، محمدبن یعقوب کلینی، ج ۲، ص ۲۶۹.ر

۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۷۱.

ص: ۱۴

فصل نخست: عوامل و آثار گناه

اشاره

ص:۱۵

ص: ۱۶

مفهوم‌شناسی گناه

گناه با نام‌هایی مانند «اثم»، «جُرم» و «معصیت» شناخته می‌شود. همچنین گناه در اصطلاح به معنای ارتکاب کاری حرام و ناپسند یا ترک عملی واجب است؛ هر عملی که فرد با آن از حدود الهی می‌گذرد. قرآن مجید با واژه‌های ذنب، معصیت، اثم، سیئه، جرم، خطیئه، فسق، فساد، فجور، منکر، فاحشه، شر، لمم و وزر از گناه یاد کرده است.

گناه از دید حقوقی، در معنای خروج از قانون‌های وضع شده به انگیزه حفظ مصلحت و از دید طبیعی و اجتماعی، نداشتن نظم عمومی و ضامن نشدن بقای آن و رفتارهای ناسازگار با پدیده‌های مادی و اجتماعی به کار می‌رود. از دیدگاه دینی نیز کارهای ناسازگار با قانون‌های طبیعی و اجتماعی یا فضیلت‌های اخلاقی، شرافت انسانی، عفت عمومی و سعادت اجتماعی گناه به شمار می‌آید و برخی از نمونه‌های آن کیفر دارد. بنابراین، دین با دید گسترده‌تری به گناه می‌نگرد و افزون بر توجه به سلامت جسمی و اجتماعی، سلامت روح و آرامش فکر و جان را مهم می‌شمرد.

ص: ۱۷

الف) عوامل گناه

اشاره

بی گمان، هر معلولی، علتی دارد؛ یعنی بدون فراهم شدن زمینه تحققش پدید نمی‌آید. این سخن، درباره ارتکاب گناه نیز درست است و از این رو، با شناخت علل ارتکاب گناه، در پی خشکاندن ریشه‌های آن باید برآمد. عوامل گناه را چنین می‌توان برشمرد:

۱. دین‌گریزی

کسی که به خدا و فرمان‌های او ایمان دارد، هیچ گاه گناه نمی کند و خود را به زشتی‌ها نمی‌آلاید. امروز همه مفاسد گریبان گیر جوامع و خانواده‌ها، بر اثر ضعف مبانی دینی و پای‌بند نبودن به اصول مذهبی پدید می‌آیند؛ زیرا هر اندازه مبانی و باورهای مذهبی افراد ضعیف شود، از کمالات و فضایل انسانی دورتر می‌شوند.

دین گریزان، چنان لجام گسیخته و بی‌بند و بار و نافرمانند که از هیچ برنامه و قانونی جز شهوت و هوا و هوس پیروی نمی کنند. خداوند در قرآن مجید، افرادی را که ایمان و عمل صالح ندارند و یکدیگر را به حق و درستی سفارش نمی کنند، در خسران و زیان می داند:

وَ الْعَصْرِ (۱)

إِنَّ الْإِنْسانَ لَفی خُسْرٍ (۲)

إِلَّا الَّذینَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ وَ تَواصَوْا بِالْحَقِّ وَ تَواصَوْا بِالصَّبْرِ (عصر: ۱– ۳)

سوگند به عصر که انسان در زیان‌کاری است؛ مگر کسانی که

ص: ۱۸

ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند و یکدیگر را به حق و صبر سفارش کردند.

بی‌گمان، هیچ نیرویی مانند ایمان و عمل صالح نمی‌تواند، آدمی را از لغزش باز دارد و او را در برابر گناه و سیه‌روزی نگاه‌بانی کند. امام صادق (ع) در این‌باره می‌فرماید: «

المؤمِنُ لایَغْلِبُهُ فَرْجُهُ وَ لا یَفْضَحُهُ بَطْنُهُ

» (۱)؛ «مؤمن، مغلوب شهوت جنسی نمی‌شود و شکمش او را رسوا نمی‌سازد».

امام باقر (ع) نیز درباره نشانه‌های مؤمن چنین می‌فرماید:

انّما الْمُؤمِنُ الّذی اذا رَضِیَ لَمْ یُدْخِلْهُ رِضاهُ فی اثْمٍ وَ لا باطِلٍ.(۲)

مؤمن، کسی است که چون شادمان شود، این شادمانی، وی را به گناه و کار باطل وارد نکند.

۲. نادانی

نادانی، اصل و سرچشمه هر شرّ و تاریکی و وحشت‌زایی است که آدمی کورکورانه در آن می‌رود. خداوند منّان با پرده‌برداری از وضع اسف‌بار برخی از آدمیان در خروج از جاده تعادل و سلامت و غلطیدن در پرتگاه شهوت می‌فرماید:

أَ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّساءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُون

(نمل: ۵۵)

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۱۰.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۳۰.

ص: ۱۹

آیا شما از روی شهوت، به جای زنان، نزد مردان می‌آیید، بلکه شما مردمی نا آگاهید.

استاد جوادی آملی درباره اهمیت تقویت معرفت دینی می گوید:

اگر مشکل معرفتی کسی حل شود، دیگر گناه نمی کند. غالب موارد گناه از اینجا نشئت می گیرد که گناه‌کار نمی‌داند سر سفره چه کسی نشسته است.(۱)

یوسف (ع) نیز سرچشمه گناه برادران خود را نادانی می‌داند و می گوید: «آیا دانستید، آنگاه که شما ناآگاه بودید و با یوسف و برادرش چه کردید».(۲)

جهل و نادانی در آموزه‌های روایی نیز، از زمینه‌های گناه شمرده شده است. امام علی (ع) در عهدنامه خود به مالك اشتر می‌فرماید:

«

لايَجْتَرِئُ عَلَى اللهِ إِلَّا جاهِلٌ شَقِيٌ

» (۳)؛ «گستاخی و جرأت بر (نافرمانی) خداوند را جز جاهل و شقی، روا نمی‌دارد».

آن حضرت همچنین فرموده است:

الْجَهْلُ مَعْدِنُ الشَّرِّ، الْجَهْلُ أَصْلُ کُلِّ شَرٍّ، الْجَهْلُ يُفْسِدُ الْمَعَادَ.(۴)

۱- درس خارج ۳۰/ ۸/ ۱۳۷۵.

۲- یوسف: ۸۹.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴- گناه‌شناسی، محسن قرائتی، ص ۷۰.

ص: ۲۰

جهل مرکز زشتی است، جهل ریشه و پایه زشتی است، جهل موجب تباهی معاد انسان است.

آن حضرت در سخنی دیگر می‌فرمایند: «شکایت به خدا می‌برم از گروهی که در جهل و نادانی زندگی می کنند». (۱)

۳. فقر و بی‌نیازی

فقر و بی‌نیازی، دو خاستگاه انحراف و گناه شمرده می‌شوند؛ زیرا فقیر برای از میان بردن ناتوانی‌های برآمده از فقر، به کارهای نامشروع دست می‌زند و انسان بی‌نیاز و توان‌گر نیز بر پایه غرور برخاسته از مال و ثروتش، به خوش‌گذرانی و زیر پاگذاشتن فضیلت‌های اخلاقی رومی‌آورد، پس هر دو به دام شیطان گرفتار می‌آیند؛ چنان‌که قرآن مجید در این‌باره می‌فرماید:

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسانَ لَيَطْغى (۶) أَنْ رَآهُ اسْتَغْنى

(علق: ۶ و ۷)

هرگز، همانا انسان همین که خود را بی‌نیاز ببیند، سرکشی در پیش می گیرد.

رویدادهای تاریخی نیز بر پیوند گناه و دارایی گواهی می‌دهند. برای نمونه، ثعلبه، با خدا پیمان بسته بود که اگر ثروتمند شود، به نیازمندان صدقه دهد، اما هنگامی که خداوند مال فراوانی بدو بخشید،

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۷.

ص: ۲۱

وی بخل ورزید و زکات نداد. از این رو، آیاتی درباره‌اش نازل شد و نفاق را به وی نسبت داد. (۱) این کار، پی‌آمد وسوسه شیطان و چیرگی غرور و آز به مال دنیا بر او بود که به بخل‌ورزی در نعمت خدا وادارش کرد.

قرآن مجید، سرمایه‌هایی را که موجب غرور و مستی می‌شود، زمینه‌ساز گناهان می‌شمارد و می‌فرماید:

وَ کَمْ أَهْلَکْنا مِنْ قَرْیَةٍ بَطِرَتْ مَعیشَتَها فَتِلْکَ مَساکِنُهُمْ لَمْ تُسْکَنْ مِنْ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلیلا (قصص: ۵۸)

و چه بسیار از [مردم] شهرها و آبادی‌هایی را به هلاکت رساندیم که زندگی را با سرمستی و غرور گذرانده بودند، این خانه‌های آنان است که [ویران شده] و بعد از آنان جز اندکی، کسی در آن سکونت نکرد.

أَلْهاکُمُ التَّکاثُر (تکاثر: ۱)

تفاخر و فزون‌طلبی شما را سرگرم و غافل ساخت.

رسول اکرم (ص) در این‌باره می‌فرماید:

التَکَاثُرُ [فِی] الأَمْوَالِ جَمْعُهَا مِنْ غَیْرِ حَقِّهَا وَ مَنْعُهَا مِنْ حَقِّهَا وَ سَدُّهَا فِی الأَوْعِیَةِ.(۲)

۱- ر. ک: توبه: ۷۵ و ۷۶.

۲- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۶۲.

ص: ۲۲

تکاثر در اموال، انباشت ثروت‌ها، از راه‌های نامشروع و خودداری از ادای حق آن و اندوختن آن در خزانه‌ها و صندوق‌ها است.

از سوی دیگر فقر نیز گاهی آدمی را به بیراهه و گناه می‌کشاند، امیرالمؤمنین علی (ع) به فرزندش محمد حنفیه می‌فرماید:

فرزندم! از فقر بر تو می‌ترسم، از آن به خدا پناه ببر، چرا که فقر، دین انسان را ناقص، و عقل و فکر او را مضطرب و مردم را نسبت به او، و او را نسبت به مردم بدبین می‌سازد. (۱)

حضرت رسول اکرم (ص) در این‌باره چنین دعا می‌کند:

اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنا فِی الْخُبْزِ وَ لا تُفَرِّقْ بَیْنَنا وَ بَیْنَهُ فَلَوْلا الْخُبْزُ ما صَلَّیْنا وَ لا صُمْنا وَ لا أَدَّیْنا فَرَائِضَ رَبِّنا. (۲)

بار خدایا! به نان ما برکت ده و بین ما و نان جدایی میفکن، اگر نان نباشد، نماز نمی‌خوانیم و روزه نمی گیریم و واجبات خود را ادا نمی‌کنیم.

البته روایات بر برخورداری از ثروت به اندازه کفاف تأکید می‌کنند. می‌گویند پیامبر اکرم (ص) درباره چوبانی که از دادن شیر به مسلمانان بخل ورزید، چنین دعا فرمود: «خدا مال زیاد به تو بدهد!»

اما درباره چوپان دیگری که شیر خودش را هدیه کرده بود. چنین

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۱۹.

۲- فروع کافی، ج ۵، ص ۷۳.

ص: ۲۳

فرمود: «خدایا به قدر کفاف به او روزی بده».

مردی از روی تعجب از ایشان پرسید: چرا برای چوپانی که که بخل ورزید، بهتر دعا کردی؟ رسول اکرم (ص) فرمود:

إِنَّ مَا قَلَّ وَ کَفَی خَیْرٌ مِمَّا کَثُرَ وَ أَلْهَی.(۱)

آنچه کم باشد و کفایت کند، بهتر است از زیادی که دل را سرگرم و غافل نماید.

۴. همنشینی با بدان

دوستان بد، آدمی را به آلودگی و ارتکاب گناه وامی‌دارند. دوستان نیز مانند پادشاهان یا هدایت‌گرند یا مایه گمراهی. برای نمونه، همنشینان بد، حتی فرزند نوح را به گمراهی کشاندند و او را به عذاب الهی گرفتار ساختند. رسول خدا (ص) می‌فرماید: «آدمی، همان دین دوست و هم‌نشین خود را دارد».(۲)

امام علی (ع) نیز در نامه‌ای به حارث همدانی در این باره چنین می‌نویسد:

وَاحْذَرْ صَحابَةَ مَنْ یَضِلُّ رَأْیُهُ و یُنْکَرُ عَمَلُهُ فَانَّ الصّاحِبَ مُعْتَبَرٌ بِصاحِبِه.

از دوستی با کسانی که افکارشان نادرست و رفتارشان ناپسند

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۵۰۶.

ص: ۲۴

است، برحذر باش؛ زیرا آدمی به راه و روش و افکار دوستش خو می گیرد.

اسلام و پیشوایان دینی همواره آدمی را از همنشینی با بـدان پرهیز دادهانـد؛ زیرا خواه ناخواه آدمی از آنان تأثیر می‌پذیرد و آن گاه پشیمانی نیز سودی برایش ندارد. خداوند کریم درباره اهمیت گزینش دوست، از زبان کسی که از همین روی به بی‌راهه رفته چنین فرموده است: یـا وَیْلَـتی لَیْتَنی لَمْ أَتَّخِـذْ فُلانـاً خَلیلاـ؛ «ای وای بر من! کـاش فلاـن شـخص را به دوستی بر نمی گزیـدم.» (فرقـان: ۲۸) همنشینی با بدان، روشنایی روح را از بین می‌برد و توان تشخیص انسان را درباره خوبی و بدی فرو می کاهد و زشتی رفتار ناپسند را ناچیز می‌نماید. از این رو، امام محمد تقی (ع) می‌فرماید:

ایّاکَ وَ مُصاحَبَةَ الشَّریرِ فَانَّهُ کالسیَّفْ الْمَسْلُولِ یَحْسُنُ مَنْظَرُهُ و یَقْبُحُ أَثَرُهُ.(۱)

زنهار از همنشینی با بدکار؛ زیرا او همچون شمشیر آخته است که ظاهرش زیبا و نشانی که می گذارد زشت است.

امام علی (ع) نیز بر اهمیت این مسئله تأکید می کند:

مُجالَسَةُ اهْلِ الْهَوی مَنْسَأَةٌ لِلإیمانِ وَ مَحْضَرَةٌ لِلشَّیطانِ.(۲)

همنشینی با اهل هوا و هوس، دورکننده ایمان از انسان و

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۹۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۳.

ص: ۲۵

نزدیک‌کننده شیطان به وی است.

دین به پیروان خود می‌آموزد که در روابط اجتماعی‌شان، با دوستان برانگیزنده به کارهای خیر و بازدارنده از کارهای زشت بپیوندند. پیامبر گرامی اسلام (ص) از این افراد چنین یاد می‌کند:

جالِسِ الأَبْرارَ فَإِنّکَ إنْ فَعَلْتَ خَیْراً حَمَدوکَ وَ إنْ أَخْطَأْتَ لَمْ یُعَنِّفوک.(۱)

با ابرار هم‌نشین باشید؛ زیرا اگر کار خبری انجام دادید، شما را تشویق می‌کنند و اگر اشتباهی از شما سرزد، بر تو سخت نگیرند.

حضور در مجلس گناه جایز نیست. خداوند در قرآن می‌فرماید: «هرگاه شنیدید آیات خدا مورد انکار و استهزاء قرار می‌گیرد، با آنان ننشینید تا به سخنی غیر آن بپردازند».(۲)

۵. غرور

تکبر در برابر پروردگار متعال، زمینه‌ساز گناه است. انسانِ مغرور گمان می‌کند که توان عرضه اندام در مقابل خداوند را دارد و لذا در برابر فرمان الهی سر اطاعت فرود نمی‌آورد و غرور او را به معصیت می‌کشاند و چون به او گفته شود: «از خدا پروا داشته باش، غرورش

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۱.

۲- نساء: ۱۴۰.

ص: ۲۶

او را وادار به گناه می‌کند».(۱)

و خداوند می‌فرماید: «همانا درخت زقّوم طعام گناه‌پیشگان است ... و [می‌گویند] بچش که بی‌شک تو همان عزّتمند بزرگواری».(۲)

در این آیات دوزخیان، مبتلا به عذاب شدید و گدازنده، ابتدا با وصف الْأَثیم (به معنای غوطه‌ور در گناه) و سپس با وصف الْعَزیزُ الْکَریم

ی

اد شده‌اند. ارتباط این اوصاف، بیانگر این است که روحیه اقتدار و اشرافی گری، زمینه‌ساز غوطه‌وری انسان در گناه است.(۳)

۶. پیروی از نفس اماره

تکاپوی نفس اماره در درون انسان، از عوامل پیدایی گناه است. خداوند برای آزمودن آدمی او را به گونه‌ای آفرید که به بدی‌ها گرایش داشته باشد.

هنگامی که بی‌گناهی یوسف (ع) آشکار شد. او برای سپاس‌گزاری از خداوند، چنین گفت:

و من خود را تبرئه نمی‌کنم، زیرا نفس سرکش بسیار به بدی وامی‌دارد، مگر اینکه پروردگارم رحمت آورد. به یقین پروردگار من

۱- بقره: ۲۰۶.

۲- دخان: ۴۹ و ۴۳.

۳- تفسیر راهنما، محسن قرائتی، ج ۱۷، ص ۲۱۴.

ص: ۲۷

بسیار آمرزنده و مهربان است.(۱)

نفس اماره، برادرکشی قابیل را در نظر او زیبا نمود: «سرانجام [در کشاکش نفس و فطرت] نفسش او را برای کشتن برادر ترغیب کرد و او را کشت و از زیان‌کاران گردید».(۲)

یکی از ارکان رستگاری از دید قرآن، ضبط و مهار نفس امّاره است: «هر کس از مقام پروردگارش ترسیده و نفس خود را از هوس باز داشته، بهشت تنها جایگاه اوست».(۳)

۷. دنیادوستی

علاقه بیش از اندازه به دنیا از دیگر زمینه‌های گناه به شمار می‌رود. خداوند در وصف گناه‌کاران می‌فرماید: «بی‌تردید، اینان دنیای زودگذر را دوست دارند».(۴)

خداوند علّت کفر به قیامت را دلبستگی به دنیا می‌داند و می‌فرماید:

يَسْئَلُ أَيَّانَ يَوْمُ الْقِيامَةِ ... كَلَّا بَلْ تُحِبُّونَ الْعاجِلَةَ (قیامت: ۶ و ۲۰)

[با حالت انکار] می‌پرسد: روز قیامت کی خواهد بود؟ ... چنین نیست [که

۱- یوسف: ۵۳.

۲- مائده: ۳۰.

۳- نازعات: ۴۱ و ۴۰.

۴- انسان: ۲۷.

ص: ۲۸

می‌پندارید] بلکه شما این دنیای زودگذر را دوست می‌دارید.

خداونـد عالم حتی کسانی را که یتیمان را گرامی نمی‌دارنـد و یکـدیگر را بر طعام دادن به بینوا ترغیب نمی‌کنند و میراث یتیمان را یک‌جا می‌خورند، چنین توصیف می‌کند: «و مال را بسیار دوست می‌دارید».(۱)

بنابراین، دنیادوستی زمینه ارتکاب گناه و دنیاگریزی راهی به سوی سعادت است. خداوند منّان از انسان می‌خواهد:

برای اینکه تخم آرزو در دل آدمی کاشـته نشود، باید چشم به متاع دنیا نداشـته باشد و به سوی آن رونق زندگی دنیا که اصـنافی از آنان را بدان بهره‌مند ساخته‌ایم تا ایشان را بدان بیازماییم، چشم مدوز، و [بدان که] رزق پروردگارت بهتر و پایدارتر است.(۲)

۸. انکار جهنم

انکـار جهنم نیز از دیـد قرآن کریم سـبب روآوردن به گنـاه است. اگر آدمی به مجازت اعمال معتقـد باشـد، به آسانی به گناه روی نمی‌آورد. خداوند در سوره قیامت می‌فرماید:

آیا این انسان می‌پندارد که هرگز استخوان‌های او را جمع

۱- فجر: ۲۰.

۲- طه: ۱۳۱.

ص: ۲۹

نخواهیم کرد، چرا [جمع خواهیم کرد] در حالی که به درست کردن سر انگشتانش هم تواناییم. بلکه این انسان می‌خواهد در آینده خود نیز گناه کند، می‌پرسد، روز قیامت کی خواهد بود.(۱)

قرآن مجید اندیشه هواپرستان را چنین برمی‌شمارد: «و گفتند: زندگی، جز همین زندگی دنیای ما نیست».(۲)

همچنین خداوند بعد از اینکه از آدمی سؤال می‌کند که «چه چیز تو را در مورد پروردگار کریمت فریب داده است» (۳)در چند آیه بعد خود پاسخ واقعی را بیان می‌کند: کَلَّا بَلْ تُکَذِّبُونَ بِالدِّین؛ «هرگز، بلکه شما روز جزا را تکذیب می‌کنید.» (انفطار: ۹)

۹. هم‌رنگی با جماعت

معیار و میزان انتخاب راه، فرمان و آموزه‌های الهی باید باشد نه محیط و خواست بیشتر افراد جامعه. اگر خواست عمومی و هم‌رنگی با جماعت و هم‌رأیی بی‌دلیل با اکثریت، ملاک تصمیم‌گیری و عمل باشد، بسیاری از کارها به لغزش و کژروی می‌انجامد. افسوس که

۱- قیامت: ۳- ۶.

۲- جاثیه: ۲۴.

۳- انفطار: ۶.

ص: ۳۰

برخی از افراد بـدون تأمل و تفکر و تنها از روی تقلیـد به کاری می‌پردازنـد، اما خداوند، انسان را برای گزیدن راه درست به قدرت عقل توانمنـد ساخته و آن را به نور وحی نیز آراسـته و هیـچ‌گاه پیروی کورکورانه او را از اکثریت نپـذیرفته است. لقمان در وصـیت معروف خود به پسرش چنین می‌گوید:

لاتُعَلِّقْ قَلْبَکَ بِرِضَی النّاس فَإِنَّ ذَلِکَ لایَحْصُلُ.(۱)

قلب خود را به خشنودی مردم وابسته مکن؛ زیرا [هر کاری کنی]، رضایت همه مردم به دست نمی‌آید.

سپس برای اثبات این سخن همراه پسرش از خانه بیرون آمد و الاغ خود را نیز از طویله بیرون آورد و بر آن نشست و پسرش پیاده به دنبالش راه افتاد تا به گروهی رسـیدند. آنان گفتند: این پیرمرد سـنگ‌دل و بی‌رحم است. پس پسـر سوار شد و پدر پیاده به راه افتاد تا به گروه دیگری رسـیدند. آنان گفتند: اینان پدر و پسر بدی‌اند؛ بدی پدر از این روست که فرزندش را تربیت نکرده است و بدی پسر از این روست که به پدرش احترام نمی‌گزارد.

پس با هم سوار الاغ شدنـد و به راه افتادند تا به گروه سوم رسـیدند. اینان گفتند: این دو، انسان‌های بی‌رحمی‌اند؛ با هم سوار بر این حیوان زبان‌بسته شده‌اند. پس لقمان و پسرش هر دو پیاده شدند و

۱- سفینهٔ البحار، شیخ عباس قمی، ج ۲، ص ۵۱۱.

ص: ۳۱

الاغ را جلو انداختند و به دنبال آن راه افتادند و این بار به گروهی دیگر برخوردند. آنان گفتند: کار این دو نفر، عجیب است، مرکب به این خوبی را رها کرده‌اند و پیاده به دنبالش حرکت می‌کنند!

آن‌گاه لقمان به پسرش گفت: پسر جان! دیدی که به دست آوردن رضایت مردم، محال است:

فَلا تَلْتَفِتْ إِلَيْهِمْ وَ اشْتَغِلْ بِرِضَى اللهِ جَلَّ جَلالُهُ. (۱)

پس به رضایت آنها دل مبند و به خشنودی خدای بزرگ اشتغال داشته باش.

امام کاظم (ع) نیز به شاگرد عالم و برجسته‌اش، هشام بن حکم فرمود:

یـا هِشَام! لَوْ كَانَ فِی یَدِکَ جَوْزَةٌ وَ قَالَ النَّاسُ لُؤْلُؤَةٌ مَا كَانَ يَنْفَعُکَ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا جَوْزَةٌ وَ لَوكَانَ فِی يـدِکَ لُؤلُؤَةٌ وَ قَالَ النَّاسُ إِنَّهَا جَوزَةٌ مَا ضَرَّکَ وَ أَنْتَ تَعْلَمُ أَنَّهَا لُؤلُؤَةٌ. (۲)

ای هشام! اگر در دست تو گردویی باشد، ولی مردم بگویند مروارید است، به حال تو سودی ندارد؛ زیرا می‌دانی گردوست و اگر در دست تو مروایدی باشد، و مردم بگویند گردوست، زیانی به تو نمی‌رسد؛ زیرا می‌دانی آن مروارید است.

امام باقر (ع) نیز در توصیه زیبایی به جابر جعفی، یکی از شاگردان

۱- سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۵۱۱.

۲- همان، ص ۵۲۸.

ص: ۳۲

برجسته‌اش می‌فرماید:

ای جابر! بدان که تو دوست ما نخواهی بود تا زمانی که اگر تمام اهل شهر جمع شوند و بگویند تو آدم بدی هستی، غمگین نشوی؛ اگر همه بگوینـد تو آدم خوبی هستی، خوش‌حال نشوی، بلکه حال خود را بر کتاب خدا (قرآن) عرضه دار. اگر خود را چنین یافتی که در خط قرآن گام برمی‌داری و در آنچه قرآن بی‌میل است، بی‌میل هستی و در آنچه قرآن مشـتاق آن است، تو نیز مشتاق آنی و از آنچه قرآن هشـدار داده است، گریزانی، اسـتوار بـاش و مژده بـاد به تو که در این صورت، آنچه مردم درباره تو می‌گوینـد، به تو آسیبی نخواهند رساند.(۱)

همچنین، امام باقر (ع) در جای دیگر می‌فرماید:

کسـی که خشـنودی مردم را به چیزی که موجب خشم خدا می‌شود، طلب کند، همان سـتایش، سرزنشگر او خواهد شد و کسی که اطاعت خدا را به چیزی که باعث خشم مردم می‌شود، طلب کند خداوند او را از دشمنی هر دشمن و از حسادت هر حسود و از ظلم هر ستمگر کفایت می‌کند و قطعاً خداوند یار و یاور او خواهد بود. (۲)

۱- سفینهٔ البحار، ج ۲، ص ۶۹۱.

۲- فروع کافی، ج ۵، ص ۶۲.

ص: ۳۳

۱۰. کوچک شمردن گناه

اگر آدمی، گناه کوچک را ناچیز بشمرد، به راه پر آسیبی گام می گذارد؛ زیرا آرام آرام به سرزمین زیان‌بار گناهان کبیره کشیده می‌شود. امام سجاد (ع) در دعای هشتم صحیفه سجادیه از خداوند چنین می‌خواهد:

اللَّهُمَّ اعُوذُ بِکَ مِن ... الإِصرارِ عَلَی الإِثمِ وَ اسْتِصْغار المَعْصِیَةِ.

پروردگارا! به تو پناه می‌برم از ... و از اصرار بر گناهان و کوچک شمردن گناه.

چنانچه آدمی با گناه خو بگیرد، گناهانش چنان انباشته می‌شوند که از میان بردن آنها دشوار است؛ مانند نخ‌های باریکی که آنها را به آسانی می‌توان از هم گست، اما هنگامی که شماری از این نخ‌ها به هم بافته و به ریسمانی بدل شد، دیگر نمی‌توان آنها را از هم گسست. مؤمن بر گناه پای نمی‌فشارد:

(وَ لَمْ یصِرُّوا عَلی ما فَعَلُوا وَ هُمْ یعْلَمُون) (آل عمران: ۱۳۵)

بر آنچه کرده‌اند، پای نمی‌فشارند در حالی که [زشتی آن را] می‌دانند

امام باقر (ع) درباره این آیه می‌فرماید: «اصرار؛ یعنی اینکه کسی گناه

ص: ۳۴

کند و از خدا آمرزش نخواهد و در فکر توبه نباشد».(۱)

مولای پرهیزگاران نیز در این‌باره چنین هشدار می‌دهد: «

إِیّاکَ وَ الإِصْرارَ فَإِنَّه مِنْ أَکْبَرِ الْکَبائِرِ وَ أَعْظَمِ الْجَرائِمِ

»(۲) ؛ «از اصرار بر گناه بپرهیز؛ زیرا از بزرگ‌ترین گناهان است».

امام صادق (ع) در تمثیلی زیبا به نقل از پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: روزی رسول خدا (ص) و یارانش [در سفری]، در سرزمینی بی‌آب و علف فرود آمدند. حضرت به یارانش فرمود: «هیزم بیاورید تا آتش روشن کنیم و غذا بپزیم». یاران عرض کردند: «اینجا سرزمین خشکی است و هیچ هیزمی در آن یافت نمی‌شود». رسول اکرم (ص) فرمود: «بروید و هر کدام آنچه می‌توانید، هیزم جمع کنید». آنها رفتند و هر یک مقداری هیزم یا چوب خشکیده با خود آوردند و همه را در برابر پیامبر (ص) روی هم ریختند. پیامبر خدا فرمود:

«هکذا تَجْتَمِعُ الذُّنُوبُ»

؛ «این گونه، گناهان روی هم انباشته می‌شوند».

سپس فرمود: «

یّاکُمْ وَ الْمُحَقّراتِ مِنَ الذُّنُوبِ

» (۳)؛ «از گناهان کوچک بپرهیزید».

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۶۸.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۸۸.

ص: ۳۵

۱۱. انتشار گناهان

یکی از عواملی که زمینه گناه را در آدمی فراهم می‌آورد، بی‌شرمی و پاره کردن حیای اجتماعی است. کسی که می‌بیند دیگران بی‌باکانه خود را به گناه می‌آلایند و از کسی شرم و حیا نمی‌کنند، جرئت می‌یابد که مانند آنان به فسق و فجور بپردازد. این ویژگی اجتماعی بر اثر انتشار گناهان و نبود امر به معروف و نهی از منکر، کم‌کم پدید می‌آید.

برخی از افراد برای توجیه کردن گناهان خود، دوست دارند که گناه دیگران را آشکار سازند. حضرت علی (ع) در این‌باره نیز می‌فرماید:

ذَوُو الْعُيُوبِ يُحِبُّونَ إِشاعَةَ مَعَايِبِ النَّاسِ لِيَتَّسِعَ لَهُمُ الْعُذْرُ فِي مَعَايِبِهِمْ.(۱)

گناه‌کاران دوست دارند گناه دیگران را منتشر کنند تا راه بهانه برای گناه خودشان بازتر گردد.

خداوند از گستردن و اشاعه فساد به شدت پرهیز داده است:

إِنَّ الَّذينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشيعَ الْفاحِشَةُ فِي الَّذينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذابٌ أَليمٌ فِي الدُّنْيا وَ الْآخِرَةِ (نور: ۱۹)

کسانی که دوست دارند زشتی‌ها در میان مردم باایمان رواج یابد، عذاب دردناکی برای آنها در دنیا و آخرت است.

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص ۲۸۸.

ص: ۳۶

بـدترین گنـاه این است که آدمی به بـازگویی‌اش نزد دیگران و انتشـار آن بپردازد. بی‌گمان، انسان عفیف و پاک‌دامن، اگر گناهی هم مرتکب شود، در پرده‌پوشی آن می‌کوشد.

رسول اکرم (ص) می‌فرماید:

الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ یَعْدِلُ سَبْعِینَ حَسَنَةً وَ الْمُذِیعُ بِالسَّیِّئَةِ مَخْذُولٌ وَ الْمُسْتَتِرُ بِها مَغْفُورٌ لَه.(۱)

پاداش پنهان‌کننده کار نیک [به خاطر دوری از ریا] برابر هفتاد حسـنه است و آن کس که گناه را نشـر دهد مطرود است و آن کس که گناه را پنهان می‌دارد، مشمول آمرزش الهی است.

هر که آشـکارا گناه کند یا گناه پنهانش را آشکار سازد، موجب تباهی جامعه و فراگیری گناه در آن می‌شود. حضرت علی (ع) در این‌باره می‌فرماید: «

إِیَّاکَ وَ الْمُجَاهَرَةَ بِالْفُجُورِ فَإِنَّهَا مِنْ أَشَدِّ الْمَآثِمِ

»(۲) ؛ «از تظاهر به تباهی بپرهیز؛ چون از بزرگ‌ترین گناهان است».

اگر آدمی از کـار خود شـرمگین باشـد، هیـچ‌گاه آن را برای دیگران بازگو نمی‌کنـد، اما کسـی که از کار خود شاد باشـد، آن را با طُمطراق برای دیگران نقل می‌کنند.

۱۲. تغذیه ناپاک

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۰.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۳۶۸.

ص: ۳۷

اسلام به موضوع غذا اهمیت بسیار داده و پیروان خود را از خوردن غذای ناپاک و حرام بازمی‌دارد. زیرا؛ آنچه مسلّم است اینکه، غذای حرام در روح و جان انسان اثر وضعی می گذارد و او را به گناه سوق می‌دهد. خداوند در برخی آیات، مؤمنان را از خوردن غذای ناپاک و حرام باز می‌دارد: وَ لا تَأْكُلُوا أَمْوالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْباطِلِ؛ «و اموال یکدیگر را به باطل [و ناحق] در میان خود نخورید.» (بقره: ۱۸۸)

همچنین در کریمه دیگری می‌فرماید:

إِنَّ الَّذينَ يَأْكُلُونَ أَمْوالَ الْيَتامى ظُلْماً إِنَّما يَأْكُلُونَ في بُطُونِهِمْ ناراً وَ سَيَصْلَوْنَ سَعيرا (نساء: ۱۰)

کسانی که اموال یتیمان را از روی ظلم و ستم می‌خورند، تنها آتش می‌خورند و به زودی در آتش سوزان می‌سوزند.

روایات اسلامی نیز انسان را از حرام‌خواری منع کرده‌اند. امام سجاد (ع) می‌فرماید: «

وَ حَقُّ بَطْنِکَ أنْ لاتَجْعَلَهُ وِعَاءً لِلْحَرَام

» (۱)؛ «حق شکم تو آن است که آن را ظرف حرام، قرار ندهی».

همچنین رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «

طَهِّرْ مَأْکَلَکَ وَ لا تُدْخِلْ بَطْنَکَ الْحَرَامَ»

(۲)

؛ «غذای خود را پاک کن و غذای حرام را وارد شکم مکن».

۱- مکارم الاخلاق، ص ۴۱۹.

۲- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۴۴۸.

ص: ۳۸

ایشان در سفارشی دیگر می‌فرماید:

مَنْ أحَبَّ أنْ یُسْتَجابَ دُعائَهُ فَلْیُطَیِّبْ مَطْعَمَهُ وَ مَکْسَبَهُ.(۱)

هر کسی که دوست دارد، دعایش به استجابت برسد، باید غذای خود و کسب و درآمدش را پاک سازد.

ب) پی‌آمدهای گناه

یک- آثار ارتکاب گناه

اشاره

بی‌گمان، دست زدن به گناهان، پی‌آمدهایی دارد که شایسته است انسان برای جلوگیری از آنها، روح پاکش را به گناه آلوده نسازد. برخی از این آثار عبارتند از:

۱. محروم شدن از نماز شب

گناه رشته پیوند خالق و مخلوق را می‌گسلد. چنان‌که فاصله‌ای میان حرکت کارد و بریده شدن گوشت نیست؛ میان گناه و اثر آن نیز فاصله‌ای نیست و اثرش به زودی نمایان می‌شود. امام صادق (ع) درباره تأثیر گناه در محروم شدن از نماز شب می‌فرماید:

إنَّ الرَّجُلَ یُذْنِبُ الذَّنْبَ فَیُحْرَمُ صَلاةَ اللَّیْلِ وَ إنَّ الْعَمَلَ السَّیِّئَ أَسْرَعُ فِی صاحِبِهِ مِنَ السِّکِّینِ فِی اللَّحْم.(۲)

۱- همان.

۲- اصول کافی، ج ۳، ص ۳۷۴.

ص: ۳۹

به‌راستی که شخص، مرتکب گناه می‌شود و بر اثر آن، از نماز شب محروم می‌گردد و هر آینه اثر کار بد در [روح و جان] صاحبش سریع‌تر از اثر کارد در گوشت است.

۲. دوری از رحمت الهی

گناه‌کار مشمول رحمت الهی قرار نمی‌گیرد. خداوند درباره گروهی از بنی‌اسراییل می‌فرماید: پس آنان را به سبب پیمان‌شکنی‌شان لعنت کردیم(۱) لعنت خدا یعنی دور ساختن از رحمت خویش. بر این اساس خداوند درباره توبه‌کننده می‌فرماید: فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْه (مائده: ۳۹) توبه خدا بر بندگان به معنای بازگشت رحمت او به آنان است. بنابراین گناهکار قبل از توبه از رحمت خداوند دور بوده است.(۲)

۳. اجابت نشدن دعا

گناه، مانع استجابت دعا است. امام باقر (ع) می‌فرماید:

إِنَّ الْعَبْدَ يَسْأَلُ اللهَ الْحَاجَةَ فَيَكُونُ مِنْ شَأنِهِ قَضَاؤُهَا الى أَجَل قَريبٍ اوْ الى وَقْتٍ بَطِيءٍ فَيُذْنِبُ الْعَبدُ ذَنْباً فَيَقُولُ الله- تَبَارَك وَ تَعالى- لِلْمَلَكِ لاتَقْضِ حاجَتَهُ وَاحْرِمْهُ إِيّاها فَإِنَّهُ تَعَرَّضَ لِسَخَطى وَاسْتَوجَبَ الْحِرْمانَ مِنّى.

۱- مائده: ۱۳.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۳۰۲.

ص: ۴۰

همانا بنده از خدا حاجتی می‌خواهد که [خداوند] در نظر دارد دیر یا زود آن را برآورد. پس آن بنده، گناهی مرتکب می‌شود و خدای تعالی به فرشته می‌گوید: حاجتش را برآورده مساز و او را از آن محروم دار؛ زیرا خشمم را برانگیخت و سزاوار محرومیت از درگاه ما شد.

حضرت علی (ع) نیز گناه را مانع اجابت دعا می‌داند و می‌فرماید: «

الْمَعْصِیَةُ تَمْنَعُ الإِجَابَةَ

(۱).»

شخصی از حضرت امیر پرسید: چگونه است که ما دعا می‌کنیم، اما اجابت نمی‌شود؟ حضرت در پاسخش فرمود: دل‌های شما در هشت جا خیانت کردند: خدا را شناختید، اما حق واجب او را بر خودتان ادا نکردید. از این رو، آن معرفت به کار شما نیامد؛

به پیامبر خدا ایمان آوردید، آن‌گاه با سنت و روشش مخالفت کردید و شریعتش را از میان بردید؛ پس پی‌آمد ایمان‌تان چه شد؟

کتاب خدا بر شما فرود آمد، آن را خواندید، اما بدان عمل نکردید و گفتید: به گوش و دل می‌پذیریم، اما با آن مخالفت کردید؛

گفتید: ما از آتش دوزخ می‌ترسیم، اما همواره با گناهان خود به سوی دوزخ می‌روید. پس ترس شما کجا رفت؟

گفتید: ما مشتاق بهشتیم، اما همواره به کارهایی دست می‌زنید که

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ح ۳۷۶۶.

ص: ۴۱

شما را از بهشت دور می‌سازند؛ پس علاقه و شوق شما به بهشت کجاست؟

نعمت خدای خود را خوردید، اما از او سپاس گزاری نکردید. خداوند شما را به دشمنی با شیطان دستور داد و فرمود: إِنَّ الشَّیطانَ لَکُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا؛ «همانا شیطان، دشمن شماست؛ شما نیز او را دشمن گیرید.» (فاطر: ۶) اما شما به زبان با او دشمنی کردید و در عمل، به دوستی با او برخاستید.

عیب‌های مردم را در برابر دیدگانتان قرار دادید و عیب‌های خود را پشت سر انداختید و از این رو، کسی را نکوهش می‌کنید که خود به نکوهش در آن‌باره، سزاوارترید. پس چگونه دعای شما مستجاب شود با اینکه درهای [اجابت] دعا و راه‌های آن را بر خود بسته‌اید؟ پس از خداوند بترسید و کارهایتان را اصلاح و به معروف، امر و از منکر، نهی کنید تا خدا دعایتان را مستجاب کند.(۱)

امام سجاد (ع) در روایتی به برخی از گناهانی که مانع پذیرش دعا می‌شوند اشاره کرده‌اند:

وَالذُّنُوبُ الَّتِی تَرُدُّ الدُّعاءَ: سُوءُ النِّیَّةِ وَ خُبْثُ السَّریرةِ وَ النِّفَاقُ مَعَ الإخوانِ وَ تَرْکُ التَّصْدِیقِ بِالاجابَةِ وَ تَأخِیرُ الصَّلواتِ المَفْرُوضاتِ حَتَّی تَذهَبَ اوْقَاتُها وَ تَرْکُ التَّقَرُّبِ الَی اللهِ عَزَّوَجَلَّ بِالْبِرِّ وَ الصَّدَقَةِ وَ

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، صص ۳۷۷- ۳۷۶.

ص: ۴۲

اسْتِعْمالُ البَذاءِ وَ الْفُحشِ فِی الْقَولِ. (۱)

آن گناهانی که دعا را باز می گرداند، بـدلی، بدطینتی، دورویی با برادران ایمانی، ایمان نداشـتن به اجابت دعا، تأخیر در نمازهای واجب به‌گونه‌ای که وقت آن بگذرد، نزدیک نشدن به خدای- عزّوجلّ- با نیکی و صدقه و سرانجام، بد زبانی است.

همچنین در دعای کمیل آمده است: «خدایا! بیامرز برایم گناهانی را که از [استجابت] دعا جلوگیری می کند».

۴. گریز از حق

پیروی آدمی از خواهش‌هـای نفسـانی، او را از پیمودن راه کمـال و فضـیلت بازمی‌دارد و به سراشـیبی سـقوط می‌انـدازد. گناه‌کاری سبب گرفتار شدن انسان به کژباوری و انکار مقدسات دینی می‌شود. قرآن کریم در این‌باره به صراحت می‌فرماید:

ثُمَّ کانَ عاقِبَهَ الَّذینَ أَساؤُا السُّوای أَنْ کَذَّبُوا بِآیاتِ اللَّهِ وَ کانُوا بِها یَسْتَهْزِؤُن (روم: ۱۰)

سرانجام کسانی که کارهای زشت کردند، آن بود که آیات خدا را تکذیب و مسخره می کردند.

۱- معانی الاخبار، ص ۲۱۷.

ص: ۴۳

۵. گمراهی و هلاکت

قرآن مجید برای جلوگیری از گرفتاری انسان در دام هوا، به او چنین هشدار می‌دهد: وَ لا تَتَّبِعِ الْهَوی فَیُضِلَّکَ عَنْ سَبیلِ اللَّه؛ «از هوای نفس پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه می‌سازد.» (ص: ۲۶)

امیر مؤمنان علی (ع) نیز در سخنی کوتاه و رسا در همین زمینه می‌فرماید: «

مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ هَلَکَ

» (۱)؛ «کسی که از هوای نفس خود پیروی کند، هلاک می گردد».

این سخن ارزشمند حضرت علی (ع) نیز از پی‌آمد بسیار زیان‌بار پیروی از گناه خبر می‌دهد:

إِقْمَعُوا هَذِهِ النُّفُوسَ فَإِنَّهَا طَلعَةٌ إِنْ تُطِیعُوهَا تُزِغْ بِکُمْ الی شَرِّ غَایَةٍ. (۲)

این نفس‌های سرکش را مهار کنید که لجام‌گسیخته و خودسَرند و اگر از آنها پیروی کنید و به دنبالشان بروید، شما را به بدترین پرتگاه می‌افکنند.

قرآن مجید، بی‌ایمانی و گمراهی کافران را پی‌آمد پیروی آنان از هوای نفس می‌شمرد:

(فَلا یَصُدَّنَّکَ عَنْها مَنْ لا یُؤْمِنُ بِها وَ اتَّبَعَ هَواهُ فَتَرْدی

) (طه: ۱۶)

آن کسی که به روز جزا ایمان نیاورده و از هوای نفس خود

۱- غررالحکم و درر الکلم، ص ۶۱۳.

۲- غررالحکم و درر الکلم، ص ۱۳۸.

ص: ۴۴

پیروی کرده است، تو را از ایمان به خدا باز ندارد که هلاک خواهی شد.

۶. عذاب‌های اخروی

خداوند در آیه‌ای از قرآن مجید، درباره عذاب‌های اخروی گناهان می‌فرماید:

وَ مَنْ جاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا ما كُنْتُمْ تَعْمَلُون (نمل: ۹۰)

و آنان را که کارهای بد می‌کنند در آتش سرنگون سازد و شما را جز بر اساس کارهایی که کرده‌اید، کیفر ندهند.

وضع گناهکاران در آخرت، در آیه دیگری چنین توصیف می‌شود:

يُبَصَّرُونَهُمْ يَوَدُّ الْمُجْرِمُ لَوْ يَفْتَدى مِنْ عَذابِ يَوْمِئِذٍ بِبَنيهِ (۱۱) وَ صاحِبَتِهِ وَ أَخيهِ (۱۲) وَ فَصيلَتِهِ الَّتى تُؤْويهِ (۱۳) وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَميعاً ثُمَّ يُنْجيهِ (۱۴) كَلَّا إِنَّها لَظى (۱۵) نَزَّاعَةً لِلشَّوى (۱۶) (معارج: ۱۱– ۱۶)

گناه‌کار، دوست دارد فرزندانش را در برابر عذاب آن‌روز فدا کند و زنش و برادرش را و عشیره‌اش که همیشه از او حمایت می‌کرد و همه آنها که در روی زمین‌اند، بلکه نجات یابد. اما هرگز چنین نیست. شعله‌های آتش سوزان است، پوست سر را

ص: ۴۵

می کند.

قرآن در آیه کریمه دیگری از وضع ظاهری گناهکاران در آن روز پرده برمی‌دارد و می‌فرماید:

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَ هُمْ فیها کالِحُون (مؤمنون: ۱۰۴)

آتش، چهره‌هایشان را می‌سوزاند و لبانشان آماس کرده و برگشته است.

افزون بر اینها، چهره گناه‌کاران در قیامت دگرگون می‌شود. معاذ بن جبل می گوید: در منزل ابوایوب انصاری در محضر رسول خدا (ص) بودم. از آن حضرت پرسیدم: منظور از این آیه چیست؟ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْواجاً؛ «روز قیامت در صور دمیده می‌شود، پس مردم گروه گروه می‌آیند.» (نبأ: ۱۸)

آن حضرت در پاسخ فرمود:

ده گروه از امت من در قیامت با چهره‌های مخصوصی از سایرین متمایز هستند و با این حال وارد صحنه می‌شوند.

گروهی به صورت میمون یا خوک یا واژگونه یا کور یا گنگ و کر و گروهی زبانشان را می‌جوند و از دهانشان چرک می‌ریزد که همه را ناراحت می کند. بعضی بدتر از مردار گندیده، گروهی پوشیده به لباس‌های آتشین و مس گداخته و چسبان، برخی با دست و پای بریده و گروه دیگر آویخته شده بر دارهای آتشین.

ص: ۴۶

گروه اول، سخن‌چین‌ها هستند، گروه دوم، حرام‌خورهایند، گروه سوم رباخوارند، گروه چهارم قاضیان ستمگر هستند، گروه پنجم از خودراضی و خودبینان هستند، گروه ششم علما و قاضیان بی‌عمل می‌باشند، گروه هفتم آزاردهندگان به همسایه‌اند، گروه هشتم جاسوس‌های نزد ظالم هستند، گروه نهم شهوت‌رانان و کسانی که حقوق خدا را از اموالشان نمی‌پردازند و گروه دهم متکبران می‌باشند.(۱)

۷. عذاب دنیوی

مصیبت‌های دنیایی از دیگر پی‌آمدهای گناه به شمار می‌رود. سخن ارزشمند علامه طباطبایی (رحمه الله) در این‌باره خواندنی است: انسان مانند سایه انواع موجودات، وجودش مرتبط با سایر اجزای عالم است و اعمالی که از او سر می‌زند با سایر اجزای عالم که محیط به او است ارتباط کامل دارد، به طوری که اگر حرکاتش صالح و سازگار با اجزاء و موجودات باشد، آن موجودات نیز سازگار با او خواهند بود و برکات به سویش سرازیر خواهد شد و اگر سازگار نباشد عالم نیز با او سازگاری نداشته و در نابود ساختن او سعی خواهد نمود.(۲)

۱- مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۲۳.

۲- المیزان، ج ۸، ص ۲۵۰.

ص: ۴۷

قرآن مجید می‌فرماید: «و هر مصیبتی به شما برسد به سبب دستاورد خودتان است و [خدا] از بسیاری [از گناهان شما] درمی گذرد».

امام صادق (ع) نیز در این‌باره چنین فرمود:

هیچ رگی از بدن نمی‌جهد و هیچ نکبتی نمی‌رسد و هیچ سردرد و بیماری دیگری عارض کسی نمی‌شود مگر به خاطر گناهی است که کرده، سپس آن حضرت این آیه شوری را تلاوت نمود و در معنای آن فرمود: یعنی آنچه که از عقوبتش صرف‌نظر می کند بیشتر از آن گناهانی است که عقوبتش را به گناه‌کار می‌چشاند.(۱)

این آیات نیز همین نکته را باز می گوید:

و چه بسیار شهرهایی را که [مردم آنها] ستم‌کار بودند، هلاک کردیم و [اینک دیوارهای] آنها بر سقف‌هایشان فرو ریخته است و [چه بسیار] چاه‌های رها شده و کاخ‌های برافراشته [که صاحبانشان هلاک شده‌اند].(۲)

و خدا مثلی زده است: شهری را که امنیت و آرامش داشت و رزق آن به فراوانی از هر نقطه بدان می‌رسید؛ پس نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به سزای آنچه می کردند طعم

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۵۸۱.

۲- حج: ۴۵.

ص: ۴۸

گرسنگی و ترس فراگیر را به آنان چشانید.(۱)

از امام صادق (ع) درباره این آیه چنین روایت شده است:

قبل از شما قریه‌ای بود که خداوند در زندگی به آنان گشایش داده بود تا اینکه طغیان کردند و بعضی به بعضی دیگر گفتند: اگر به چیزی از این نان‌ها روی آوریم و آن را وسیله استنجا قرار دهیم، برای ما از سنگ نرم‌تر خواهد بود و چون چنین کردند، خداوند جنبنده‌های کوچک‌تر از ملخ را بر سرزمین‌های آنان فرستاد و آنها همه چیزهایی که خداوند آفریده بود از درخت و غیر آن را خوردند. در نتیجه سختی به جایی رسید که آنان به همان نان‌هایی که با آن استنجا کرده بودند، روی آوردند و آنها را خوردند و آن همان قریه‌ای است که خداوند فرموده است: وَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً ... (نحل: ۱۱۲).(۲)

اگر گناه در جامعه‌ای رواج یابد، خداوند آن جامعه و مردمان خوش‌گذران و گناهکار را نابود می‌کند؛ چنان‌که در این آیه از قرآن آمده است:

وَ إِذا أَرَدْنا أَنْ نُهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنا مُتْرَفيها فَفَسَقُوا فيها فَحَقَّ عَلَيْهَا الْقَوْلُ فَدَمَّرْناها تَدْميراً (اسراء: ۱۶)

۱- نحل: ۱۱۲.

۲- تفسیر عیاشی، ج ۲، ص ۲۷۳.

ص: ۴۹

چون بخواهیم قریه‌ای را نابود کنیم، خوش‌گذرانان و عیاشانشان را وامی‌داریم تا در آنجا گناه کنند وعذاب خدا بر آنان محقق شود و یک‌سره آنجا را ویران کنیم.

خداوند همچنین در آیه دیگری می‌فرماید: فَأَهْلَکْناهُمْ بِذُنُوبِهِم)؛ «پس آنها را به سبب گناهانشان نابود کردیم». (انعام: ۶)

و یا در جای دیگر می‌فرماید: «پس پروردگارشان به سبب گناهانشان برسرشان عذاب آورد و با خاک یکسانشان ساخت».

امام علی (ع) نیز درباره گرفتار شدن اقوام به عذاب الهی بر اثر ارتکاب گناه می‌فرماید:

وَ احْذَرُوا مَا نَزَلَ بِالامَمِ قَبْلَکُمْ مِنَ الْمَثُلاتِ بِسُوءِ الافْعالِ وَ ذَمِیمِ الأَعْمالِ فَتَذَکَّرُوا فِی الْخَیْرِ وَ الشَّرِّ أَحْوَالَهُمْ وَ احْذَرُوا أنْ تَکُونُوا أَمْثَالَهُمْ(۱)

و بترسید از آن عذاب‌ها و کیفرهای سختی که بر اثر زشت کاری‌ها و اعمال بد به ملت‌های پیش از شما رسید و درنیکی و بدی، احوال آنها را یاد آور شوید و بترسید که همانند آنان گردید.

۸. تسلط بیگانگان بر سرزمین اسلامی

یکی از آثار و پی‌آمدهای رواج گناه، رخنه و نفوذ تدریجی

۱- . نهج البلاغه، ترجمه و شرح فیض الاسلام، ص ۷۹۲.

ص: ۵۰

بیگانگان و تسلط آنان بر ممالک اسلامی است.

ماجرای اندلس و چیرگی دشمنان بر مسلمانان و نابودی آنان در جنوب غربی اروپا بر اثر غرق شدنشان در گرداب گناهان، نمونه‌ای عبرت‌آموز در این زمینه است.

طارق بن زیاد از سوی موسی بن نصیر، فرمانده منصوب خلفای اموی در افریقا، فرمان یافت که اسپانیا را فتح کند. وی از راه تنگه جبل الطارق به خاک اسپانیا وارد شد و توانست به کمک سپاه دوازده هزار نفری خود، شهرهای اسپانیا را یکی پس از دیگری فتح کند و حدود هشتصد سال در آنجا حکم راندند. هم‌اکنون نیز آثار تاریخی‌شان مانند مسجد قرطبه، قصر اشبیلیه، مسجدالحمراء و قصرالحمراء، منبع درآمد خوبی برای کشور اسپانیاست. هنگامی که اسپانیا در دست مسلمانان بود، مسیحیت با امکانات و نقشه‌های فراوان و جنگ‌های خونین، نتوانست این کشور را از آنان بازستاند، اما سرانجام با رواج دادن بی‌بندوباری و گناه در میان جوانان این کشور، به آرامی در آن رخنه کرد و با سرگرم ساختن آنان به عیاشی و شهوترانی، جایگاه‌های مهم را در این کشور به دست گرفت و توانست بر اسپانیا مسلّط شود.

این، سرنوشت ملتی بود که با نگاه‌بانی از دین و آیین خود، به بزرگ‌ترین موفقیت‌ها دست یافتند، اما آن‌گاه که گناه در میانشان رواج یافت، زمینه نابودی‌شان نیز فراهم آمد. امام باقر (ع) به نقل از رسول‌الله (ص)

ص: ۵۱

سرنوشت جوامعی که به گناه آلوده می‌شوند را چنین توصیف می کند:

هرگاه پس از من زنا پدیـدار شود، مرگ ناگهانی فراوان گردد و هرگاه از پیمانه و ترازو کم شود، خداوند آنان را به قحطی وکمی [خـوراك و دیگر وسایـل زنـدگی] گرفتـار می‌سـازد و هرگـاه [مردم] از دادن زکـات دریغ کننـد، زمین برکت خود را از زراعت و میوه‌ها و معادن، از آنان دریغ می کند و هرگاه در احکام به ناحق حکم کنند، به سـتم یکدیگر دچار می گردند و چون پیمان‌شـکنی کننـد، خداونـد دشـمنانشان را بر آنان چیره می‌سازد و چون رحم را قطع کننـد، خداوند، اموالشان را در دست اشـرار قرار می‌دهد و چـون امر بـه معروف و نهی از منکر و از نیکـان اهـل بیـت پیروی نکننـد، خداونـد، اشــرار آنـان را بر ایشـان چیره می گردانـد، پس نیکان‌شان دعا می کنند و مستجاب نمی‌شود.

البته تنها ملت مسـلمان اسپانیا نبود که بر اثر آلودگی به گناه و شهوت‌رانی به شکست و نابودی تن داد، بلکه هر ملت آلوده به گناه، به همین سرنوشت دچار خواهد شد.

۹. زوال نعمت

یکی از سنت‌های الهی این است که چنانچه ملتی به گناه و معصیت آلوده شود، نعمت‌ها از آنان ستانده می‌شود و خودشان از

ص: ۵۲

میان می‌روند. قرآن کریم در این‌باره می‌فرماید:

آیا در زمین سیر نمی‌کنند تا بنگرند عاقبت پیشینیان چگونه بوده است؟ توانایی آنها و آثاری که در زمین پدید آورده بودند، از اینان بیش بود و خدا آنان را به کیفر کفرشان فراگرفت. (۱)

امیرمؤمنان، علی (ع) نیز بر پایه روایتی چنین می‌گوید:

به خدا سوگند، هرگز قومی در فراوانی نعمت‌های زندگی به سر نبرده است مگر آنکه به سبب گناهانی که مرتکب شده، این نعمت‌ها را از دست داده است و خداوند هرگز به بندگانش ستم نمی‌کند.

امام صادق (ع) هم در این باره می‌فرماید:

خدای تعالی حکم قطعی و حتمی فرموده است که نعمتی به بنده‌ای ندهد که آن را از او بگیرد؛ جز آنکه بنده گناهی کند که مستحق کیفر آن گردد.

امام سجاد (ع) نیز برخی گناهان را در دگرگونی نعمت‌ها مؤثر می‌داند:

الذُّنُوبُ الَّتِی تُغَیِّرُ النِّعَمَ: الْبَغْیُ عَلَی النَّاسِ وَ الزَّوَالُ عَنِ الْعَادَةِ فِی الْخَیْرِ وَ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَ کُفْرَانُ النِّعَمِ وَ تَرْکُ الشُّکْرِ.(۲)

گناهانی که نعمت‌ها را دگرگون می‌سازد، عبارت است از ستم

۱- غافر: ۲۱.

۲- معانی الاخبار، ص ۲۷۰.

ص: ۵۳

بر مردم، ترک عادت در کار خیر و انجام کار نیک، کفران نعمت و ترک شکر و سپاس گزاری.

۱۰. کاهش عمر

یکی از آثار گناهان، کاسته‌شدن از عمر آدمی است. امام صادق (ع) علت مرگ بیشتر مردم را گناهان آنان می‌داند و می‌فرماید:

مَنْ یَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَکْثَرُ مِمَّنْ یَمُوتُ بِالآجَالِ.(۱)

شمار کسانی که بر گناهان می‌میرند، بیش از کسانی است که به عمر طبیعی از این جهان می‌روند.

امام سجاد (ع) نیز به گناهانی که موجب کوتاهی عمر می‌شوند، چنین اشاره می کند:

وَالذُّنُوبُ الَّتِی تُعَجِّلُ الفَناءَ قَطیعَةُ الرَّحِمِ وَ الْیمینُ الْفَاجِرَةُ وَالاقْوَالُ الکَاذِبَةُ وَ الزِّناءُ وَ سَدُّ طُرُقِ المُسْلِمینَ وَ ادِّعاءُ الإمَامَةِ بِغَیرِ حَقٍّ.(۲)

گناهانی که در نابودی [انسان] شتاب می کنند، [عبارتند از:] قطع رحم، سوگند دروغ، سخنان دروغ، زنا، سد کردن راه مسلمانان و به ناحق ادعا کردن امامت و رهبری.

پیوند با خویشاوندان موجب طولانی شدن عمر می‌شود و هرگونه

۱- بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۴۰.

۲- معانی الاخبار، ص ۲۷۱.

ص: ۵۴

قطع رابطه و پیوند با اقوام، کوتاهی عمر را در پی دارد.

امام صادق (ع) به درخواست منصور نزد او رفت. او فرمان داد که تشکی در کنارش بگسترند و امام را بر آن نشاند. آن‌گاه چند بار صدا زد: محمد را نزد من بیاورید! (۱)مهدی را پیش من بیاورید! هنگامی که پسرش آمد، به امام (ع) گفت آن حدیثی را که درباره صله رحم نقل کردی، دوباره بگو تا مهدی نیز بشنود. امام فرمود: آری پدرم از پدرش و او از جدش امیرالمؤمنین علی (ع) و او نیز از رسول خدا (ص) چنین روایت کرده است:

إِنَّ الرَّجُلَ لَيَصِلُ رَحِمَهُ وَ قَد بَقِيَ مِنْ عُمرِهِ ثَلاثُ سِنِينَ فَيُصَيِّرُهَا الله عَزَّوَجَلَّ ثَلاثِينَ سَنَةً وَ يَقْطَعُهَا وَ قَد بَقِيَ منْ عُمْرِهِ ثَلاثُونَ سَنَةً فَيُصَيِّرُهَا الله ثَلاثَ سِنِينَ.

به‌راستی مرد صله رحم می‌کند و از عمرش سه سال بیش نمانده است؛ ولی خدا عمر او را به سی سال افزایش می‌دهد و قطع رحم می‌کند در حالی که از عمرش سی سال مانده است، ولی خدا عمر او را به سه سال کاهش می‌دهد.

منصور گفت: این حدیث نیکوست، اما مقصودم، این حدیث نبود. امام صادق (ع) فرمود: آری پدرم از پدرش و او از جدش و وی از رسول الله (ص) روایت کرده است:

۱- محمد، نام پسر منصور و مهدی لقبش بود.

ص: ۵۵

صِلَةُ الرَّحِمِ تَعْمُرُ الدِّیارَ وَ تَزِیدُ فِی الاعْمَارِ وَ إِن کَانَ أَهْلُهَا غَیْرَ أَخْیَار.

صلهرحم، خانهها را آباد میکند و بر عمرها می‌افزاید؛ اگرچه انجام‌دهندگان آن، مردم خوبی نباشد.

منصور دوباره گفت: این نیز حدیث زیبایی است، اما مقصودم این هم نبود. حضرت فرمود: آری پدرم از پدرش و او از جدش و او نیز از رسول اکرم (ص) نقل فرموده است:

صِلَةُ الرَّحِمِ تُهَوِّنُ الحِسابَ وَ تَقِی مِیْتةَ السُّوءِ.

صله رحم، حساب روز قیامت را آسان میسازد و [انسان را] از مرگ بد حفظ میکند.

منصور پس از شنیدن این سخن امام، گفت: آری مقصودم همین حدیث بود.(۱)

درباره زناکاری نیز رسول خدا (ص) فرمودهاند: «

إذا ظَهَرَ الزِّنا مِنْ بَعْدِی کَثُرَ مَوتُ الفُجأَةِ

.» (۲)؛ «هرگاه پس از من زنا شایع شد، مرگ ناگهانی نیز بسیار میشود».

بنابر روایت‌های تاریخی، پس از رحلت حضرت موسی (ع)، جانشین وی یوشع‌بن‌نون، همراه بنی‌اسرائیل برای فتح شهرهای شام به راه

۱- سفینهٔ البحار، ج ۱، ص ۵۱۴.

۲- اصول کافی، ج ۴، ص ۸۱.

ص: ۵۶

افتاد و چون به آنجا رسید، شهر را محاصره کرد. از آن سو، حاکم شهر شام، بلعم بن باعور را فراخواند. بلعم بر اثر عبادت بسیار، «مستجاب الدعوه» شده بود و از این رو، حاکم به وی فرمان داد برای از میان بردن یوشع و لشکریانش نفرین کند. بلعم برخاست و بر الاغ خود سوار شد و به راه افتاد، اما الاغ از رفتن سرمی‌پیچید. سرانجام بلعم آن حیوان را با ضربههای شلاق کشت و خود، پیاده برای نفرین کردن به راه افتاد، اما در میان راه با دیدن ماجرایی، نتوانست دعا کند و ناگزیر نزد حاکم بازگشت و گفت: راهی برای نفرین کردن آنان نیست، اما من برای نابودی‌شان راه دیگری به شما نشان می‌دهم: زنان بدکاره را زینت کنید و به بهانه خرید و فروش، میان آنان بفرستید. پیشنهاد بلعم اجرا شد و روسپیان میان لشکریان یوشع در آمدند. ازاین‌رو، بسیاری از سپاهیان وی به لغزش اخلاقی و طاعون دچار شدند و شمار فراوانی از آنان، در چند روز مردند.

یکی از سرداران به نام منخاص که مردی غیرت‌مند و شجاع بود، از این ماجرا آگاه شد، نیزه خود را برداشت و میان لشکریان آمد و به زن و مرد سرگرم به زنا یورش برد و هر دو را کشت. آن‌گاه فرمان داد که اعلام کنند: از این پس، سزای چنین کاری، مرگ خواهد بود. سربازان یوشع با دیدن این ماجرا، از کار زشت‌شان دست کشیدند و از این رو، طاعون از میان رفت و سپاهیان به رهبری یوشع، شهر را

ص: ۵۷

فتح کردند. (۱)

دروغ نیز از گناهـانی است که می‌توانـد موجب کوتاهی عمر آدمی گردد. بر پایه روایتی، مردی در روزگار امام حسن (ع) به دروغ مـدعی شـد که هزار درهم از حسن بن‌علی (ع) طلبکار است. حضـرت همراه آن مرد برای اثبات این دعوی نزد شـریح قاضـی رفت. شریـح به امام حسن (ع) رو کرد و گفت: آیا سوگنـد میخوری که بدهکار نیستی؟ حضـرت فرمود: اگر این مرد سوگند بخورد، من پول را به او می‌دهم. شریح به آن مرد گفت بگو: «

بِاللهِ الّذی لا الهَ الّا هُوَ عالِمُ الغَیبِ و الشَّهادَةِ

»؛ «سوگند به خدایی که معبودی جز او نیست، دانای غیب و شهود».

امام حسن مجتبی (ع) به آن مرد فرمود: نه، نمی‌خواهم چنین سوگند بخوری، بگو: «

باللهِ انَّ لَکَ عَلَیَّ هذا وَ خُذِ الالفَ

»؛ «به خدا من این مبلغ را از تو طلب کارم، سپس آن هزار درهم را بگیر».

مرد چنان سوگند خورد که امام فرموده بود، و پول را گرفت، اما همین که از جای برخاست، به رو افتاد و مرد.(۲)

۱۱. پی‌آمدهای جسمی و جانی

گناه، گونه‌ای از بیماری است. خداوند در قرآن کریم، مکر و

۱- الکامل، ابن اثیر، ج ۱، ص ۶۸.

۲- مناقب ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۷.

ص: ۵۸

نیرنگ را بیماری نامیـده و درباره منافقان نیرنگ‌باز با خـدا و مؤمنان چنین فرموده است: فی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزادَهُمُ اللَّهُ مَرَضا؛ «در دل این منافقان فریب کار، بیماری است.» (بقره: ۱۰)

این سخن در روایات نیز آمده. برای نمونه، امام علی (ع) میفرماید:

لا وَجَعَ اوجَعُ لِلقُلُوبِ مِنَ الذَّنبِ.(۱)

هیچ دردی برای دل‌ها، بدتر از گناه نیست.

الذُّنوبُ الدّاءُ وَ الدَّواءُ الإستِغفارُ وَ الشِّفاءُ ان لاتَعُودَ.(۲)

گناهان، دردند و داروی آنها، استغفار است و درمان این بیماری آن است که دیگر به گناه باز نگردی.

الشَّهَواتُ اعْلالٌ قاتِلاتٌ وَ افضَلُ دَوائِها اقْتِناءُ الصَّبْرِ عَنْها. (۳)

شهوتها، بیماری کشنده‌ای است که بهترین داروی آن، صبوری در برابر آنهاست.

قرآن نیز روی آوردن را به درگاه الهی، درمان گناه می‌شمارد و میفرماید:

قُلْ یا عِبادِیَ الَّذینَ أَسْرَفُوا عَلی أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمیعا (زمر: ۵۳)

بگو ای بندگان من که در حق خویشتن تندروی کردید، از رحمت

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۴۲.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۱۲۹.

۳- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۷۲.

ص: ۵۹

خدا نومید نشوید که خدا همه گناهان را میبخشد.

بوی غیبت، زنا، شهادت دروغ و کبر تا آسمانها بالا میرود و فرشتگان را می‌آزارد. مولوی در این‌باره می‌سراید:

این نجاست بویش آید بیست گام‌آن نجاست بویش از ری تا به شام

بلکه بویش آسمانها بر رودبر دماغ حور و رضوان بر شود

هیچ عذابی بالاتر از این نیست که حور و فرشته و حتی مؤمنان، بر اثر گناهان انسان از او بگریزند. هنگامه قیامت، يَوْمَ تُبْلَی السَّرائِر است که در آن باطنها و طبیعت گناهان آشکار می‌شود. هر رذیله اخلاقی در آن روز با مصداقی مثالی رخ می‌نماید چنان‌که مولوی می‌گوید:

ای دریده پوستین یوسفان‌گرگ برخیزی از این خواب گران

این سخنهای چو مار و کژدمت‌مار و کژدم میشود گیرد دُمت

برخی از سالکان طریقت که از درون آدمیان آگاهند، هرگاه به گناهکاری نزدیک میشوند، بوی آزاردهنده گناهان او، آنان را می‌آزارد. امام سجاد (ع) در مناجات‌های پانزده‌گانه (خمسه‌عشر) خود به آدمی می‌آموزد که جامه گناه و پستی را از تنش برکند و با آب توبه، جسم و جانش را بشوید:

خداوندا! خطاها، جامه خواری بر تنم کرده و دوری از تو بر من پوشش بیچارگی افکنده است و جنایت بزرگ من، دلم را به

ص: ۶۰

مرگ کشانده است؛ پس به پذیرش توبه از طرف خود آن را زنده کن. ای آرمان و مطلوبم و ای خواسته و آرزویم! پس سوگند به عزت تو، برای گناهانم جز تو آمرزنـده‌ای نیافتهام، برای شـکست خود چاره‌ای غیر از تو ندیده‌ام و به تحقیق، من برای بازگشت به سوی تو فروتنی کرده‌ام. (۱)

۱۲. از میان رفتن شرم و حیا

یکی از پیآمـدهای زیان‌بـار گنـاه، پـاره شـدن پرده‌هـای شـرم و از میـان‌رفتن حریمهـای اجتمـاعی است. پیـامبر گرامی اسـلام (ص) میفرماید: «برای مؤمن، هفتاد و دو پرده است که با هر گناهی، یکی از پرده‌هایش دریده میشود».(۲)

همچنین امام صادق (ع) میفرماید:

انَّ لِلّهِ تَبارَکَ وَ تَعالی عَلَی عَبْدِهِ الْمُؤمِنِ أَرْبَعینَ جُنَّةً فَمتی أَذْنَبَ ذَنْباً کَبِیراً رُفِعَ عَنْهُ جُنَّةٌ.(۳)

همانا برای خـدای تبارک و تعالی بر بنده با ایمانش، چهل پرده است که هرگاه گناه بزرگی انجام دهد، یکی از آن پردهها برداشـته می‌شود.

۱- مفاتیح الجنان، دعای خمس عشر، مناجات التائبین.

۲- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۲.

۳- الاختصاص، شیخ مفید، ص ۲۲۰.

ص: ۶۱

انسان خواستار فضیلت و کمال، از گناهانی که پرده‌های شرم و حیا را می‌درد و برانگیزنده شهوت‌ها و غریزه‌های نهفته حیوانی است، باید دوری کند و در تقویت فضایل اخلاقی بکوشد. سفارش معروف امام صادق (ع) به مُفَضّل بن عمرو این نکته را نیز در بردارد:

انْظُرْ يَا مُفَضَّلُ إِلَى ما خُصَّ بِهِ الإنْسانُ دُونَ جَمِيعِ الْحَيَوانِ مِنْ هَذَا الْخُلْقِ الْجَلِيلِ قَدْرُهُ الْعَظِيمِ غَنَاؤُهُ أَعْنِى الْحَيَاءَ فَلَوْلاهُ لَمْ يُقْرَ ضَيْفٌ وَ لَمْ يُوفَ بِالْعِدَاتِ وَ لَمْ تُقْضَ الْحَوَائِجُ وَ لَمْ يُتَحَرَّ الْجَمِيلُ وَ لَمْ يُتَنَكَّبِ الْقَبِيحُ فِى شَىْءٍ مِنَ الْأَشْيَاءِ حَتَّى إِنَّ كَثِيراً مِنَ الْأُمُورِ الْمُفْتَرَضَةِ أَيْضاً إِنَّمَا يُفْعَلُ لِلْحَيَاءِ فَإِنَّ مِنَ النَّاسِ مَنْ لَوْلَا الْحَياءُ لَمْ يَرْعَ حَقَّ وَالِدَيْهِ وَ لَمْ يَصِلْ ذا رَحِمٍ وَ لَمْ يُؤَدِّ أَمانَةً وَ لَمْ يَعِفَّ عَنْ فَاحِشَةٍ. (۱)

ای مفضل! دقت کن در صفتی که خداوند آن را به آدمیان اختصاص داد و حیوانات از آن بی‌بهره‌اند، آن خوی پرارج و بزرگ و آن خلق ارزنده و عظیم، شرم و حیاست که اگر این نعمت در وجود انسان نبود، مهمانی گرامی داشته نمی‌شد، به وعده وفا نمی‌شد و [انسان] از هیچ کار زشتی روی گردان نبود. حتی به بسیاری از واجبات نیز از روی شرم و حیا عمل می‌شود؛ زیرا اگر شرم و حیا نبود، برخی از مردم، حق پدر و مادر خود را ادا نمی‌کردند و به خویشاوندانشان رسیدگی نمیکردند، امانت مردم

۱- بحارالانوار، ج ۳، ص ۸۱.

ص: ۶۲

را نمیدادند و از هیچ کار زشتی روی گردان نبودند.

بسیاری از مردم، از روی شرم و آزرم به گناه آلوده نمیشوند و بر اثر حیا، ترس از رسوایی و بیزار شدن دیگران از آنان، از گناه دست می‌کشند. دست زدن به برخی از گناهان، موجب از میان رفتن پرده‌های حیا می‌شود. امام سجاد (ع) در این‌باره می‌فرماید:

الذُّنُوبُ الَّتِی تَهْتِکُ الْعِصَمَ شُرْبُ الْخَمْرِ وَ اللَّعِبُ بِالْقِمَارِ وَ تَعاطِی مَا یُضْحِکُ النّاسَ مِنَ اللَّغْوِ وَ الْمِزاحِ وَ ذِکْرُ عُیُوبِ النّاسِ وَ مُجالَسَهُ أَهْلِ الرَّیْبِ. (۱)

گناهانی که پردهها را میدرد، نوشیدن شراب، قماربازی، رد و بدل کردن سخنان لغو و شوخی برای خندان مردم، بیان عیوب مردم و هم‌نشینی، با انسان‌های بدنام است.

امام صادق (ع) نیز به نقل از رسول خدا (ص) می‌فرماید:

لا یَزالُ العَبدُ فی فُسحَهٍ مِنَ اللهِ حَتّی یَشرَبَ الخَمرَ فَإذا شَرِبَها خَرَقَ اللهُ عَنهُ سِتربا لَهُ و کانَ وَلِیُّهُ وَ اخُوهُ ابلیسُ، سَمعُهُ وَ بَصَرُهُ وَ یَدُهُ وَ رِجلُهُ یَسُوقُهُ الی کُلِّ شَرٍّ وَ یَصرِفُهُ عَن کُلِّ خَیرٍ.(۲)

بنده خدا تا شراب نخورده، پیوسته در کنف حمایت و آمرزش خداست. چون شراب خورَد، پردهاش را میدرد و در آن حال،

۱- معانی الاخبار، ص ۲۷۰.

۲- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۳۵۷.

ص: ۶۳

سرپرست و برادرش و همچنین گوش و چشم و دست و پایش همه شیطان است که او را به هر کار بدی میکشاند و از هر کار خیری باز میدارد.

۱۳. گناه و تیرگی قلب

گناه موجب تیرگی و سختی قلب انسان میشود و تکرار گناه، قبح و زشتی گناهان بزرگ را از میان می‌برد. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: «اشک، خشک نمیشود مگر به سبب سختی دل و دل، سخت نمی‌شود؛ مگر به سبب فراوانی گناه».(۱)

امام صادق (ع) نیز به نقل از پدر بزرگوارش می‌فرماید:

ما مِنْ شَیْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِیئَةٍ إِنَّ الْقَلْبَ لَیُواقِعُ الْخَطِیئَةَ فَمَا تَزالُ بِهِ حَتَّی تَغْلِبَ عَلَیْهِ فَیُصَیِّرَ أَسْفَلَهُ أَعْلاه. (۲)

چیزی بیشتر از گناه، قلب را فاسد نمیکند. قلب، گناه میکند و بر آن پافشاری میورزد و در نتیجه، سرنگون و وارونه میشود [و پند و نصیحت بر آن اثر نمیکند].

امام کاظم (ع) نیز در این‌باره می‌فرماید:

إِذا أَذْنَبَ الرَّجُلُ خَرَجَ فِی قَلْبِهِ نُکْتَةٌ سَوْداءُ فَإِنْ تابَ انْمَحَتْ وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّی تَغْلِبَ عَلَی قَلْبِهِ فَلا یُفْلِحُ بَعْدَهَا أَبَداً. (۳)

۱- اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۱.

۲- همان، ج ۲، ص ۲۶۸.

۳- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۲۷.

ص: ۶۴

وقتی انسان گناه میکند، در قلب او نقطهای سیاه پدید میآید. اگر توبه کند، آن نقطه پاک میشود و اگر بر گناه خود بیفزاید، آن نقطه گسترده میشود؛ به گونهای که همه قلب وی را فرامیگیرد و پس از آن هرگز رستگار نمیشود.

۱۴. ارتکاب گناهان دیگر

هر گناهی انسان را به سوی دیگر گناهان سوق می‌دهد. خداوند علت کفر بنی‌اسرائیل و آلودگی دست‌هایشان را به کشتن پیامبران چنین بیان می‌کند: ذلِکَ بِما عَصَوْا وَ کانُوا یَعْتَدُون؛ «این بدان سبب بود که نافرمانی کردند و تجاوزکار بودند.» (بقره: ۶۱)

همچنین درباره علت فرار رزمندگان اسلام در جنگ اُحد می‌فرماید:

کسانی از شما که روز برخورد آن دو گروه [در احُد] پشت به جبهه کردند، جز این نبود که شیطان آنان را بر اثر بعضی از گناهانی که مرتکب شده بودند، لغزانید.(۱)

علامه طباطبایی (رحمه الله) در تفسیر این آیه در المیزان می‌نویسد:

شیطان می‌خواست آنان را دچار لغزش کند و این را نخواست، مگر به سبب بعضی از انحراف‌هایی که در دل و در اعمال داشتند، چون گناهان هر کدامش آدمی را به سوی دیگری می‌کشاند، چون اساس گناه پیروی هوای نفس است و نفس

۱- آل عمران: ۱۵۵.

ص: ۶۵

وقتی هوای فلان گناه را می‌کند، هوای امثال آن را نیز می‌کند. (۱)

۱۵. سرمستی و بی‌خبری

لذت بردن و شادمان شدن از گناه، باعث بزرگ شدن گناه و سخت شدن کیفر آن می‌شود. آموزه‌های روایی برای از بین رفتن این ویژگی، پشیمانی زودهنگام پس از ارتکاب غافلانه گناه، نکات ارزشمندی را یادآور شده‌اند. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

مَنْ أَذْنَبَ ذَنْباً وَ هُوَ ضَاحِكٌ دَخَلَ النَّارَ وَ هُوَ بَاكٍ.(۲)

کسی که گناه کند و در آن حال خندان باشد، وارد آتش دوزخ می‌شود در حالی که گریان است.

امیر مؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

مَنْ تَلَذَّذَ بِمَعَاصِی اللهِ أَوْرَثَهُ اللهُ ذُلًّا.(۳)

کسی که از گناه و نافرمانی خدا لذت ببرد، خداوند ذلّت را به جای آن لذت به او می‌رساند.

امام سجاد (ع) نیز روایات تأمل‌برانگیزی در این‌باره فرموده‌اند: «

لاخَیْرَ فِی لَذَّةٍ بَعْدَهَا النَّارُ

» (۴)؛ «در لذتی که بعد از آن، آتش است خیری نیست».

۱- المیزان، محمدحسین طباطبایی، ج ۴، ص ۷۷.

۲- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۲۶۸.

۳- غررالحکم، ج ۱، ص ۴۴۶.

۴- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۵۹.

ص: ۶۶

همچنین می‌فرماید: «

حَلاوَةُ الْمَعْصِيَةِ يُفْسِدُهَا أَلِيمُ الْعُقُوبَة

» (۱)؛ «عذاب دردناک گناه، شیرینی آن را تباه می‌سازد».

حضرت در گفتار دیگری چنین توصیه می‌نماید:

زخم فطرت ؛ ؛ ص۶۶

إِيَّاكَ وَ الابْتِهَاجَ بِالذَّنْبِ فَإِنَّ الابْتِهَاجَ بِهِ أَعْظَمُ مِنْ رُكُوبِه.(۲)

از شاد شدن هنگام گناه بپرهیز که [گناه] این شادی، بزرگ‌تر از انجام خود گناه است.

۱۶. پی‌آمدهای دیگر گناه

اصولًا رسیدن هر نکبت و بدبختی به انسان را در گناه باید جست؛ چنان‌که امام باقر (ع) فرمودند: «

ما مِنْ نَكْبَةٍ تُصِيبُ الْعَبْدَ إِلَّا بِذَنْبٍ

» (۳)؛ «هیچ نکبتی به بنده نمی‌رسد، مگر به خاطر گناه».

افزون بر این، شاید کار آدمی حتی به الحاد و انکار بیانجامد؛ چنان‌که رسول اکرم (ص) فرمودند:

فَإِنَّ الْمَعاصِيَ تَسْتَوْلِي الْخِذْلانَ عَلَى صاحِبِها حَتَّى تُوقِعَهُ فِي رَدِّ وَلايَةِ وَصِيِّ رَسُولِ اللهِ وَ دَفْعِ نُبُوَّةِ نَبِيِّ اللهِ وَ لا تَزَالُ أَيْضاً بِذَلِك

۱- همان.

۲- همان.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۹.

ص: ۶۷

حَتَّی تُوقِعَهُ فِی دَفْعِ تَوْحِیدِ اللهِ وَ الإِلْحادِ فِی دِینِ الله.(۱)

گناهـان، گمراهی را بر گنه‌کار مسـلط می‌نمایـد تا آنجا که گنه‌کار را به رد ولایت و امامت وصـی رسول خـدا و انکار نبوت پیامبر خـدا (ص) وامی‌دارد و به همین منوال کـار او به جـایی می‌رسـد که به گنـاه انکـار یکتـایی خـدا و الحاد و کفر در دین خـدا آلوده می گردد.

همچنین روزی آدمی بر اثر گناه‌کاری او قطع می‌شود؛ چنان‌که امام باقر (ع) در کلامی دیگر می‌فرماید: «

إِنَّ الرَّجُلَ لَیُذْنِبُ الذَّنْبَ فَیُدْرَأُ عَنْهُ الرِّزْقُ

»(۲) ؛ «مردی گناهی را انجام می‌دهد و در نتیجه روزی از او دور می‌شود».

گناه‌کـار از بلاهـای شب‌گیر و ناگهـانی نیز در امان نیست. امام علی (ع) در این‌باره هشـدار می‌دهـد: «آدم گناه‌کار نبایـد خود را از بلاهای شب‌گیر و حوادث ناگهانی ایمن بداند». (۳)

قطع باران، ویرانی خانه، حبس صد ساله در قیامت، خشم و لعن الهی، بلاهای بی‌سابقه، پشـیمانی، زلزله، فقر عمومی، اندوه، بیماری و تسلط اشرار نیز از دیگر آثار شوم گناهان شمرده شده‌اند. (۴)

۱- بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۰.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۷۱.

۳- همان، ص ۲۶۹.

۴- همان، صص ۲۷۲- ۲۷۵ و ۴۴۵ و ۴۴۶.

ص: ۶۸

دو- آثار دوری از گناه

اشاره

خودداری از گناه برکات فراوانی دارد که برخی از آنها عبارت‌اند از:

۱. هدایت

دوری از گناه باعث می‌شود که انسان در کسب هدایت توفیق‌مندتر باشد. چنان‌که خداوند می‌فرماید: «این کتاب که هیچ شکی در آن نیست، هدایتی است برای تقواپیشگان».(۱)

یکی از نمونه‌های هدایت خداوندی که پرهیزکاران از آن برخوردارند، شناخت حق و باطل است؛ چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر از خدا پروا کنید، برای شما وسیله تشخیص حق از باطل قرار می‌دهد». (۲)

پرهیزگاران به پشتوانه تقوا این توانایی را می‌یابند که جهان هستی را سرشار از نشانه‌های خداوند ببینند: «در رفت و آمد شب و روز و آنچه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، نشانه‌هایی برای گروه پرهیزکاران است».(۳)

همین بصیرت و هدایت است که متقین را از دام شیطان رهایی می‌بخشد: «همانا کسانی که تقوا دارند، هرگاه وسوسه‌ای از شیطان به

۱- بقره: ۲.

۲- انفال: ۲۹.

۳- یونس: ۶.

ص: ۶۹

آنان برسد، متذکّر می‌شوند و یک‌باره بینا می گردند». (۱)

۲. کسب روزی

به دست آوردن رزق و روزی از دیگر پی‌آمدهای ترک گناهان است. قرآن مجید می‌فرماید:

هر کس از خدا پروا کند [خدا] برای او راهی جهت بیرون‌رفت [از تنگناها] قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌برد، به او عطا می کند. (۲)

و اگر اهل آن شهرها ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، برکاتی از آسمان و زمین بر آنان می گشودیم. (۳)

۳. آسانی جان دادن

از دیگر برکات تقوا و ترک گناه این است که مأموران مرگ، جان متّقی را به آرامی می گیرند و او بدون سختی از دنیا می‌رود. خداوند در وصف متقیان می‌فرماید: «هم‌آنان که فرشتگان، جانشان را در حالی که خوب و شایسته‌اند می گیرند و [به آنان] می گویند: سلام بر شما». (۴)

۱- اعراف: ۲۰۱.

۲- طلاق: ۳ و ۲.

۳- اعراف: ۹۶.

۴- نحل: ۳۲.

ص: ۷۰

۴. نجات از دوزخ

پرهیزکاران به برکت خودداری از گناهان از جهنم رهایی می‌یابند:

و هیچ‌کس از شما نیست، مگر اینکه بر آن [جهنم] وارد می‌گردد، این بر پروردگارت حکمی قطعی است. پس کسانی که تقوا پیشه کرده‌اند، نجات می‌دهیم و ستمگران را به زانو درافتاده در آن رها می‌کنیم(۱).

مرحوم طبرسی در تفسیر این آیات می‌نویسد:

در بعضی اخبار روایت شده که خداوند اجازه ورود به بهشت را به احدی نمی‌دهد تا او را بر آتش جهنم و عذاب‌های آن آگاه سازد تا هنگامی که در بهشت قرار گرفت، به تفضّل و کمال لطف و احسان خداوند نسبت به خویش پی ببرد و بر سرور و خوشحالی او افزوده گردد. هیچ کس را نیز وارد جهنّم نمی‌کند، مگر اینکه وی را بر بهشت و نعمت‌های آن مطلع کند تا وقتی که در دوزخ واقع شد حسرت و تأسفش در از دست دادن بهشت و نعمت‌های آن مضاعف شود.(۲)

۵. نجات از عذاب دنیوی

خداوند درباره قوم عاد و ثمود پس از عذاب شدن آنان به سبب

۱- مریم: ۷۱- ۷۲.

۲- مجمع البیان، ج ۶، ص ۵۲۶.

ص: ۷۱

گناهانشان، چنین می‌فرماید: «و [از میان قوم عاد و ثمود] کسانی را که ایمان آورده و تقوا پیشه کرده بودند، نجات دادیم».(۱)

۶. رفتن به بهشت

خداوند متعال می‌فرماید:

و کسانی که از پروردگارشان پروا داشته‌اند، دسته دسته به سوی بهشت سوق داده می‌شوند، تا چون بدان رسند و قبلًا درهای آن [به رویشان] گشوده شده است، نگهبانانش به آنان می‌گویند: سلام بر شما! شما پاک بودید، پس جاودانه به آن درآیید.(۲)

همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید:

بی‌تردید برای تقواپیشگان بازگشت گاهی نیکو خواهد بود. باغ‌های جاودانه‌ای که درهای آنها برایشان گشوده شده است. در حالی که در آنجا تکیه زده‌اند و میوه فراوان و نوشیدنی در آنجا می‌طلبند و در کنارشان دلبرانِ همسال و فروهشته نگاه خواهند بود.(۳)

۱- فصلت: ۱۸.

۲- زمر: ۷۳.

۳- ص: ۴۹- ۵۲.

ص:۷۲

ص: ۷۳

فصل دوم: راه‌های جلوگیری از گناه و روش‌های درمان آن

اشاره

ص:۷۴

ص: ۷۵

۱. باور به حضور خداوند

باورمنـدی انسـان به حضور خداونـد در سراسـر زنـدگی‌اش، در بازدارنـدگی او از گناهـان بسـیار تـأثیر می‌گـذارد. نیروهای بیرونی هیـچ‌گاه توان ضـبط و مهـار گناهـان پنهان را ندارنـد، اما ایمان و اعتقاد به حضور خداونـد در نهان و آشـکار، نگاه‌بان انسان است. آیات الهی نیز بر همین باور تأکیـد می‌کننـد: أ لَمْ یَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ یَری؛ «آیا انسان نمیدانـد که خداونـد همه اعمالش را می‌بیند.» (علق: ۱۴)

در آیه دیگری آمده است:

یَعْلَمُ خائِنَهَٔ الْأَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُور (مؤمن: ۱۹)

خداوند چشمهایی را که به خیانت گردش میکنند، می‌شناسد و به آنچه در سینهها پنهان است، آگاهی دارد.

در آیه دیگری آمده است: إِنَّ رَبَّکَ لَبِالْمِرْصادِ؛ «به یقین پروردگار تو در کمین‌گاه است.» (فجر: ۱۴)

این آیـات، به روشـنی بر این دلالـت می‌کننـد که همه انسان‌هـا در محضـر پروردگـار جهاننـد و هر کـاری که انجـام می‌دهنـد و هر اندیشه‌ای

ص: ۷۶

که از مغزشان می‌گذرد، از علم الهی بیرون نیست.

روایتهای معصومان (علیهم السلام) نیز آدمی را به استوار ساختن این باور فرامی‌خوانند؛ چنان‌که در «دعای یستشیر» از پیامبر گرامی اسلام (ص) آمده است: «

أَسمَعَ السّامِعینَ وَ أَبصَرَ النّاظِرینَ

»؛ «خداوندی که شنواترین شنواها و بیناترین بینندگان است».

حضرت امیر مؤمنان علی (ع) نیز در این‌باره به پیروانش میفرماید:

إتَّقُوا مَعاصِیَ اللهِ فی الخَلَواتِ فَإنَّ الشّاهِدَ هُوَ الحاکِمُ.(۱)

از معصیت خدا در پنهان و خلوتگاهها بپرهیزید؛ زیرا شاهد، همان دادرس است.

ایشان در روایتی دیگر به پیروان خود میفرماید: «

ولا تَهتِکُوا أستارَکُم عِندَ مَن یَعلَمُ أسرارَکُم

»(۲) ؛ «پرده خویش را نزد خداوندی که از اسرارتان آگاه است، ندرید».

بر پایه روایتی، کسی نزد امام حسین (ع) رفت و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! من شخصی گنه‌کارم و نمی‌توانم گناهم را ترک کنم، مرا موعظه کن.

امام حسین (ع) به او فرمود: پنج کار را انجام بده و آن‌گاه هر چه می‌خواهی گناه کن:

۱. روزی خدا را مخور و آنچه می‌خواهی گناه کن؛

۱- نهج البلاغه، حکمت ۳۲.

۲- همان، خطبه ۲۰۳.

ص: ۷۷

۲. از دایره حکومت الهی خارج شو و آنچه می‌خواهی گناه کن؛

۳. جایی را انتخاب کن تا خداوند تو را نبیند و هر چه می‌خواهی گناه کن؛

۴. وقتی عزراییل برای گرفتن جان تو نزد تو آمد، او را از خود بران و هر چه می‌خواهی گناه کن؛

۵. زمانی که مالک دوزخ تو را به سوی آتش برد، تو به سوی آتش مرو و آنچه می‌خواهی گناه کن.(۱)

ماجرای ابن‌سیرین، گویای باور به حضور خداوند و در این‌باره آموزنده است. محمد، فرزند سیرین بصری، در تعبیر خواب و تطبیق دادن خواب‌ها با حقایق، توانا بود و در این کار از لطایف قرآن و روایت‌ها بهره می‌برد. او درباره سرگذشت خود چنین می‌گوید: در بازار به بزازی می‌پرداختم، روزی زنی زیبا برای خرید [چیزی] به مغازه‌ام آمد و من نمیدانستم که به دلیل جوانی و زیباییام، عاشق من است. مقداری پارچه از من خرید و آن را در میان بغچه پیچید و ناگهان گفت: ای مرد بزاز! فراموش کردهام پول همراه خود بیاورم. کمک کن و این بغچه را تا در خانه‌ام بیاور و آنجا پولش را دریافت کن. من ناگزیر تا در خانه او رفتم و او مرا به درون خانه‌اش برد. هنگامی که به آنجا رفتم، او در را بست و

۱- گناه‌شناسی، ص ۲۵۸ به نقل از منهاج الشهادهٔ، ص ۳۱۱.

ص: ۷۸

پوشش چهره زیبایش را برداشت و گفت: مدتی است که شیفته جمال تو شده‌ام و راه رسیدن را به وصالت این دیدم. اکنون، در این خانه، تنها من و تو هستیم. باید کام مرا برآوری، وگرنه تو را رسوا میکنم.

گفتم: ای زن! از خدا بترس، دامن به زنا آلوده مکن؛ زنا از گناهان بزرگ و موجب افتادن به آتش دوزخ است. نصیحت و موعظه‌ام در او تأثیر نگذارد، اما ناگاه فکری به ذهنم رسید. از وی خواستم که به من برای رفتن به دستشویی اجازه بدهد. زن به گمان اینکه به قصد قضای حاجت بدان‌جا می‌روم، مرا آزاد گذاشت. من به دستشویی رفتم و برای حفظ ایمان و آخرت و کرامت انسانیام، سراپای خود را به نجاست آلودم. چون زن مرا با آن وضع دید، در منزل را گشود و مرا بیرون کرد. خود را به آب رساندم، بدن و لباسم را شستم و خداوند به پاداش اینکه برای حفظ دینم، خود را به بوی بد آلودم، بویی همچون بوی عطر و دانش تعبیر خواب را به من بخشید. (۱)

۲. دوستی و یاد خدا

ذکر؛ یعنی به زبان آوردن نام‌های الهی و اندیشیدن در مفهوم آن و آراستن باطن خویش به نور آن، به «زبانی» و «قلبی» تقسیم می‌شود. ذکر

۱- سفینهٔ البحار، ج ۴، ص ۳۵۲.

ص: ۷۹

قلبی (ذکر حق در باطن) به این معنا است که انسان همیشه و در همه حال به یاد پروردگارش باشد و لحظهای از یاد حضرت دوست غافـل نشود. اگر انسـان تنهـا به زبان ذکر بگویـد، اما در باطن خود از خـدا غافل باشـد و پروردگار را ناظر و حاضـر نبینـد، از چنین ذکری سودی نمیبرد. خداوند از بندگان صالحش می‌خواهد که پیوسته به یاد او باشند:

وَ اذْکُرْ رَبَّکَ فی نَفْسِکَ تَضَرُّعاً وَ خیفَةً وَ دُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَ الْآصالِ وَ لا تَکُنْ مِنَ الْغافِلین (اعراف: ۲۰۵)

پروردگارت را در دل خود، از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام صبحگاهان و شامگاهان یاد کن و از غافلان مباش.

سخن ارزشمند امام صادق (ع) نیز در این‌باره خواندنی است:

مَن کانَ ذاکِراً لِلّهِ عَلَی الْحَقِیقَةِ فَهُوَ مُطِیعٌ وَ مَن کانَ غافِلًا عَنْهُ فَهُوَ عاصٍ.(۱)

کسی که به حقیقت، به یاد خدا باشد، بندهای فرمانبر و انسان غافل از خدا، بندهای گناه‌کار است.

امام محمـد باقر (ع) میفرمایـد: «یاد خـدا آن است که انسان، هنگام نزدیک شـدن به گناه، خـدا را یاد کنـد و همین امر او را از گناه بازدارد».(۲)

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۸.

۲- میزان الحکمه، ج ۳، ص ۴۲۵.

ص: ۸۰

خداوند نیز آدمیان را برای ایستادگی در برابر وسوسههای شیطانی به یاد خودش سفارش می کند:

إِنَّ الَّذینَ اتَّقَوْا إِذا مَسَّهُمْ طائِفٌ مِنَ الشَّیْطانِ تَذَكَّرُوا فَإِذا هُمْ مُبْصِرُون (اعراف: ۲۰۱)

پرهیزگاران هنگامی که گرفتار وسوسههای شیطان شوند به یاد خدا میافتند و بینا میگردند.

اگر گرد غفلت و بیخبری بر چهره آدمی ننشیند و هدف خلقتش را از یاد نبرد و همواره به پروردگارش روی کند، به آسانی در دام گناه گرفتار نمیشود و همین شرم از حضور خدا، برای پرهیز از گناهان بس است. اگر انسان عاشق خدا باشد و همچون عارفان، او را در بند بند وجود خود بیابد، چیزی جانشین مهر و دوستی او با معشوقش نمی‌شود. امام علی (ع) در دعای کمیل از خداوند میخواهد: «...

وَ قَلْبی بِحُبّك مُتَیّماً

»؛ «و قلبم را از محبتت لبریز کن».

اگر قلب آدمی متوجه الله باشد، تنها به دنبال چیزهایی می‌رود که وی را به سوی خدا رهنمون می‌سازند. مرحوم میرزا جواد آقا ملکی تبریزی، از عارفان بزرگ میفرمودند: «اگر قلبم را بشکافند، جز محبت خداوند چیزی در آن نمییابند».

گر بشکافند سراپای من جز تو نیابند در اعضای من

یاد خدا، کلید خوبیهاست. خداوند از انسان دور نیست، اما

ص: ۸۱

کسانی که پیوسته در یاد اویند، حضور او را بیشتر و او را نزدیکتر می‌یابند. حضرت موسی (ع) در نیایشی به خداوند چنین عرض می‌کرد:

یا ربِّ أقَریبٌ أنتَ مِنّی فَاناجیکَ أم بَعیدٌ فَاناديكَ.

ای پروردگار من! آیا تو نزدیکی که با تو نجوا کنم یا دوری که صدایت بزنم.

خداوند فرمود: «

أَنَا جَلیسُ مَن ذَکَرنی

»؛ «من همنشین کسی هستم که به یاد من باشد.»

پس موسی (ع) گفت:

فَمَن فی سِترِکَ یَومَ لا سِترَ إلّا سِترُکَ؟

[خدایا!] در روزی که پوششی جز پرده تو نیست، چه کسی در پوشش [امان] تو خواهد بود؟

خداوند فرمود:

الَّذینَ یَذکُرُونَنی فَاذکُرُهُم و یَتَحابُّونَ فِیَّ فَاحِبُّهُم فَاولئِكَ الّذین اذا ارَدتُ أن اصیبَ أَهلَ الأَرضِ بِسُوءٍ ذَکَرتُهُم فَدَفَعتُ عَنهُم بِهِم. (۱)

کسانی که مرا یاد میکنند یادشان میکنم و کسانی که یکدیگر را به خاطر من دوست میدارند، دوستشان میدارم. اینان کسانی‌اند که وقتی اراده کنم که به ساکنان زمین بدی برسانم، آنها را یاد می‌کنم و به سبب آبرویی که نزد من دارند،

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲.

ص: ۸۲

شر و بدی را از اهل زمین دور میسازم.

انسانها با فراموشی خداوند، به گناه و نافرمانی آلوده میشوند، اما با یاد خدا، از شیطان فریب نمیخورند. پی‌آمد این توجه و ترس شایسته، رسیدن به آگاهی و چیره شدن بر نفس اماره و شیطان است.

محبت انسان به خداوند، او را از بدیها و گناهان ریز و درشت باز می‌دارد و از همین روی امام سجاد (ع) می‌فرماید:

الهی فَاجعَلنا مِنَ الّذینَ تَرَسَّخَت اشجارُ الشَّوقِ الَیکَ فی حدائقِ صُدُورِهم وَ اخَذَت لَوعَةُ مَحَبَّتِک بِمَجامِعِ قُلوبِهِم.

خدایا! ما را به کسانی بدل ساز که درختان محبت و اشتیاق به تو در سینههای آنان ریشه کرده و شراره‌های دوستی تو سراسر قلبهای آنان را فرا گرفته است.

آن حضرت در ادامه میفرماید:

الهی ما الَذَّ خواطِرَ الإلهام بِذِکرِکَ عَلَی الْقُلُوبِ وَ ما احلَی المَسِیرَ إلَیکَ بالاوهامِ فی مسالِك الغُیُوبِ وَ ما اطیَبَ طَعمَ حُبِّکَ وَ ما اعذبَ شِربَ قُرْبِکَ.(۱)

خدایا! چه چیز لذتبخشتر از یادآوریهایی است که ذکر و یاد تو بر قلبها مینشاند و چه چیز شیرین‌تر از رهروی به سوی تو در راههای ناشناخته است و چه چیز دلپذیرتر از طعم دوستی و

۱- مناجات خمس عشر، مناجات عارفین.

ص: ۸۳

چه چیز گواراتر از شراب قرب و جوار توست.

بنـده تا زمانی که به غیر خـدا توجه دارد؛ یعنی قلب او به چیز دیگری متوجه است، به همان انـدازه دوستی و یاد خدا از قلبش بیرون میرود و محبتش به خداوند کم می‌شود.

امام صادق (ع) درباره تأثیر یاد خدا در اعمال آدمی می‌فرماید:

منظـور از یـاد خـدا، هنگـامی است که وقـتی بـا حلاـل و حرام روبه‌رو می‌شود، اگر طـاعت الهی باشـد، آن را انجـام می‌دهـد و اگر معصیت باشد آن را ترک می کند.(۱)

آدمی اگر خدا را بزرگ و ناظر ببیند هیچ‌گاه مرتکب گناهان کوچک نیز نمی‌شود و از ناظر حقیقی شرمنده و بی‌تاب می گردد.

۳. خدا ترسی

ترس از خدا و هراس از پیآمدهای گناه، آدمی را از ارتکاب گناهان بازمیدارد. چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید:

کسـی که بدانـد خـدا او را میبیند و گفتار او را می‌شـنود و از کار نیک و بد او آگاه است، همین دانسـتن، وی را از کارهای زشـت بازمیدارد و چنین فردی، کسی است که از مقام پروردگارش

۱- بحارالانوار، ج ۹۳، ص ۱۵۴.

ص: ۸۴

ترسیده و نفس خود را از هوس گناه بازداشته است.(۱)

همچنین در گفتار دیگری می‌فرماید: «چنان از خدا بترس که گویا خدا را میبینی و اگر تو او را نمیبینی، او تو را میبیند».(۲)

اگر آدمی به راستی بر این باور باشد که خدا او را هنگام گناه کردن دیده است، چگونه میتواند این شرمساری را از خود دور سازد.

گیرم که تو از سر گنه درگذری‌زان شرم که دیدی که چه کردم چه کنم

سخن دیگر آن حضرت نیز در این‌باره، بسیار تکان‌دهنده است: «

العَجَبُ مِمَّن يَخافُ العِقابَ فَلَمْ يَكُفَ

» (۳)؛ «شگفتا! از کسی که از عذاب الهی میترسد، ولی از گناه خودداری نمیکند!»

برای خداترسی، آدمی در آیات قرآنی بایـد تـدبّر کنـد. درون‌مایه این آیات، هشـدار و تحذیر است: سَـنَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلان؛ « [ای گروه انس و جن] به زودی به حساب کار شما خواهیم پرداخت.» (الرحمن: ۳۱)

و یا در آیهای دیگر آمده:

اعْمَلُوا ما شِئْتُمْ إِنَّهُ بِما تَعْمَلُونَ بَصیر (فصلت: ۴۰)

امروز به اختیار خود هر چه میخواهید انجام دهید که خدا به همه اعمال شما آگاه است.

این روایت‌ها نیز چنین درون‌مایه‌ای دارند:

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۷۰.

۲- همان، ص ۶۷.

۳- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۳۷.

ص: ۸۵

هرگاه حضرت ابراهیم (ع) به یاد ایام گذشته خویش میافتاد، دگرگون میگشت و ضربان قلبش از مسافتی دور شنیده میشد. روزی جبرئیل به سوی وی آمد و به او فرمود: خداوند به تو سلام میرساند و میگوید: آیا تا به حال دیده‌ای دوستی از دوست خود بترسد؟ پس ابراهیم (ع) به جبرئیل گفت: وقتی اشتباه خود را به یاد میآورم، دوستی خود را از یاد میبرم.(۱)

همچنین آمده است: «چون حضرت ابراهیم خلیل به نماز می‌ایستاد، صدای تپش قلب او از دور شنیده میشد، زیرا خدا ترس بود».(۲)

شیوه معصومان و پرورش‌یافتگان آنان در گریه‌ها و خداترسی‌شان نیز اندیشیدنی و درنگ‌کردنی است.

مردی از انصار میگوید: یک روز بسیار گرم، همراه پیامبر (ص) در سایه درختی نشسته بودم، مردی آمد و پیراهنش را درآورد و به غلتیدن روی ریگهای داغ پرداخت. گاهی پشت و گاهی شکم و گاهی صورتش را بر آن ریگها میگذاشت و میگفت: ای نفس حرارت این ریگها را بچش که عذاب خداوند از آنچه من به تو می‌چشانم، بزرگتر است.

رسول خدا (ص) این منظره را تماشا کرد. وقتی کار آن جوان تمام شد و لباس پوشید و قصد رفتن کرد، با دست به وی اشاره کرد و از او خواست تا نزد حضرت بیاید. وقتی جوان نزد حضرت آمد، پیامبر (ص) به او

۱- محجهٔ البیضاء، ج ۷، ص ۳۰۹.

۲- بحارالانوار، ج ۸۴، ص ۲۵۸.

ص: ۸۶

فرمود: «ای بنده خدا! کاری از تو دیدم که تا کنون از کسی ندیده‌ام، دلیل این کار چیست؟» جوان گفت: «ترس از خدا. من با نفس خود این کار را میکنم تا از طغیان و شهوت حرام در امان بماند».

آن‌گاه پیامبر اکرم (ص) فرمود: «از خدا ترسانی و حق ترس را رعایت کرده‌ای. خداوند به وجود تو، به اهل آسمانها مباهات می‌کند». پس به اصحابش فرمود: «ای حاضرین! نزد این دوستتان بیایید تا برای شما دعا کند». همه نزد جوان آمدند و او چنین دعا کرد:

اللّهُمَّ اجمَع أَمرَنا عَلَی الهُدی وَ اجعَلِ التَّقوی زادَنا وَ الجَنَّهَ مَآبنا.(۱)

خداوندا! برنامه زندگی ما را بر هدایت متمرکز کن! تقوا را توشه ما و بهشت را بازگشت‌گاه ما قرار ده.

۴. معادباوری

ایمان به معاد و راستی کیفر و پاداش اعمال و باور به اینکه هیچ یک از نیکیها و بدیهای انسان نابود نمی‌شود و هر کسی با رفتارهایش برانگیخته می‌شود و همه آنها را روز قیامت حاضر میبیند، آدمی را از گناه باز می‌دارد؛ چنان‌که خداوند متعال میفرماید:

یَوْمَ تَجِدُ کُلُّ نَفْسٍ ما عَمِلَتْ مِنْ خَیْرٍ مُحْضَراً وَ ما عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَ

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۳۷۸

ص: ۸۷

بَیْنَها وَ بَیْنَهُ أَمَداً بَعیدا (آل عمران: ۳۰)

روز قیامت، روزی است که هر کس آنچه را از کار نیک انجام داده، حاضر میبینـد و آرزو میکند میان او و آنچه از اعمال بد انجام داده، فاصله زمانی زیادی باشد.

کسـی که به معـاد ایمـان دارد و میدانـد که به همه اعمال ریز و درشت او در روز حساب رسـیدگی می‌کننـد، مراقب رفتار و کردار خود خواهد بود. خداوند متعال میفرماید:

وَ اتَّقُوا یَوْماً لا تَجْزی نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَیْئاً وَ لا یُقْبَلُ مِنْها شَفاعَةٌ وَ لا یُؤْخَذُ مِنْها عَدْلٌ وَ لا هُمْ یُنْصَرُون (بقره: ۴۸)

بپرهیز از روزی که هیـچ کس به جای دیگری جزا داده نمیشود و نه شـفاعت و نه غرامت و بـدلی از او پذیرفته میشود و نه کسـی به یاری او میآید.

امام علی (ع) نیز بر یادآوری رستاخیز تأکید می‌فرماید:

وَ لَنْ تَحْکُم ذلِکَ مِنْ نَفْسِکَ حَتّی تُکثِرَ هُمُومَکَ بِذِکْرِ الْمَعادِ إِلی رَبِّکَ.(۱)

هرگز بر خویشتن حاکم نخواهی بود؛ جز اینکه فراوان به یاد قیامت و بازگشت به سوی پروردگار باشی.

بنابراین، ایمان به معاد و دریافت کیفر و پاداش اعمال در پرورش

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

ص: ۸۸

روح انسـان بسـیار تأثیر می‌گـذارد. روزی که راه برگشت و فراری در آن نیست، روزی که همه اعمال در کارنامه اعمال ثبت است. اگر آدمی در این عقیده راسخ باشد یا حتی به آن ظن و گمان داشـته باشد، تربیت‌پذیر خواهد شد. حضرت امیر (ع) برای پیشگیری از گناه‌کاری آدمیان با تکیه بر معادباوری می‌فرماید:

وَ اتَّقُوا نَاراً حَرُّهَا شَدِیدٌ وَ قَعْرُهَا بَعِیدٌ وَ حِلْیَتُهَا حَدِیدٌ وَ شَرَابُهَا صَدِیدٌ.(۱)

بپرهیزید از آتشی که حرارتش شدید و ژرفای آن زیاد و زیور آن غل و زنجیر آهنین و نوشیدنی آن، آب جوشان می‌باشد.

بر پایه روایتی، روزی سـلمان از بازار آهنگران می‌گـذشت که چشـمش به جوانی افتاد. وی نعره‌های کشـید و بیهوش شد. مردم بر او گرد آمدند و به سلمان گفتند: شاید این جوان دچار حمله مغزی شده باشد. شما بیا و در گوش او دعایی بخوان! شاید سلامت خود را بازیابد. سـلمان نزد جوان رفت و وی به هوش آمد و سـلمان را شناخت و به او گفت: چنین که مردم می‌گویند، بیمار نیستم، بلکه هنگام گذشـتن از بازار آهنگرها دیدم که آنان میله‌های سرخ شده را با پتک میکوبند و این آیه قرآن را در یاد آوردم: وَ لَهُمْ مَقامِعُ مِنْ حَدید؛ «برای مأموران دوزخ گرزهایی از آهن است.» (حج: ۲۱)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۰.

ص: ۸۹

آن‌گاه از ترس عـذاب الهی عقل از سـرم پریـد و بی‌هوش شـدم. سـلمان، پس از شـنیدن سـخنان جوان به او علاقهمنـد شـد و پیوند دوستی بـا وی بست و همواره از او یاد میکرد تا اینکه چنـد روزی وی را ندیـد. حالش را پرسـید و دریافت که بیمار و بستری است؛ پس به دیدارش رفت و هنگامی به بالین جوان رسید که او جان می‌داد. از وی دلجویی کرد و به عزرائیل گفت: «

یا مَلَکَ المَوتِ ارفُق بِأَخی

»؛ «ای فرشته مرگ! با برادر ایمانیام مدارا کن».

عزرائیل گفت: «

إنّی بِکُلِّ مؤمِنٍ رَفیقٌ

» (۱)؛ «من به همه مؤمنان مهربانم».

۵. ایمان به عرضه اعمال به پیشوایان دین

یکی از باورهـای شـیعیان، عرضه اعمـال به پیشوایـان دین است. اگر آدمی بدانـد که اعمـالش به امامش عرضه میشود، به چگونگی رفتارهای خود بیشتر توجه میکند و میکوشد که با ترک گناهان، آنان را خشنود سازد.

خداوند کریم در قرآن مجید در این‌باره فرموده است:

وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ سَتُرَدُّونَ إِلی عالِمِ الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ فَیُنَبِّئُکُمْ بِما کُنْتُمْ تَعْمَلُون (توبه: ۱۰۵)

۱- بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۶۰.

ص: ۹۰

بگو عمل کنید! خداوند و فرستاده او و مؤمنان، اعمال شما را می‌بینند و به‌زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را میداند و شما را به آنچه عمل میکردید، خبر میدهد.

امام صادق (ع) میفرماید: «مؤمنان [در این آیه]، امامانند». (۱)

روایتها نیز به این موضوع پرداخته‌اند که اعمال نیک و بد انسان هر عصر پنج‌شنبه به پیامبر اکرم (ص) یا به پیشوایان دین عرضه می‌شود.

امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید:

إنَّ أعْمالَ أُمَّةِ مُحَمَّدٍ (ص) تُعْرَضُ عَلى رَسُولِ اللهِ كُلَّ خَمِيسٍ فَلْيَستَحى أَحَدُكُم مِن رَسُولِ اللهِ أنْ يَعْرِضَ عَلَيْهِ الْقَبيحَ.(۲)

کردار امت محمد (ص) هر پنج‌شنبه به او عرضه می‌گردد، پس هر یک از شما باید از پیامبر خدا (ص) حیا کند که مبادا کارهای زشت خویش را به او عرضه بدارد.

عبدالله بن ابان که نزد امام رضا (ع) جایگاهی داشت، به امام (ع) عرض کرد: برای من و خانوادهام به درگاه خدا دعا کنید. امام فرمود: مگر من دعا نمیکنم؟ به خدا سوگند که اعمال شما در هر شب و روز به من عرضه میشود.

عبدالله می‌گوید: آن حضرت دانست که من این سخن را بزرگ و باور نکردنی شمردم. از این رو، فرمود: مگر [در] کتاب نخوانده‌ای:

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲- بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۵۰.

ص: ۹۱

وَ قُلِ اعْمَلُوا فَسَیَرَی اللَّهُ عَمَلَکُمْ وَ رَسُولُهُ وَ الْمُؤْمِنُون (توبه: ۱۰۵) به خدا سوگند که مقصود از مؤمن، علی بن ابی طالب (ع) است.(۱)

امام کاظم (ع) نیز در پاسخ به پرسشی در این باره فرمودند:

علم به سه صورت به ما میرسد: یکی اخبار گذشته که پیامبر (ص) برای ما تفسیر و تبیین کرده، دیگر اخبار آینده که در مصحفی نزد ما نوشته شده و سوم اخبار پدیدار شونده و فعلی که از راه الهام در دل و تأثیر در گوش به ما می‌رسد [که هر روز به ویژه شبهای جمعه و قدر حاصل میآید] و آن بهترین دانش ماست؛ [زیرا از اسرار امامت به شمار می‌رود] و پیامبری بعد از پیامبر ما نیست.(۲)

روایتی نیز البته از طریق اهل سنت رسیده که حتی عرضه اعمال را بر پیامبران و پدران و مادران در روز جمعه یادآور شده است: تُعرَضُ [الأَعْمالُ] عَلَی الأَنْبیاءِ وَ الآباءِ وَ الامهّاتِ یَوْمَ الْجُمعَهِٔ فَیفرَحونَ بِحَسناتِهِم و تَزدادُ وُجوهُهُمْ بَیاضاً و إِشراقاً فَاتَّقُوا اللهَ وَ لا تُؤذُوا مَوتاکُم. (۳)

اعمال بر پیامبران، پدران و مادران در روز جمعه عرضه میشود و به خاطر اعمال پسندیده [شما] آنان خوشحال میشوند و بر

۱- کافی، ج ۱، ص ۳۱۹.

۲- همان، ص ۳۹۳.

۳- کنز العمال، ج ۱۶، ص ۴۶۹.

ص: ۹۲

سفیدی و درخشندگی چهره‌هایشان افزوده میشود. پس از خدا پروا کنید و مردگان خود را [با گناهانتان] نیازارید.

بی‌گمان، در عصر غیبت اعمال انسان به حضرت مهدی [عرضه میشود و از این رو، وی باید مراقب کردار و رفتارش باشد و در اصلاح و به‌سازی نفس خود بکوشد.

۶. توجه به کرامت انسان

آدمی «خلیفه الله» و مسجود ملائک خوانده شده و خداوند همه چیز را برای او آفریده و برای او مسخر کرده است:

وَ سَخَّرَ لَکُمْ ما فِی السَّماواتِ وَ ما فِی الْأَرْضِ جَمیعا (جاثیه: ۱۳)

خداوند، آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است، همه را از سوی خویش مسخر شما ساخته است.

و یا در آیهای دیگر میفرماید:

وَ لَقَدْ کَرَّمْنا بَنی آدَمَ وَ حَمَلْناهُمْ فِی الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْناهُمْ مِنَ الطَّیِّباتِ وَ فَضَّلْناهُمْ عَلی کَثیرٍ مِمَّنْ خَلَقْنا تَفْضیلا (اسراء: ۷۰)

و هر آینه، فرزندان آدم را گرامی داشتیم و در خشکی و دریا [بر مرکبها و کشتی] بر نشاندیم و از چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و آنان را بر بسیاری از آفریدگان برتری کامل بخشیدیم.

اگر آدمی شخصیت والای خود را پاس بدارد، هیچ‌گاه گرد گناه نمیگردد و خود را خوار نمی‌سازد. امیرمؤمنان علی (ع) می‌فرماید:

»

مَنْ

ص: ۹۳

كَرُمَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ لَمْ يُهِنْهَا بِالْمَعْصِيَةِ

»؛ «کسی که نفس خویش را گرامی می‌دارد، آن را با گناه خوار نمی‌سازد».

همچنین می‌فرماید:

العارِفُ مَن عَرَفَ نَفسَهُ فَاعْتَقَها و نَزَّهها عَن كُلِّ ما يُبعِدُها و يُوبِقُها. (۱)

عارف کسی است که روح خود را بشناسد و آن را آزاد کند و آن را از هر چیزی که موجب دوری از [کمال] و مایه هلاک می گردد، پاک سازد.

بنابراین، شخصیت‌شناسی و توجه داشتن به کرامت انسان از عوامل بازدارنده گناهان است. اگر آدمی خود را بشناسد و از جایگاه ممتازش آگاه شود، به این سفارش حضرت امیر (ع) عمل می کند:

إِنَّهُ لَيسَ لأَنْفُسِكُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّةَ فَلا تَبِيعُوهَا إِلَّا بِهَا.(۲)

و بدانید که جان شما هیچ بهایی، جز بهشت ندارد پس به کمتر از آن نفروشید.

۷. خردورزی

خردورزی از ویژگی ملکوتی انسان است. روح الهی دمیده در کالبد زمینی، با هدایت عقل به کمال میرسد، اما اگر آدمی به

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۹.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۴۵۶.

ص: ۹۴

خواسته‌های حیوانی تن دهد، به سقوط و تباهی کشیده میشود. امام علی (ع) میفرماید: «
اذا کَمُلَ العَقلُ نَقَصَت الشَّهوَةُ
» (۱)؛ «هرگاه عقل به کمال برسد، هوسها کم می‌شود».

خردمندان از گناه دوری میکنند و خود را به زشتی‌ها نمیآلایند. ازاین‌رو، میتوان چنین ادعا کرد که بیشتر مجرمان و گناهکاران، نابخردان و ناآگاهنند؛ چنان‌که امام خردمندان میفرماید: «
غَریزَةُ العَقلِ تَأبی ذَمیمَ الفِعلِ
» (۲)؛ «نیروی سرشار عقل، آدمی را از زشت کاری بازمی‌دارد».

ایشان در سخنی دیگر میفرماید: «
مَن قَدَّمَ عَقلَهُ عَلی هَواهُ حَسُنَت مَساعیه
» (۳)؛ «کسی که عقلش را بر هوای نفسش مقدم دارد، کارهایش نیکو میگردد».

جان انسان با نیروی خرد و چراغ پر نور آن، در سیاهی سایه گناه فرو نمی‌رود و گرد هوا نمیگردد؛ چنان‌که امیر پرهیزگاران می‌فرماید: «
العاقِلُ مَن قَمَعَ هَواهُ بِعَقلِهِ
» (۴)؛ «خردمند کسی است که با عقل خود، هوای سرکش را سرکوب سازد».

آیندهنگری از نشانههای خرد است که آدمی را از افتادن در گرداب تباهی نگاه می‌دارد. انسانهای خردمند پس از سنجیدن کارها، به آن

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲.

۲- همان، ص ۵۳.

۳- همان.

۴- همان، ص ۵۴.

ص: ۹۵

دست می‌زنند. امام علی (ع) میفرماید: «

اعقَلُ النّاسِ انظَرُهُم فِی العَواقِبِ

»(۱) ؛ «داناترین مردم کسی است که بیش از همه به فرجام کار بنگرد».

حضرت آدم در سفارش به وصی خود، حضرت شیث چنین فرمود:

اذا عَزَمتُم عَلی امْرٍ فَانظُرُوا إلی عَواقِبِهِ فَإنّی لَو نَظَرتُ فی عاقِبَهِٔ امری لَم یُصِبنی ما اصابَنی.(۲)

هرگاه تصمیم به انجام کاری گرفتید، پایان آن را بنگرید؛ زیرا اگر من به سر انجام کارم [خوردن از درخت ممنوعه] اندیشیده بودم، به سرم نمیآمد، آنچه آمد.

امیر خردمندان علی (ع) نیز گفتار ارزشمندی در این‌باره دارد:

إنّما العَقلُ التَّجَنُّبُ مِنَ الاثمِ وَ النَّظَرُ فِی العَواقِبِ وَ الأَخذُ بِالحَزمِ.(۳)

خردمندی، همان دوری از گناه، نگریستن در فرجام کارها و سنجیده راه رفتن است.

بنابراین، بسیاری از لغزشها، پی‌آمد شتابزدگی، مهار نکردن احساسات و نیندیشیدن درباره سرانجام کارهاست. پس با کمی تأمل و اندیشه درباره آثار و فرجام کار، راه درست را می‌توان برگزید؛

۱- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۲.

۲- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۴۵۳.

۳- غرر الحکم و درر الکلم، ص ۵۱.

ص: ۹۶

چنان‌که حضرت علی (ع) می‌فرماید: «اگر در سرانجام کاری بیندیشی، پایان نیکویی [برای آن تحقق] خواهد یافت». (۱)

۸. حیا و شرم

حیـا، زیبـاترین و امنترین جـامه اخلاقی است که خداونـد بنـده‌اش را بـا آن آراسـته است. همه زیبایـیهـا و کمال‌ها و خوبی‌ها از حیا سرچشمه می‌گیرند. حضرت علی (ع) می‌فرماید: «

الْحَیاءُ تَمامُ الکَرَمِ وَ احسَنُ الشِّیَمِ

»(۲) ؛ «حیا، همه خوبیها و نیکوترین رفتارهاست».

هیچ لباسی، از جامه حیا زیباتر نیست؛ چنان که امام علی (ع) می‌فرماید: «

احسَنُ مَلابِسِ الدُّنْیا الحَیاءُ

» (۳)؛ «نیکوترین لباسهای دنیا، حیاست».

حیـا، نگاهبـان ایمان و پاره جداییناپـذیر آن است. مؤمن پوشـش برازنـده‌ای چون حیا دارد که همچون نگهبانی او را از گناه برکنار می‌دارد. امام علی (ع) در این‌باره فرموده است: «

الْحَیاءُ یَصُدُّ عَنْ فِعْلِ الْقَبیحِ

» (۴)؛ «حیا آدمی را از کار زشت بازمیدارد».

بیشتر جرمها و زشتیها، از بیحیایی سر میزند؛ زیرا هر چه پرده

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۳۸۵.

۲- غرر الحکم، ج ۲، ص ۲۵۶.

۳- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۳۱.

۴- غرر الحکم، ص ۲۵۷.

ص: ۹۷

حیا کنارتر رود، آدمی بر ارتکاب گناهان پنهان و آشکار جسورتر می گردد؛ تا جایی که حجاب حیا برداشته میشود و آن گاه آدمی از هیچ گناهی سرباز نمیزند. امام موسی بن‌جعفر (ع) می‌فرماید:

الْحَیاءُ مِنَ الإیمانِ وَ الإیمانُ فِی الجَنَّةِ وَ البَذاءُ مِنَ الْجَفاءِ وَ الجَفاءُ فِی النّارِ.(۱)

حیا جزئی از ایمان است و ایمان در بهشت است. بی‌حیایی نیز از پردهدری سرچشمه میگیرد و پرده‌دری در آتش است.

هر چه کمال و خرد انسان افزون‌تر باشد، حیای او نیز بیشتر خواهد بود. حیا از خدا، حیا از خود و حیا از مردم، میوه‌های شیرین درخت خردند.

امام علی (ع) میفرماید:

العَقلُ شَجَرَةٌ ثَمَرُها السَّخاءُ وَ الحَیاءُ.(۲)

عقل، درخت تنومندی است که میوه شیرین آن، سخاوت و حیاست.

۹. توبه و بازگشت

توبه به معنای بازگشت آن است که شخص گنه‌کار تصمیم بر بازگشت و ترک گناه داشته باشد. در این میان، توبه حقیقی، انسان

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۳۰۹.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، ص ۱۴۲.

ص: ۹۸

گناه‌کار را دگرگون می‌کند که گویی گناهی نکرده است. امام باقر (ع) می‌فرماید: «

التَّائِبُ مِنَ الذَّنْبِ کَمَنْ لا ذَنْبَ لَهُ

»(۱) ؛ «توبه‌کننده از گناه مانند آن است که گناهی نکرده است».

توبه حقیقی موجب پرده‌پوشی ونابودی آثار گناه می‌گردد. امام صادق (ع) می‌فرماید: هنگامی که بنده توبه حقیقی کرد، خداوند او را دوست می‌دارد و در دنیا و آخرت گناهان او را می‌پوشاند، هر چه از گناهان که دو فرشته موکل برایش نوشته‌اند، پاک شده و از یادشان برود و به اعضای بدن، وحی می‌کند که گناهان او را پنهان کنید و به نقاط زمین- که در آن مکان گناه کرده- فرمان می‌دهد، گناهان او را پنهان کنید.

فَیَلْقَی اللهَ حِینَ یَلْقَاهُ وَ لَیْسَ شَیْءٌ یَشْهَدُ عَلَیْهِ بِشَیْءٍ مِنَ الذُّنُوب. (۲)

پس توبه‌کننده با خدا ملاقات کند به گونه‌ای که هیچ چیز نیست که در پیشگاه خدا گواهی بدهد که او چیزی از گناه را انجام داده است.

در آیه هشتم از سوره تحریم به پنج ثمره و نتیجه توبه حقیقی اشاره شده که عبارتند از: ۱. بخشودگی گناهان؛ ۲. ورود در بهشت پر نعمت الهی؛ ۳. رسوا نشدن در قیامت؛ ۴. نور ایمان و عمل در قیامت

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۷.

۲- همان، ص ۴۳۱.

ص: ۹۹

به سراغ توبه‌کنندگان آمده و پیشاپیش آنها حرکت نموده و ایشان را به سوی بهشت هدایت می‌کند؛ ۵. توجه آنها به خدا بیشتر می‌گردد و تقاضای تکمیل نور و آمرزش کامل گناه خود می‌کنند.(۱)

امام سجاد (ع) در مناجات خود با خالق متعال می‌فرماید:

إلهی انْتَ فَتَحْتَ لِعِبادِكَ باباً إِلَى عَفْوِكَ سَمَّيْتَهُ التَّوْبَةَ فَقُلْتَ: تُوبُوا إِلَى اللهِ تَوْبَةً نَصُوحاً، فَما عُذْرُ مَنْ اغْفَلَ دُخُولَ الْبابِ بَعْدَ فَتْحِهِ.(۲)

ای خدای من! تو آن کسی هستی که دری به سوی عفوت برای بندگانت گشودی و نام آن را توبه نهاده‌ای و [در قرآن] فرموده‌ای: به سوی خدا باز گردید و توبه خالص کنید، اکنون عذر کسانی که از وارد شدن به این در گشوده غافل گردند، چیست؟

در روایتی امام کاظم (ع) می‌فرماید:

أَحَبُّ الْعِبادِ إِلَى اللهِ تَعالَى الْمُفَتَّنُونَ التَّوّابُون.(۳)

محبوب‌ترین بندگان در پیشگاه خدا، آنهایی هستند که در فتنه [گناه] واقع شوند و بسیار توبه کنند.

از سوی دیگر، تأخیر در توبه نکوهش شده و آن را نشانه غفلت و بی‌خبری از قیامت دانسته‌اند. امام جواد (ع) می‌فرماید:

۱- تفسیر نمونه، ج ۲۴، ص ۲۹۲.

۲- بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۴۲.

۳- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۲.

ص: ۱۰۰

تَأْخِيرُ التَّوْبَةِ إِغْتِرَارٌ وَ طُولُ التَّسْوِيفِ حَيْرَةٌ.(۱)

تأخیر توبه، یک نوع غرور و بی‌خبری است و طولانی نمودن تأخیر یک نوع حیرانی و سرگردانی است.

مردی از امام علی (ع) درخواست موعظه کرد. حضرت فرمود:

لا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الآخِرَةَ بِغَيْرِ عَمَلٍ وَ يُرَجِّى التَّوْبَةَ بِطُولِ الأَمَلِ. (۲)

از کسانی مباش که بدون عمل، امید سعادت آخرت را دارند و توبه را با آرزوهای دراز به تأخیر می‌اندازند.

امام باقر (ع) نیز در هشداری می‌فرماید:

وَ إِيّاكَ وَ التَّسْوِيفَ فَإِنَّهُ بَحْرٌ يُغْرَقُ فِيهِ الْهَلْكَى.(۳)

از تأخیر انداختن [توبه] بپرهیز، زیرا تأخیر انداختن، دریایی است که درمانده در آن غرق می گردد.

باید دانست توبه کردن به گناه خاصی اختصاص ندارد، بلکه همه گناهان را شامل می‌شود و باید از همه گناهان توبه کرد. خداوند می‌فرماید:

قُلْ يا عِبادِىَ الَّذينَ أَسْرَفُوا عَلى أَنْفُسِهِمْ لا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَميعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحيم (زمر: ۵۳)

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۰.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۱۵۰.

۳- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۱۶۴.

ص: ۱۰۱

بگو: ای بندگان من که بر خویشتن اسراف و ستم کرده‌اید، از رحمت خداوند ناامید نشوید که خداوند همه گناهان را می‌آمرزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

امام علی (ع) نیز می‌فرماید:

التَّوْبَةُ نَدَمٌ بِالْقَلْبِ وَ اسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ وَ تَرْکٌ بِالْجَوَارِحِ وَ إِضْمَارُ أَنْ لا یَعُود.(۱)

توبه، پشیمانی به قلب و استغفار به زبان و ترک تمام گناهان به اعضا و نیت برنگشتن به گناه است.

ارزش توبه وقتی روشن می‌شود که بدانیم خداوند نیز از بازگشت بنده به سوی خود شاد می‌شود. امام باقر (ع) می‌فرماید:

إِنَّ اللهَ تَعالَی أَشَدُّ فَرَحاً بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ راحِلَتَهُ وَ زادَهُ فِی لَیْلَةٍ ظَلْماءَ فَوَجَدَها فَاللهُ أَشَدُّ فَرَحاً بِتَوْبَةِ عَبْدِهِ مِنْ ذَلِکَ الرَّجُلِ بِراحِلَتِهِ حِینَ وَجَدَها. (۲)

خدای متعال از توبه بنده‌اش خوشحال است بیش از خوشحالی مردی که کاروانش را گم کرده است و در شب تاریک به دنبالش می‌گردد و آن‌گاه کاروان را می‌یابد، پس خوشحالی خدای متعال از توبه بنده‌اش بیش از خوشحالی این مرد است.

ناگفته نماند هر گناهی توبه‌ای ویژه دارد، برای مثال توبه کسی که

۱- بحارالانوار، ج ۷۸، ص ۸۱.

۲- همان، ج ۶، ص ۳۳.

ص: ۱۰۲

نماز واجب را ترک کرده، افزون بر پشیمانی، به‌جا آوردن قضای نمازهای واجب است و کسی که مرتکب گناه مالی شده است، افزون بر پشیمانی از کارش، باید حق الله یا حق الناس اموالش را به صاحبان آن بازگرداند.

خلاصه اینکه باید تا حد امکان کوتاهی‌های گذشته‌اش را جبران کند و ویژگی‌ها و عادت‌های بدی را که داشته ترک کند. با این وجود، توبه، کاری ساده و آسان نیست، بلکه با یک سلسله شرایط معنوی و عملی تحقق می‌پذیرد. پشیمانی از گناه، تصمیم گرفتن به ساختن آینده‌ای ملکوتی و پاک، تبدیل رذیله‌های اخلاقی به فضائل و نیکی، اصلاح اعمال، جبران گذشته و کارهایی مانند آن از مقدمات و شرایط اولیه توبه است. خداوند منان از این مقدمات در برخی آیات به صورت کلّی چنین یاد می‌نماید:

إِلَّا الَّذينَ تابُوا وَ أَصْلَحُوا وَ بَيَّنُوا فَأُولئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ وَ أَنَا التَّوَّابُ الرَّحيم (بقره: ۱۶۰)

مگر آنان که [با گناه فاصله گرفته‌اند] به سوی خدا بازگشتند و اخلاق و عمل خود را اصلاح کردند و آنچه را از حق پنهان می‌داشتند، برای مردم بیان کردند. پس توبه ایشان را می‌پذیرم و من پذیرنده توبه و مهربانم.

و در آیه‌ای دیگر به گونه‌ای دیگر به این امر توجه نموده‌اند:

فَمَنْ تابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَ أَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحيم (مائده: ۳۹)

ص: ۱۰۳

کسی که پس از ستم، توبه کند و [عقیده، اخلاق و عملش را] اصلاح کند، خداوند توبه‌اش را می‌پذیرد، همانا خداوند آمرزنده و مهربان است.

در این آیات، اصلاح عقیده، اخلاق و عمل و بازگشت سریع و بی‌تأخیر از گناه، از حقایق توبه شمرده شده است. از این رو، باید برای دست‌یابی به حقیقت توبه، در پی جبران گذشته برآمده و ادای نماز و پرداخت واجبات مالی را پس از توبه سرلوحه کارها قرار داد. چنان‌که قرآن مجید می‌فرماید:

فَإِنْ تابُوا وَ أَقامُوا الصَّلاةَ وَ آتَوُا الزَّكاةَ فَإِخْوانُكُمْ فِي الدِّينِ (توبه: ۱۱)

اگر گناه‌کاران توبه کردند و نماز به پا داشتند و زکات پرداختند، پس برادران دینی شما هستند.

در روایتی آمده است شخصی برای خودنمایی در محضر امام علی (ع) گفت: «

اسْتَغْفِرُاللَّهَ

». علی (ع) به وی فرمود: مادرت به عزایت بنشیند. آیا می‌دانی استغفار از درجه اعلی است؟

استغفار و توبه، شش رکن دارد: پشیمانی از گناهان گذشته، تصمیم بر ترک گناه، ادای حق مردم، ادای حق الله، ذوب کردن گوشت بدن از غذای حرام روییده شده، به حزن و اندوه و چشاندن سختی طاعت خدا به بدن، همان‌گونه که شیرینی گناه را چشیده است. پس در این

ص: ۱۰۴

هنگام بگو: «

اسْتَغْفِرُاللّهَ

(۱).»

در صورتی که گناه‌کار فرصت توبه داشته باشد، باید جبران مافات کند اما تأخیر انداختن توبه تا دم مرگ پذیرفتنی نیست. در آیه‌ای از قرآن آمده است:

وَ لَیْسَتِ التَّوْبَهُ لِلَّذینَ یَعْمَلُونَ السَّیِّئاتِ حَتَّی إِذا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قالَ إِنِّی تُبْتُ الْآن (نساء: ۱۸)

آنان که تا رسیدن مرگ، کار زشت انجام دهند و آن هنگام که وقت خروج از دنیاست، بگویند توبه کردیم.

و نکته پایانی درباره حقیقت توبه است که در آموزه‌های نبوی آمده است:

آیا می‌دانید توبه‌کار کیست؟ هرگاه بنده توبه کند، ولی صاحبان حقوق مالی را از خود راضی نکند، توبه‌کار نیست و هر کس توبه کند، ولی بر عبادتش نیفزاید، توبه‌کار نیست و کسی که توبه کند، ولی لباسش را تغییر ندهد، توبه‌کار نیست و آن کس که توبه کند، ولی دوستانش را عوض نکند توبه‌کار نیست و هر کس توبه کند ولی مجلسش را تغییر ندهد، توبه‌کار نیست و هر کس توبه کند، ولی بستر و تکیه‌گاهش را عوض نکند، توبه‌کار نیست و آن کس که توبه کند، ولی اخلاق و نیتش را تغییر ندهد، توبه‌کار نیست و هر کس توبه کند، ولی

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۱۷.

ص: ۱۰۵

قلبش را به روی حقایق نگشاید و انفاق نکند، توبه‌کار نیست و هر کس توبه کند، ولی آرزویش را کوتاه و زبانش را حفظ نکند، توبه‌کار نیست و هر که توبه کند، ولی بدنش را از غذای اضافی خالی نکند، توبه‌کار نیست و چون بر این ویژگی‌ها استقامت کند، توبه‌کار است. (۱)

پیامبر اکرم (ص) نیز به گونه‌ای دیگر بر ظاهر شدن آثار توبه در توبه‌کننده اشاره می‌نماید:

التّائِبُ إذا لَمْ یَسْتَبِنْ عَلَیْهِ أَثَرُ التَّوْبَهِٔ فَلَیْسَ بِتائِبٍ یُرْضِی الْخُصَماءَ وَ یُعِیدُ الصَّلَواتِ وَ یَتَواضَعُ بَیْنَ الْخَلْقِ وَ یَقِی نَفْسَهُ عَنِ الشَّهَواتِ وَ یُهَزِّلُ رَقَبَتَهُ بِصِیامِ النَّهار.(۲)

تا زمانی که آثار توبه در توبه‌کننده ظاهر نشده است، توبه کار نیست، آثار توبه عبارت است از: به دست آوردن رضایت کسانی که نزد انسان حقوق مالی دارند؛ به‌جا آوردن نمازهای از دست رفته، فروتنی در میان مردم، حفظ نفس از شهوت‌های حرام و لاغر کردن جسم با روزه گرفتن.

۱۰. دوری از همنشینان بد

اشاره

بسیاری از انحرافهای اخلاقی و بزهکاریهای اجتماعی، بر اثر

۱- بحارالانوار، ج ۶، ص ۳۵.

۲- جامع الاخبار، ص ۲۲۶.

ص: ۱۰۶

دوستی بـا نااهلاـن، دامن‌گیر انسـان می‌شود، اما داشـتن دوست و هم‌نشـین به نور آن، به «زبانی» و «قلبی» تقسـیم می‌شود. ذکر گـذا شایسـته، در سـلامت رفتـار آدمی و برکنـار مانـدن او از دام‌هـا و فریب‌هـای نااهلاـن بسـیار تـأثیر می‌گـذارد. ازاین‌رو، ضـبط و مهار دوستی‌ها و جایگزین کردن دوستان پاک به جای هم‌نشینان ناشایسته، ناگزیر مینماید. پیامبر اکرم (ص) در این‌باره میفرماید:

هرگاه خـدای تعالی اراده کنـد که خیری به بنـده‌اش برساند، دوست صالحی به او می‌دهد که اگر خدا را فراموش کرد، او به یادش آورد و اگر خدا را یاد کرد، او بر آن یاد بیفزاید.

امام علی (ع) نیز میفرماید:

خَیرُ إخوانِکَ مَن سارَعَ إلَی الخَیرِ وَ جَذَبَکَ الَیه وَ امَرَکَ بِالْبِرِّ وَ أَعانَکَ عَلَیهِ.(۱)

برترین دوست و برادر تو کسـی است که در کار خیر سـبقت گیرد و تو را هم به سوی خیر بکشاند و تو را به نیکی فراخواند و یاری کند.

ایشان در کلامی دیگر فرمودند:

خَیرُ مَنْ صَحِبتَ مَنْ ولَّهَکَ بِالأُخری وَ زَهَّدَکَ فی الدُّنیا وَ اعانَکَ عَلَی طاعَهْ المَولی.(۲)

بهترین دوست تو کسی است که تو را شیفته آخرت و به دنیا

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۲۶۷.

۲- غرر الحکم و درر الکلم، ج ۳، ص ۴۳۶.

ص: ۱۰۷

بی‌رغبت کند و تو را در فرمان بری از خدا یاری دهد.

بر پایه روایات اسلامی، آدمی از خوبی رفیق و هم‌نشین خود تأثیر میپذیرد. رسول گرامی اسلام (ص) میفرماید: «

المَرءُ عَلی دینِ خَلیلِهِ وَ قَرینِهِ

»(۱) ؛ «انسان بر همان دینی است که دوست و رفیقش از آن پیروی می‌کند».

پیروی از هم‌نشینان بد، زمینه پیوستن آدمی را به بدیها فراهم می‌آورد. حضرت علی (ع) درباره تأثیرپذیری و تأثیرگذاری افراد از یک گروه می‌فرماید:

مُجالَسَةُ الاخیارِ تُلحِقُ الأَشرارَ بِالاخیارِ وَ مُجالَسَةُ الابرارِ لِلفُجّارِ تُلحِقُ الابرارَ بِالفُجّارِ؛ فَمَنِ اشتَبَهَ عَلَیکُم امرُهُ وَ لَم تَعرِفُوا دینَهُ فَانظُرُوا إلی خُلَطائِهِ فَإن کانُوا أَهلَ دینِ اللهِ فَهُوَ عَلَی دینِ اللهِ وَ إن کانُوا عَلی غیرِ دینِ اللهِ فَلاحَظَّ لَهُ مِن دینِ الله.(۲)

همنشینی با خوبان، بدان را به خوبان پیوند میدهد و همنشینی نیکان با بدان، نیکان را به بدان؛ هرگاه وضع کسی بر شما مبهم است و از دین او آگاه نیستید، به دوستان و هم‌نشینان او نگاه کنید؛ اگر آن فرد با دوستان خدا همنشین است، وی را از مؤمنان بدانید و اگر با دشمنان حق هم‌نشین است او را از بدان بدانید.

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۷.

ص: ۱۰۸

حضرت امیر (ع) در سخن دیگری میفرماید:

قارِن أَهلَ الخَیرِ تَکُن مِنهُم و بایِن أَهلَ الشَّرِّ تَبِن عَنهُم(۱)

با نیکان همنشین باش تا از آنان شوی و از بدان جدایی گزین تا [از بدیها] جدا شوی.

با توجه به اهمیت دوستیابی و آثار هم‌نشینی با دوست، شایسته است تحقیق و بررسی بیشتری در این رابطه داشته باشیم:

الف) دقت در دوست یابی

هر انسانی از تنهایی رنج می‌برد و به دنبال دوست و هم‌نشینی شایسته برای خود می‌گردد، زیرا هم‌نشین نیکو می‌تواند در رشد و شکوفایی معنوی او تأثیر بگذارد؛ چنان‌که دوستان ناسالم زمینه سقوط و تنزل را برایش فراهم می‌سازند. از این رو، دوستان را با دوراندیشی باید برگزید. بیشتر جوانانی که به انحراف کشیده شده‌اند، مهم‌ترین علت شکست خود را هم‌نشینی با افراد شرور و فاسد برمی‌شمرند. پس آدمی باید در انتخاب دوست بیندیشد و با هوشیاری و زیرکی و بر پایه معیارهای برآمده از آموزه‌های دینی، دوستانش را برگزیند.

ب) تأثیرپذیری از دوستان

رفتار آدمی می‌تواند متأثر از عواملی همچون وراثت، عادت و

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

ص: ۱۰۹

محیط باشد. ابوحامد محمد بن غزالی طوسی در این باره می‌گوید:

به‌درستی که اخلاق نیکوی انسان یا فطری و موروثی اوست یا با عادت به کارهای خوب به دست می‌آید یا با نگاه کردن به رفتارهای انسان‌های خوب و نیک‌رفتار و هم‌نشینی با آنان کسب می‌شود؛ زیرا طبع انسان، از طبع هم‌نشین، خیر و شر، هر دو را کسب می‌کند. (۱)

امام علی (ع) در نامه‌ای ارزشمند و راهگشا چنین می‌فرماید:

وَ احذَر صَحابَةَ مَن یَفیلُ رَأیُهُ و یُنکَرُ عَمَلُه فَانَّ الصّاحِبَ مُعتَبَرٌ بِصاحِبِه.(۲)

از رفاقت با کسانی که افکارشان خطا و اعمالشان ناپسند است، برحذر باش؛ زیرا آدمی به راه و روش رفیق خو می‌گیرد و به افکار وی معتاد می‌شود.

امام صادق (ع) نیز می‌فرماید:

من یَصحَبْ صاحِبَ السّوءِ لا یَسلَمْ.(۳)

کسی که با رفیق بد هم‌نشین شود، سالم نمی‌ماند [و سرانجام به ناپاکی آلوده می‌شود].

۱- احیاء العلوم، غزالی، ج ۱، ص ۵۸.

۲- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- مستدرک الوسائل، میرزا حسین نوری، ص ۳۹۳.

ص: ۱۱۰

ج) ویژگی‌های دوستان ناشایست

امام صادق (ع) معیار دوستان بد را از زبان امیر مؤمنان علی (ع) چنین برمی‌شمرد:

مسلمانان باید از رفاقت با سه کس بپرهیزند:

۱. هرزه و بی‌باک؛ زیرا او کار خود را برای تو زینت می‌دهد و دوست دارد تو هم مانند او باشی و در زمینه دین و آخرت، تو را یاری نمی‌کند و هم‌نشینی با او قساوت قلب می‌آورد و رفت و آمد با او مایه ننگ و عار است؛

۲. احمق؛ زیرا او به خیر و خوبی تو دستور نمی‌دهد و شری را هم نمی‌تواند از تو دفع کند و چه بسا بخواهد به تو سودی برساند، ولی به خاطر حماقتش، به تو ضربه می‌زند. پس مرگ او بهتر از زندگی و سکوتش بهتر از سخن گفتنش باشد؛

۳. دروغ‌گو؛ زیرا او وبال توست. گفته دیگران را برای تو و گفته تو را برای دیگران بازگو می‌کند. هر گاه ماجرایی را کامل بیان کرد، به دنبالش کلام دیگری را می‌گوید، چه بسا راست می‌گوید و کسی باور نمی‌کند و میان مردم دشمنی اندازد و سبب کینه میان مردم شود. پس، از خدا بترسید و مواظب اعمال خود باشید.(۱)

حافظ شیرازی نیز در دوری از دوستان ناباب چنین سروده

۱- کافی، ج ۴، ص ۸۵.

ص: ۱۱۱

است:

نخست موعظه پیر می‌فروش این است که از معاشر ناجنس احتراز کنید

د) پرهیز از دوستان بد نام

معاشرت و دوستی، تأثیرهای نیک یا ناخوشایند در آدمی می‌گذارد. سخن استاد شهید مرتضی مطهری نیز در این باره بسیار آموزنده است:

در باب معاشرت، آن چیزی که اثرش فوق العاده است، پیدا شدن ارادت است. مسئله ارادت و شیفتگی به یک شخص معین، بالاترین و بزرگ‌ترین عامل است در تغییر دادن انسان و این اگر به‌جا بیفتد، فوق‌العاده انسان را خوب می‌کند و اگر نابه‌جا بیفتند، آتشی است که آدمی را آتش می‌زند.(۱)

بنابراین، جوانانی که با دوستان فاسد و بدنام دوستی می‌کنند، حتی اگر خود را فردی با اراده بپندارند و خویشتن را از تأثیرپذیری برکنار بدانند، از بدنامی اجتماعی و بدآوازگی نمی‌توانند خود را حفظ کنند. پیامبر گرامی در این‌باره می‌فرمایند:

اولَی النّاسِ بالتُّهمَةِ مَن جالَسَ اهلَ التُّهمَةِ.

هر کس با متهمان هم‌نشینی کند، بیشتر از بقیه مردم سزاوار

۱- تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۳۹۰.

ص: ۱۱۲

تهمت است.

دوستان انسان، نشان‌دهنده شخصیت دینی و اجتماعی اویند. ازاین‌رو، شایسته نیست آدمی با هر کس طرح دوستی بریزد، بدون اینکه به نیکی او اطمینان یابد.

بی‌گمان، کناره‌گیری از انسان‌های گمراه و آلوده به گناه، خصلتی بایستنی است. امام علی (ع) می‌فرماید:

... مُجالَسَةَ أَهلِ الهَوی مَنسَأَةٌ لِلایمانِ وَ مَحضَرَةٌ لِلشَّیطانِ. (۱)

هم‌نشینی با اهل هوا و هوس، دورکننده ایمان و نزدیک‌کننده شیطان برای انسان است.

ه) آثار هم‌نشینی با نیکان و بدان

قرآن مجید می‌فرماید:

وَ اصْبِرْ نَفْسَکَ مَعَ الَّذینَ یَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَداةِ وَ الْعَشِیِّ یُریدُونَ وَجْهَهُ وَ لا تَعْدُ عَیْناکَ عَنْهُمْ تُریدُ زینَةَ الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ لا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنا قَلْبَهُ عَنْ ذِکْرِنا وَ اتَّبَعَ هَواهُ وَ کانَ أَمْرُهُ فُرُطا (کهف: ۲۸)

با کسانی باش که پروردگار خود را صبح و عصر می‌خوانند و تنها رضای او را می‌طلبند و هرگز به خاطر زیورهای دنیا، چشمان خود را از آنها برمگیر و از کسانی که قلب‌شان را از یاد خدا غافل ساختیم، اطاعت مکن؛ آنان که از هوای نفس پیروی

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۳.

ص: ۱۱۳

کردند و کارهایشان افراطی است.

پیامبر اکرم (ص) نیز بر پایه روایتی، چنین فرموده است:

أَسعَدُ النّاسِ مَن خالَطَ کِرامَ النّاس.(۱)

از همه سعادتمندتر، آن کسی است که با مردم نیک و بزرگوار معاشرت کند.

حضرت علی (ع) نیز دل‌سوزانه چنین هشدار می‌دهد:

عَلَیکَ بِإخِوانِ الصِّدقِ فَأَکثِرْ مِنِ اکْتِسابِهِم فَانَّهُم عُدَّةٌ عِندَ الرَّخا وَ جُنَّةٌ عِندَ البَلا. (۲)

بر شما باد به دوستان راست‌گو و درست کردار. پس در گرفتن چنین دوستی بیشتر بکوش؛ زیرا چنین دوستانی کمک‌کار در زمان آسایش و سپر در هنگام بلایند.

از سوی دیگر، معاشرت با بدان، روح را تاریک و شخصیت انسان را ضعیف می‌سازد و از زشتی کارهای بد در نظر او می‌کاهد؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرمایند: «

مُجالَسَةُ الأَشرارِ تُورِثُ سُوءَ الظَّنِّ بِالأخیارِ

» (۳)؛ «هم‌نشینی با بدان، سبب بدبینی به نیکان می‌شود».

و) ویژگی دوستان خوب

آموزه‌های دینی، افراط و تفریط را در دوست‌یابی، نهی و تنهایی را

۱- بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۱۸۵.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۳.

۳- همان، ص ۱۹۱.

ص: ۱۱۴

نکوهش کرده و گزینش دوستان را نیز از سر بی‌دقتی و بی‌هدفی نپذیرفته، بلکه چارچوبی در این زمینه عرضه کرده است. رسول گرامی اسلام (ص) از این چارچوب چنین یاد می‌کند:

جالِسِ الأَبرارَ فَانَّکَ ان فَعَلتَ خَیراً حَمَدُوکَ وَ إنْ أخطَأتَ لَم یَعفُوکَ. (۱)

با ابرار هم‌نشین باشید؛ چرا که اگر کار خیری انجام دادید، شما را تشویق و ترغیب می‌کنند و اگر اشتباهی از شما سر زد، از شما نمی‌گذرند، بلکه تذکر می‌دهند.

آن حضرت در سخن دیگری، ویژگی دوستان خوب را چنین می‌شمارد:

هم‌نشین نباشید، مگر نزد عاملی که شما را دعوت کند از پنج چیز به سوی پنج چیز: از شک به سوی یقین؛ و از ریا و ظاهرفریبی به سوی اخلاص؛ از زیاده‌خواهی به کم‌خواستن؛ از کبر و تکبر به سوی تواضع و فروتنی و از نیرنگ به سوی نیک‌خواهی.(۲)

یکی از ویژگی‌های هم‌نشین نیک، همراهی او با فرد در فراز و نشیب‌های روزگار است. امام علی (ع) درباره این ویژگی می‌فرماید:

لا یَکُونُ الصَّدیقُ صَدیقاً حَتَّی یَحفَظَ أَخاهُ فی ثَلاثٍ: فی نَکْبَتِهِ وَ

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۱.

۲- همان.

ص: ۱۱۵

غَیْبَتِهِ وَ وَفاتِه. (۱)

دوست را نمی‌توان دوست نامید، مگر اینکه او دوست خودش را در سه زمان حفاظت کند: هنگام گرفتاری دوست، در نبود دوست و هنگام مرگ دوست.

رسول گرامی اسلام (ص) به ابن مسعود فرمود:

ای پسر مسعود! هم‌نشینان خودت را نیکان و برادرانت را پرهیزکاران و از دنیا رستگان قرار بده؛ زیرا خداوند در کتابش فرمود: «دوستان در فردای قیامت بعضی بر بعض دیگر دشمن می‌شوند، مگر دوستان پرهیزگار». (۲)

همچنین حدیثی از رسول اکرم (ص) در این‌باره آمده است که دوستان صادق و پرهیزگار، در دنیا و آخرت کنار دوستان خود هستند:

استکثِروا مِنَ الإخوانِ فَانَّ لِکُلِّ مُؤمِنٍ شَفاعَةً یَوْمَ القیامَةِ. (۳)

بر دوستان مؤمن خود بیفزایید؛ زیرا برای هر مؤمنی مقام شفاعت در روز قیامت هست.

۱۱. مرگ باوری

۱- همان، ج ۵، ص ۳۱۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۶۲.

۳- همان، ج ۱، ص ۴۴.

ص: ۱۱۶

یادآوری مرگ و توجه همیشگی به آن، آدمی را وارسته و به دنیا و گناه بی‌رغبت می‌کند. فردی به امام باقر (ع) عرض کرد: برایم سخنی بگو که از آن استفاده کنم. حضرت فرمود:

اکثِر ذِکرَ المَوْتِ فَانَّهُ لم یُکثِرْ ذِکرَهُ انسانٌ الّا زَهِدَ فی الدُّنیا.(۱)

مرگ را بسیار یاد کن که هر که آن را زیاد به خاطر آورد، زهد در دنیا را پیشه خواهد ساخت.

امام صادق (ع) نیز در رهنمودی، درباره بهره‌گیری از یاد مرگ به انگیزه خودسازی چنین می‌فرماید:

اذا انتَ حَمَلتَ جنازَةً فَکُن کَانَّکَ انتَ المَحْمُولُ وَ کَانَّکَ سَأَلتَ رَبَّکَ الرُّجُوعَ الَی الدُّنیا فَفَعَلَ فَانظُر ماذا تَستَأنِفُ.(۲)

هنگامی که جنازه‌ای حمل می‌کنی، فرض کن که تو مرده‌ای و این، جنازه توست که حمل می‌شود و گویا پس از مرگ، از خدا خواسته‌ای که به دنیا بازگردی [تا نیکی پیشه‌سازی] و خداوند درخواست تو را اجابت فرموده است؛ پس بنگر که چگونه در اعمال خویش تجدید نظر خواهی کرد.

راه درست یادآوری مرگ این است که آدمی قلب خود را از همه چیز تهی کند و تنها در مرگ و درباره کسانی بیندیشد که پیش از او بار سفر بستند و به آخرت پیوستند و بداند که او نیز باید این مراحل

۱- اصول کافی، ج ۳، ص ۲۵۵.

۲- همان، ص ۲۵۸.

ص: ۱۱۷

را پشت سر بگذارد.

مرگ سرنوشت نهایی و حتمی همه آدمیان است (۱) که چاره‌ای جز پذیرش آن ندارند و در طلب خود به طوری جدی است که هیچ کسی از بر جای ایستاده و فرارکننده، از تیررس آن به دور نیست.(۲)

بر این اساس، اندیشیدن در این سرنوشت تغییرناپذیر، امری عقلانی است. علی (ع) از کسی که مرگ را فراموش کرده در حالی که مردگان را می‌بیند، اظهار شگفتی می کند و برای آنان که عبرت‌پذیرند «دیدن جنازه بی‌جان را بهترین موعظه می‌داند».(۳)

مرگ، جایگاه شایسته و حقیقی آدمی را به خوبی نشان می‌دهد. اگر فردی در سرتاسر عمر خویش فروتنی و خشوعی را که لازمه بندگی در پیشگاه پروردگار بی‌همتاست، پیشه خود ساخت، با فرا رسیدن لحظه مرگ، آثار تسلیم سراسر وجود او را فراخواهد گرفت، و شاید از این رهگذر، مرگ اطرافیان برای این‌گونه افراد پندآموز باشد. در روایت آمده است: «اگر سه چیز نبود، آدمی هرگز در برابر خدایش سر تسلیم فرود نمی‌آورد، آن سه عبارتند از: بیماری، نیازمندی و مرگ».(۴)

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۱۹.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۳.

۳- همان، خطبه ۱۴۹.

۴- خصال، شیخ صدوق، ج ۱، ص ۱۲۷.

ص: ۱۱۸

یـاد مرگ، دل را نرم می‌کنـد (۱) و بـه آن صـفا و نـورانیت می‌بخشـد و خـود، عـاملی مهـم برای بازداشــتن انسـان از لغزش‌هـا و وابستگی‌های دنیوی است.

جامی در «هفت اورنگ» خویش حکایت زنـده‌دلی را نقل می‌کنـد که به زیارت اهل قبور می‌رفته و بهره‌های فراوانی می‌برده است. وی در این‌باره چنین می‌سراید:

زنده‌دلی از صفت افسردگان‌رفت به همسایگی مردگان

حرف فنا خواند ز هر لوح خاک‌روح بقا جست ز هر روح پاک

کارشناسی پی تفتیش حال‌کرد از او بر سر راهی سؤال

این همه از زنده رمیدن چراست‌رخت سوی مرده کشیدن چراست

گفت بلندان به مغاک (۲) اندرندپاک نهادان ته خاک اندرند

مرده دلانند به روی زین‌بهر چه با مرده شوم هم‌نشین

همدمی با مرده دمد مردگی‌صحبت افسرده دل افسردگی

زیر گل آنان که پراکنده‌اندگرچه به تن مرده به جان زنده‌اند

زنده شدم از نظر پاکشان‌آب حیاتست مرا خاکشان

جامی از این مرده‌دلان گوشه گیرگوش به خود دار و ز خود توشه گیر (۳)

از این رو، باید این سخن پروردگار را پیوسته به یاد داشت:

۱- نهج البلاغه، نامه ۳۱.

۲- قبر.

۳- مثنوی هفت اورنگ، عبدالرحمان جامی، ج ۱، صص ۵۱۷ و ۵۱۸.

ص: ۱۱۹

أَیْنَما تَکُونُوا یُدْرِکْکُمُ الْمَوْتُ وَ لَوْ کُنْتُمْ فی بُرُوجٍ مُشَیَّدَهٔ (نساء: ۷۸)

زخم فطرت ؛ ؛ ص۱۱۹

کجا باشید، مرگ به سراغتان می‌آید؛ اگرچه در کاخ‌های محکم باشید.

۱۲. استغفار

استغفار، جلادهنده قلب و مایه آمرزش گناهان است. درباره رسول‌الله آمده است که ایشان هر روز هفتاد بار استغفار می‌کرد و بر پایه برخی از احادیث، پس از هر نشستی ۲۵ بار «أستغفرالله» می‌گفت.(۱)

استغفار، داروی شفابخش گناه‌کاران است:

«لِکُلِّ داءٍ دَواءٌ و دَواءُ الذُّنُوبِ الإستِغفارُ»(۲)

؛ «برای هر دردی، درمانی است و داروی گناهان استغفار است».

بهترین زمان برای استغفار از گناه، نیمه‌های شب است؛ آن‌گاه که همه درها بسته می‌شود و همه دیده‌ها به خواب می‌روند و درهای رحمت الهی بر روی بندگان باز می‌شود. خداوند در وصف بندگان مؤمنش می‌فرماید:

الصَّابِرینَ وَ الصَّادِقینَ وَ الْقانِتینَ وَ الْمُنْفِقینَ وَ الْمُسْتَغْفِرینَ بِالْأَسْحار (آل عمران: ۱۷)

آنان صابران و صادقند و فرمانبر و انفاق‌کنندگانند و در نیمه‌های شب به دعا واستغفار بر می‌خیزند.

۱- جامع احادیث الشیعهٔ، ج ۱۴، ص ۳۶۳.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۴۳۹.

ص: ۱۲۰

و در آیه‌ای دیگر آمده است:

كانُوا قَليلًا مِنَ اللَّيْلِ ما يَهْجَعُونَ (۱۷)

وَ بِالْأَسْحارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ (ذاریات: ۱۷ و ۱۸)

[اهل تقوا] شب‌ها کم می‌خوابند و در سحرها به استغفار و دعا برمی‌خیزند.

دردهای روحی خود را با استغفار و مناجات می‌توان شناخت و به درمان و اصلاح نفس همت گماشت.

۱۳. محاسبه نفس و خود انتقادی

آدمی با شناخت آسیب‌های درون خود، باید در فکر اصلاح و پاک‌سازی آن باشد؛ چنان‌که امام علی (ع) می‌فرماید: «

مَن لَم يَسُسْ نَفسَهُ أضاعَها

»(۱) ؛ «هر که نفس خود را سیاست و تأدیب نکند، آن را تباه کرده است».

از این روی، آدمی پیوسته باید به اعمال و رفتار خود رسیدگی و آنها را محاسبه کند؛ چنانچه به اعمال نیک دست زده، خدای را سپاس

۱- فهرست غرر الحکم و درر الکلم، ص ۳۸۹.

ص: ۱۲۱

گوید و بکوشد که همچنان در این راه گام بردارد و اگر وظایف شرعی‌اش را ترک کرده و دچار لغزش و گناه شده است، استغفار کند و بداند اگر گناه‌کار به توبه روی آورد، خداوند از گناهانش درمی‌گذرد. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَن تَعاهَدَ نَفسَهُ بِالمُحاسَبَةِ امِنَ فیها المُداهَنَةَ.(۱)

هر که با خود پیمان بندد به حساب خویش رسیدگی کند از سهل‌انگاری ایمن می‌شود.

آن حضرت در کلام دیگری می‌فرماید:

عِبادَ اللهِ زِنُوا أَنفُسَکُم مِن قَبلِ أنَ تُوزَنُوا وَ حاسِبُوها مِن قَبلِ أن تُحاسَبوا.(۲)

ای بندگان خدا! پیش از آنکه اعمال شما را بسنجند و وزن کنند. شما خود آنها را بسنجید پیش از آنکه اعمالتان حساب رسی شود، از خود حساب بکشید.

حضرت امام موسی کاظم (ع) نیز می‌فرماید:

لَیسَ مِنّا مَن لَم یُحاسِبُ نَفسَهُ فی کُلِّ یَومٍ فَإِن عَمِلَ خَیراً اسْتَزادَ اللّهَ مِنهُ وَ حَمِدَ اللّهَ عَلَیه وَ ان عَمِلَ شَرّاً استَغفَرَاللّهَ وَ تابَ إِلیه.(۳)

۱- فهرست غرر الحکم و درر الکلم، ص ۲۳۶.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

۳- اختصاص، ص ۲۶.

ص: ۱۲۲

از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود رسیدگی نکند و ببیند اگر کار نیکی انجام داده است، از خداوند توفیق انجام بیشتر آن را بخواهد و خدا را بر آن سپاس گوید و اگر کار بدی انجام داده است از خدا آمرزش بخواهد و توبه کند.

شایسته است که محاسبه و خود انتقادی، مقدمه‌ای برای ترک گناه باشد، چنان‌که مولای پرهیزگاران می‌فرماید:

مَنْ حاسَبَ نَفسَهُ وَقَفَ عَلی عُیُوبِهِ وَ أحاط بِذُنُوبِهِ وَ استَقالُ الذُّنُوبَ وَ أَصلَحَ العُیُوبَ. (۱)

هر کس به محاسبه نفس خود بپردازد، از عیب‌ها و گناهان خویش آگاه می‌شود. چنین فردی سرانجام در زدودن گناه و اصلاح عیوب خود موفق خواهد شد.

۱۴. دوری از هواپرستی

هواپرستی، سرچشمه گناهان است و آدمی را از جاده ایمان بیرون می‌برد. قرآن کریم می‌فرماید:

فَلا یَصُدَّنَّکَ عَنْها مَنْ لا یُؤْمِنُ بِها وَ اتَّبَعَ هَواهُ فَتَرْدی (طه: ۱۶)

تو را از ایمان به قیامت باز ندارد، آن که به آن ایمان ندارد و پیرو هوای خویش است.

۱- غرر الحکم و درر الحکم، ص ۲۱۵.

ص: ۱۲۳

وَ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَواهُ بِغَيْرِ هُدىً مِنَ اللَّه (قصص: ۵۰)

چه کسی گمراه‌تر از آن کس که از هوای نفس خویش پیروی می کند و هدایت الهی نیافته است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) هواپرستی را گونه‌ای از بت‌پرستی می‌شمارد و می‌فرماید:

ما تَحْتَ ظِلِّ السَّماء مِنْ الهٍ يُعْبَدُ مِنْ دُون اللهِ اعْظَمُ عِنْدَ اللهِ مِنْ هَوى مُتَّبعٍ.(۱)

در زیر آسمان، نزد خدا هیچ بتی بزرگ‌تر از هوا و هوس که از آن پیروی کنند، وجود ندارد.

حضرت علی (ع) نیز در گفتار زیبایی هواپرستی را نکوهش می‌فرماید:

إِنَّ أَخْوَفَ مَا أَخَافُ عَلَيْكُمْ اثْنَانِ اتِّبَاعُ الْهَوَى وَ طُولُ الأَمَلِ فَأَمَّا اتِّبَاعُ الْهَوَى فَيَصُدُّ عَنِ الْحَقِّ وَ أَمَّا طُولُ الأَمَلِ فَيُنْسِي الآخِرَةَ.(۲)

خطرناک‌ترین پرت‌گاهی که بر سر راه سعادت شما قرار گرفته، هوا پرستی و آرزوهای دور و دراز است، چرا که پیروی از هوا شما را از حق باز می‌دارد و آرزوهای دراز آخرت را به دست فراموشی می‌سپارد.

۱- المیزان، ج ۱، ص ۲۵۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۸.

ص: ۱۲۴

پی‌آمـدهای هواپرستی به انـدازه‌ای شوم و دردناک است که می‌توانـد دست‌آورد همه عمر انسان و حسـنات و اعمال صالحش را به باد دهد.

امام صادق (ع) در سفارش نیکویی می‌فرماید:

لا تَدَعِ النَّفْسَ وَ هَوَاهَا فَإِنَّ هَوَاهَا فِی رَدَاهَا وَ تَرْکُ النَّفْسِ وَ مَا تَهْوَی داءُها وَ کَفُّ النَّفْسِ عَمَّا تَهْوَی دَوَاهَا.(۱)

نفس را با هوا و هوس‌ها رها مکن؛ چرا که هوای نفس سبب مرگ نفس است و آزاد گذاردن نفس در برابر امیال، درد آن است و بازداشتن آن از هوا و هوس‌هایش دوای آن است.

انسـان هر انـدازه که پیرو خواسـته‌های نفسانی باشـد به همان انـدازه، از نیروی عقل و اراده فاصـله می‌گیرد. آدمی به دلیل افراط در هواپرستی، سست اراده و بی‌اختیار می‌شود و همه فضایل انسانی را از دست می‌دهد.

سرچشـمه همه گناهان از دید اسـلام، پیروی بی‌چون و چرا از هوای نفس است و پرهیزگار کسی است که از دام هوا و هوس برهد.

پیامبر اعظم، هوس‌گریزان را از شجاعان امت خویش می‌شمارد: «

اشجَعُ النّاسِ مَن غَلَبَ هواهُ

» (۲)؛ «شجاع‌ترین مردم کسی است که برخواسته‌های نفسانی چیره شود».

۱- تفسیر نور الثقلین، ج ۵، ص ۵۰۷.

۲- نهج الفصاحه، ش ۲۹۹.

ص: ۱۲۵

۱۵. شیطان گریزی

خداوند به همه افراد بشر هشدار می‌دهد که مراقب فریب‌های شیطان باشند:

یا بَنی آدَمَ لا یَفْتِنَنَّکُمُ الشَّیْطانُ کَما أَخْرَجَ أَبَوَیْکُمْ مِنَ الْجَنَّةِ یَنْزِعُ عَنْهُما لِباسَهُما (اعراف: ۲۷)

ای فرزندان آدم! شیطان شما را نفریبد؛ چنان‌که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد و لباس آنان را از اندامشان درآورد.

آدمی باید از چنین دشمن خطرناکی، کناره‌گیری کند و به سفارش امام علی (ع) در خطبه قاصعه گوش فرا دهد:

ای بندگان خدا! از این دشمن خدا بر حذر باشید! مبادا شما را به بیماری خویش [کبر و غرور] مبتلا سازد و با ندای خود شما را به حرکت درآورد و به وسیله لشکریان سواره و پیاده‌اش شما را جلب کند به جان خودم سوگند! او تیری خطرناک برای شکار کردن شما به چله کمان گذاشته و آن را با قدرت و شدت تا سر حد توانایی کشیده و از نزدیک‌ترین مکان شما را هدف قرار داده است و هم او گفته [است]: پروردگارا! به سبب آنکه مرا بیرون کرده‌ای، زرق و برق زندگی را در چشم آنها جلوه می‌دهم و همه آنها را اغوا می‌کنم. (۱)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۲.

ص: ۱۲۶

شیطان، دشمنی است که از هر سو به انسان‌ها حمله می‌آورد؛ زیرا خودش می گوید:

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِنْ بَيْنِ أَيْديهِمْ وَ مِنْ خَلْفِهِمْ وَ عَنْ أَيْمانِهِمْ وَ عَنْ شَمائِلِهِم (اعراف: ۱۷)

من از هر سو به سراغ فرزندان آدم می‌روم؛ از پیش رو، از پشت سر، از سمت راست و از سمت چپ.

اگرچه خداوند شیطان را در وسوسه‌گری آزاد گذاشته، انسان را در برابر او بی‌دفاع نگذاشته، بلکه او را نیز نیروی عقل و خرد بخشیده و فطرت پاکی را برای رفتن به سوی کمال عطا کرده است. همچنین فرشتگان را که الهام‌کنندگان نیکی‌هایند، به کمک انسان‌هایی فرستاده است که می‌خواهند از وسوسه‌های شیطان برکنار بمانند:

إِنَّ الَّذينَ قالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلائِكَهُ (فصلت: ۳۰)

آنها که می گویند پروردگار ما خداوند یکتاست و سپس استقامت به خرج می‌دهند، فرشتگان بر آنها نازل می‌شوند.

۱۶. خویشتن‌داری

نفس آدمی، اژدهایی خطرناک است که هرگاه فرصتی یابد، به ستم و تجاوز دست می‌زند: إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَهٌ بِالسُّوءِ إِلَّا ما رَحِمَ رَبِّی؛ «بی‌شک نفس به بدی امر می کند، مگر آنکه خدا رحم کند.» (یوسف: ۵۳)

ص: ۱۲۷

خویشتن‌داری، گونه‌ای از مراقبت درونی است که افراد بر پایه آن، بدون نظارت یا ضبط و مهار بیرونی وظایف خویش را اجرا و از رفتارهای ناهنجار دوری می‌کنند. انسان در این‌گونه از نظارت، همواره با توجه به درستی اعمال و رفتار خود، پیش از اینکه دیگران عملکردش را ارزیابی کنند، خود به ارزیابی آنها می‌پردازد. خداوند بزرگ در این‌باره می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، تقوا پیشه کنید و مراقب خویش باشید که چه چیزی پیش می‌فرستید. تقوای الهی پیشه کنید و بدانید که خدا از همه کارهای شما آگاه است. (۱)

ضبط و مهار خود، همه گستره زندگی انسان خدامحور را در برمی‌گیرد. انسان خداجو، در همه حال (کار و تلاش، تفریح و استراحت و مطالعه)، رفتار خود را می‌پاید و همواره در چارچوب قانون‌های الهی به ادای تکالیفش می‌پردازد:

تِلْکَ حُدُودُ اللَّهِ وَ مَنْ یُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ یُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْری مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهارُ خالِدینَ فیها وَ ذلِکَ الْفَوْزُ الْعَظیم (نساء: ۱۳)

اینها احکام الهی است و هر کسی از خدا و پیامبر او پیروی کند، [خداوند] وی را به باغ‌هایی وارد می‌سازد که از زیر آنها، نهرها، روان است در آن جاودانند و این، همان کام‌یابی بزرگ

۱- حشر: ۱۸.

ص: ۱۲۸

است.

گذشتن از حدود الهی، به راستی بزرگ‌ترین ستم انسان بر خود اوست؛ چنان‌که خداوند می‌فرماید:

وَ مَنْ یَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَه (طلاق: ۱)

هر کس پا را از احکام الهی فراتر نهد، به یقین به خود ستم کرده است.

وَ مَنْ یَعْصِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ یَتَعَدَّ حُدُودَهُ یُدْخِلْهُ ناراً خالِداً فیها وَ لَهُ عَذابٌ مُهین (نساء: ۱۴)

هرکس خدا و پیامبر را نافرمانی و از احکام الهی تجاوز کند، [خداوند] وی را در آتشی وارد می‌کند که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است.

البته ایمان و یقین به خدا، مؤمنان را به ضبط و مهار رفتارشان و دوری از هرگونه لغزش و گناه وامی‌دارد. آنان از سویی بر این باورند که خدا همواره بر اعمالشان ناظر و به آنها و ظاهر و باطنشان آگاه است:

أ لَمْ یَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ یَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَ نَجْواهُم (توبه: ۷۸)

آیا نمی‌دانند خداوند از باطن آنها و سخنان پنهانی‌شان آگاه است.

از سوی دیگر، آنان از ارتکاب گناه و گذاشتن از حدود الهی همواره هراسناکند: فَلا تَخافُوهُمْ وَ خافُونِ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنین؛ «پس از آنها

ص: ۱۲۹

نترسید و از من بترسید، اگر اهل ایمان هستید.» (آل عمران: ۱۷۵)

۱۷. پیروی از امامان معصوم:

هدایت کردن به راه خیر و صلاح، نخست شایسته ذات الهی است و پس از او، پیامبرانش بدین‌کار دست می‌گشایند. حضرت علی (ع) درباره راهبری و هدایت رسول الله می‌فرماید:

وَ اقْتَدُوا بِهَدْیِ نَبِیِّکُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهَدْیِ وَ اسْتَنُّوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَی السُّنَن.(۱)

به هدایت پیامبرتان اقتدا کنید که آن برترین هدایت است و پیرو سنّت او باشید که در هدایت، از تمام سنن کامل‌تر است.

خداوند در آیه‌ای از قرآن، به پیامبر چنین می‌فرماید:

إِنَّما أَنْتَ مُنْذِرٌ وَ لِکُلِّ قَوْمٍ هاد (رعد: ۷)

ای پیامبر! تو هشداردهنده مردمی و هر قومی را هادی و راهنمایی است.

امام باقر (ع) نیز در تفسیر این آیه شریفه می‌فرماید:

رَسُولُ اللهِ (ص) الْمُنْذِرُ وَ لِکُلِّ زَمَانٍ مِنّا هادٍ یَهْدِیهِمْ إِلَی ما جاءَ بِهِ نَبِیُّ اللهِ.(۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۱۰.

۲- اصول کافی، ج ۱، ص ۱۹۱.

ص: ۱۳۰

رسول گرامی، انذارکننـده است و در هر زمان، از ما اهل‌بیت، راهنمایی است که مردم را هـدایت می‌کند به آنچه رسول اکرم (ص) آورده است.

هر یک از امامان معصوم (علیهم السـلام) نیز پس از رسول‌الله (ص)، در روزگار خود هادی مردم‌اند و راه صـلاح و رسـتگاری را به آنان می‌نمایاند. حضرت علی (ع) در این باره می‌فرماید:

بِنَا اهْتَدَيْتُمْ فِی الظَّلْماءِ.(۱)

از تیرگی‌های جهالت، با هدایت ما، راه صلاح را شناختید و هدایت شدید.

مـأموریت پیـامبر و اوصـیایش این بود که دین حق و صـراط مسـتقیم را به مردم عرضه و آنان را به فلاح و سـعادت راهنمایی کننـد. خداوند راه خود را بهترین مسیر می‌شمارد و می‌فرماید:

وَ أَنَّ هذا صِراطی مُسْتَقیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبیلِه (انعام: ۱۵۳)

این صـراط مسـتقیم من است، از آن پیروی کنید و پیرو راه‌های باطل نباشید که نتیجه‌اش پراکندگی و بازماندن از راه حق و حقیقت است.

پیروی از باطل، روح آدمی را به جولان‌گاه شیطان بدل می‌سازد و

۱- نهج البلاغه، خطبه ۴.

ص: ۱۳۱

همه اندام و جوارحش را به لغزش و گناه می کشاند. امیرمؤمنان در این‌باره هشدار می‌دهد:

إِنَّ الشَّيْطَانَ يُسَنِّى لَكُمْ طُرُقَهُ وَ يُرِيدُ أَنْ يَحُلَّ دِينَكُمْ عُقْدَةً عُقْدَةً وَ يُعْطِيَكُمْ بِالْجَماعَةِ الْفُرْقَةَ وَ بِالْفُرْقَةِ الْفِتْنَةَ.(۱)

شیطان، راه‌های خود را برای شما آسان می کند و خواهان آن است که پیوندهای دینی شما، گره گره از هم بگشاید، جماعت شما را به پراکندگی بدل سازد و با تفرقه‌افکنی، فتنه و فساد پدید آورد.

۱۸. عبادت

اگر عبادت به روش درست و همراه با شرایط آن انجام شود، در زدودن گناهان بسیار تأثیر می گذارد. خداوند در آیه‌ای از قرآن، نمازگزاردن را راهی برای دوری از فحشا و گناهان می‌خواند: إِنَّ الصَّلاةَ تَنْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکَرِ؛ «به‌درستی که نماز، [انسان را] از کار زشت و ناپسند بازمی‌دارد.» (عنکبوت: ۴۵)

پروردگار مهربان همچنین هدف روزه‌داری را به دست آوردن تقوا و پاک‌سازی می‌داند:

يا أَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا کُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيامُ كَما كُتِبَ عَلَى الَّذينَ مِنْ

۱- همان، خطبه ۱۲۱.

ص: ۱۳۲

قَبْلِکُمْ لَعَلَّکُمْ تَتَّقُون (بقره: ۱۸۳)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما واجب و مقرر شد؛ چنان‌که بر آنان که پیش از شما بودند، مقرر شد، باشد که پرهیزکار شوید!

رسول اکرم (ص) در تمثیلی ارزشمند می‌فرماید:

إنّ مَثَلَ الصَّلاۀِ کَمَثَلِ النَّهرِ الْجاری کُلَّما صَلّی کَفَّرَت ما بَینَهُما.(۱)

نماز، همانند آب جاری است؛ هر زمان که انسان نماز می‌خواند، آن نماز، گناهانی را که در میان دو نماز انجام شده از میان می‌برد.

سخن زیبای امام صادق (ع) نیز در این‌باره خواندنی است:

مَن احَبَّ أن یَعلَمَ أَقُبِلَت صَلاتُهُ ام لَم تُقبَل فَلینَظُر هَل مَنَعَت صَلاتُهُ عَنِ الفَحشاءِ وَ المُنکرِ؟ فَبقَدرِ ما مَنَعتْهُ قُبِلَت مِنُه.(۲)

کسی که دوست دارد بداند نمازش مقبول درگاه الهی شده است یا نه، باید ببیند آیا این نماز او را از زشتی و منکر باز داشته یا نه، پس همان مقدار از نمازش که [وی را از گناه] باز داشته، پذیرفته است.

انسان باید عبادت‌های خود را با شرایط و با توجه و خضوع به جای آورد تا بتواند در جلوگیری از فحشا و منکر تأثیرگذار باشد.

۱- وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷.

۲- مجمع البیان ذیل آیه ۴۵، سوره عنکبوت.

ص: ۱۳۳

۱۹. مراقبت از قلب

دست، پا، زبان، چشم، گوش و ...، به گناه و ناهنجاری آلوده می‌شوند، اما همه این اعضا به فرمان قلبند؛ چنان‌که پیامبر می‌فرماید:

إذا طابَ قَلبُ المَرءِ طابَ جَسَدُهُ وَ إذا خَبُثَ القَلبُ خَبُثَ الجَسَدُ.(۱)

زمانی که قلب انسان پاک باشد، جسدش پاک می‌شود و هرگاه قلب او پلید باشد، جسدش نیز پلید است.

دل بر اثر غفلت و دوری از خدا، حقیر و خاکی می‌شود، چنان‌که امام صادق (ع) می‌فرماید: «

وَ وَقفُ القَلبِ فی الْغَفلَةِ عَنِ الله

» (۲)؛ «قلب بر اثر غفلت از یاد خدا، به وقف گرفتار می‌آید».

قلب غافل، از خدا بریده است و به معاد نمی‌اندیشد و خداوند آن را نکوهش می‌کند:

أُولئِکَ الَّذینَ طَبَعَ اللَّهُ عَلی قُلُوبِهِمْ وَ سَمْعِهِمْ وَ أَبْصارِهِمْ وَ أُولئِکَ هُمُ الْغافِلُونَ (۱۰۸) لا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِی الْآخِرَةِ هُمُ الْخاسِرُونَ (نحل: ۱۰۸ و ۱۰۹)

آنها کسانی هستند که [بر اثر فزونی گناه] خدا بر قلب و گوش و چشمانشان مهر نهاده است و غافلان حقیقی، همان‌ها هستند و به ناچار، آنها در آخرت زیان کارند.

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۶۸.

۲- همان، ص ۵۵.

ص: ۱۳۴

قلبی که خدا را ناظر اعمال خویش نبیند و به اعمال و رفتار خود توجه نداشته باشد، به اعضا و جوارحش فرمان‌هایی می‌دهد که پذیرش آنها موجب بزهکاری و ناهنجاری می‌شود. رسول الله (ص) در این‌باره چنین سفارش فرمودند:

فی الانسانِ مُضغَةٌ إذا هِی سَلِمَت و صَحَّت سَلِمَ بِها سائرُ الجَسَدِ فَإذا سَقِمَت سَقِمَ لَها سائرُ الجَسَدِ و فَسَدَ و هِی القَلبُ.(۱)

در بدن انسان، پاره‌ای گوشت است؛ زمانی که سالم و صحیح باشد، بقیه جسم نیز سالم است و اگر بیمار باشد، از بیماری‌اش بقیه جسد نیز بیمار می‌شود و آن، قلب است.

از این رو، مراقبت از قلب و زدودن غفلت از آن، بسیار مهم است و سفارش‌هایی برای نرم کردن قلب‌ها و حیات آنها نیز وجود دارد. بدترین بیماری، بیماری قلب است؛ چنان‌که امام زین العابدین (ع) می‌فرماید: «

أماتَ قَلبی عَظیمُ جِنایَتی

» (۲)؛ «بزرگی گناه هم، دل مرا میرانده است».

هنگامی که دل آدمی، جولان‌گاه هوا و هوس شد، انگیزه‌ای برای کار خیر ندارد. از این رو، نخست باید آن را زنده کرد و از سیاهی‌ها وارهانید. قلب را نباید به درنده‌خویی، شکم‌پرستی، شهوت‌رانی، تجاوز از حقوق

۱- بحارالانوار، ج ۷۰، ص ۵۰.

۲- بحارالانوار، ج ۹۴، ص ۱۴۲.

ص: ۱۳۵

دیگران و حرام‌خوری و ... آلوده ساخت. امام علی (ع) می‌فرماید:

وَ الْقَلْبُ یَقُومُ بِالْغِذَاءِ فَانْظُرْ فِیمَا تُغَذِّی قَلْبَکَ وَ جِسْمَکَ فَإِنْ لَمْ یَکُنْ ذَلِکَ حَلالًا لَمْ یَقْبَلِ اللهُ تَعَالَی تَسْبِیحَکَ وَ لا شُکْرَکَ.(۱)

و قوام قلب، به غذایی است که انسان مصرف کند، پس نگاه کن که قلب و جسمت را به چه چیزی تغذیه می کنی و اگر آنچه به او می‌دهی، حلال نباشد، خداوند تسبیح و شکر تو را نخواهد پذیرفت.

پس، قلب را باید نرم و آماده پذیرش حق و ادای تکالیف کرد. حضرت امیر (ع) در توصیه‌ای زیبا می‌فرماید:

طُوبَی لِذِی قَلْبٍ سَلِیمٍ أَطاعَ مَنْ یَهْدِیهِ وَ تَجَنَّبَ مَنْ یُرْدِیهِ وَ أَصابَ سَبِیلَ السَّلامَةِ بِبَصَرِ مَنْ بَصَّرَهُ وَ طاعَةِ هادٍ أَمَرَهُ وَ بادَرَ الْهُدَی قَبْلَ أَنْ تُغْلَقَ أَبْوابُهُ وَ تُقْطَعَ أَسْبابُهُ وَ اسْتَفْتَحَ التَّوْبَةَ وَ أَماطَ الْحَوْبَةَ فَقَدْ أُقِیمَ عَلَی الطَّرِیقِ وَ هُدِیَ نَهْجَ السَّبِیل.(۲)

خوشا به حال آن که قلبی سلیم دارد از کسی که هدایتش می کند، فرمان‌بری و از آن که وی را به پستی می کشاند، دوری می‌جوید و با بینایی کسی که بینایش می‌سازد، به راه امن و درست می‌رسد، به طاعت آن کسی گردن می‌نهد که به هدایت دعوتش می کند و به سرای هدایت روی می‌آورد؛ پیش از آنکه

۱- بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۲۷۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۴.

ص: ۱۳۶

درهایش بسته شود و اسبابش قطع گردد، در توبه را می‌گشاید و گناه را از بین می‌برد. اگر چنین کند، بر جاده حق قرار گرفته و به راه راست و گسترده حق، هدایت شده است.

برای حفظ نور قلب و سپیدی آن باید از گناه پرهیز کرد. امام باقر (ع) در این‌باره هشدار می‌دهد:

ما مِنْ شَیْءٍ أَفْسَدَ لِلْقَلْبِ مِنْ خَطِیئَةٍ إِنَّ الْقَلْبَ لَیُواقِعُ الْخَطِیئَةَ فَما تَزالُ بِهِ حَتّی تَغْلِبَ عَلَیْهِ فَیُصَیِّرَ أَعْلاهُ أَسْفَلَه.(۱)

برای دل، چیزی تباه‌کننده‌تر از گناه نیست؛ زیرا دل، مرتکب گناه می‌شود و بر اثر مداومت بر آن، گناه بر وی چیره می‌گردد و وارونه‌اش می‌کند.

آورده‌اند که جوانی نزد یکی از صالحان رفت و از وی خواست که نصیحتش کند. عارف پذیرفت. روزی جوان و عارف از جنگلی می‌گذشتند، عارف به جوان دستور داد که نهال نورسته‌ای را از زمین بکند. جوان آن نهال را به آسانی از ریشه درآورد. چند قدمی که رفتند، عارف به درخت بزرگی با شاخه‌های بسیار اشاره کرد و گفت: این درخت را نیز از جای برکن! جوان به رغم کوشش بسیار، نتوانست. عارف گفت: ای جوان! بدان که تخم هوا و هوس، شهوت، بغض، کینه، حسد، دشمنی، حرص، نفاق و همه بدی‌ها، همین که در دل اثر گذاشت، مانند آن نهال نورسته است که می‌توانی به آسانی آن را از

۱- اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۸.

ص: ۱۳۷

ریشه بکنی، اما اگر آن را واگذاری تا بزرگ شود، ریشه خود را آنچنان محکم و قوی می‌کند که از کندن آن ناتوان خواهی بود. چنان‌که این درخت بزرگ ریشه دوانیده و کندن آن سخت است. پس همیشه بکوش تا رذایل در وجودت ریشه ندواند. آنها را از درون خود برکن وگرنه، گرفتاری بسیاری به بار می‌آورد و ریشه کن کردن آن، محال یا مشکل خواهد شد. (۱)

۲۰. فکر نکردن درباره گناه

اندیشیدن درباره فرجام کارها، عامل بازدارنده‌ای از انحراف و گناه است. امام علی (ع) در این‌باره می‌فرماید: «
مَا زَلَّ مَنْ أَحْسَنَ الْفِكْرَ
»؛ «کسی که نیکو بیندیشد، دستخوش لغزش نمی‌شود».

همچنین می‌فرماید: «
مَنْ كَثُرَ فِكْرُهُ فِي الْمَعَاصِي دَعَتْهُ إِلَيْهَا
» (۲)؛ «کسی که بسیار درباره گناه فکر کند، به تدریج به سوی گناه کشیده می‌شود».

حضرت عیسی (ع) نیز به دلیل همین نداشتن تمرکز فکری درباره گناهان به حواریون خود چنین سفارش می‌فرماید:

و من به شما امر می‌کنم فکر زنا نکنید تا چه رسد به اینکه زنا کنید! زیرا کسی که روح و فکرش را به زنا هدایت کند، مانند کسی است که در اتاق رنگینی آتش روشن کند، دود آن آتش

۱- کشکول ممتاز، تاج لنکرودی، صص ۱۷۱- ۱۷۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۷، ص ۵۳۸.

ص: ۱۳۸

نقشینه‌های رنگین اتاق را کثیف و دودآلود می‌سازد، گرچه خانه را نسوزاند.(۱)

کسی که می‌خواهد گناه نکند، به زمینه‌های گناه نیز نباید توجه کند و ذهن و روح خود را آلوده سازد؛ زیرا بر اثر اندیشیدن درباره گناه، آرام آرام ایستادگی‌اش را در برابر گناه، از کف خواهد داد.

فرجام سخن

چیرگی برخواهش‌های ناروای نفسانی و دوری از گناه، از منظر آموزه‌های دینی نه تنها نشانه اراده استوار و قدرت آدمی، بلکه مایه عزت و سرافرازی اوست. کسی که بر خواسته‌های نفسانی خود چیره و بر آنها حاکم می‌شود، عنان نفس سرکش خود را به عقل می‌سپارد و خواهش‌های وی را محدود می‌سازد، دارای عالی‌ترین سرمایه روحانی و شخصیت معنوی است. چنین کسی، گرد گناه و ناپاکی نمی‌گردد و به جرم و جنایت دست نمی‌آلاید. امیرالمؤمنین علی (ع) در این‌باره می‌فرماید:

مَن قَدَّمَ عَقلَهُ عَلی هَواهُ حَسُنَت مَساعیه.(۲)

کسی که عقل خود را بر هوای نفسش مقدم بدارد، اعمال و کوشش‌های او همواره نیکو و پسندیده است.

۱- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۳۳۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص ۶۴۵.

ص: ۱۳۹

باری، کسی که در راه ارضای غرایز خود به ندای عقل توجه نکند و نفس سرکش خویش را در برآوردن خواسته‌های ناروایش آزاد بگذارد، همواره در راه لغزنده انحراف و سقوط گام می‌زند. او بنده شهوت و لذت‌های پست است و از آزادگی؛ یعنی نشانه شرف انسانی و مایه سعادت و خوشبختی بی‌بهره خواهد ماند. امام علی (ع) می‌فرماید:

مَن اهمَلَ نَفسَهُ فی لَذّاتِها شَقِیَ وَ بَعُدَ.(۱)

کسی که نفس خویش را در لذت‌هایش رها سازد، بدبخت و دور افتاده از فیض الهی خواهد بود.

این سخن زیبای امام صادق (ع)، راه‌های درست و غلط را باز می‌نماید:

اقصِر نَفسَکَ عَمّا یَضُرُّها مِن قَبلِ ان تُفارِقَکَ وَ اسْعَ فی فَکاکِها کَما تَسعی فِی طَلَبِ مَعِیشَتِکَ فَانَّ نَفسَکَ رَهِینَهٌ بِعَمَلِکَ. (۲)

نفس خود را از خواسته‌های زیان‌بارش بازدار؛ پیش از آنکه مرگت فرارسد و جان از تنت جدا گردد و در راه آزادی نفس خویش بکوش، چنان‌که در طلب معاش خود تلاش می‌کنی که نفس تو در گرو اعمال تو خواهد بود.

آنان که در برابر خواسته‌های نفسانی صبر پیشه کردند، به مقامات عالی دست یافتند و از آنان به نیکی یاد شده است. امام صادق (ع) درباره

۱- همان، ص ۶۴۴.

۲- مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۳۱۰.

ص: ۱۴۰

اینان می‌فرماید:

إِذا کانَ یَوْمُ الْقِیامَـةِ تَقُومُ عُنُقٌ مِنَ النّاسِ فَیَأْتُونَ بابَ الْجَنَّةِ فَیَضْـرِبُونَهُ فَیُقالُ لَهُمْ: مَنْ أَنْتُمْ؟ فَیَقُولُونَ: نَحْنُ أَهْلُ الصَّبْرِ فَیُقالُ لَهُمْ: عَلَی ما صَبَرْتُمْ فَیَقُولُونَ کُنّا نَصْبِرُ عَلَی طاعَةِ اللهِ وَ نَصْبِرُ عَنْ مَعاصِی اللهِ فَیَقُولُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: صَدَقُوا أَدْخِلُوهُمُ الْجَنَّةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللهِ عَزَّوَجَلَّ: إِنَّما یُوَفَّی الصّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَیْرِ حِساب (زمر: ۱۰).(۱)

زمانی که قیامت شود، جمعی از مردم برمی‌خیزنـد و به سوی درِ بهشت می‌رونـد و در می‌زننـد. گفته می‌شود: کیستیـد؟ می‌گوینـد: اهل صبر. گفته می‌شود: بر چه صبر کردید؟ می‌گویند: بر طاعت خدا و گناهان. خداوند می‌فرماید: راست گفتند: آنان را به بهشت درآورید. [خداوند در قرآن فرموده است]: «همانا صابران، پاداش خود را بدون حساب دریافت می‌کنند».

۱- بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۰۱.

ص:۱۴۱

ص: ۱۴۲

منابع

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. احلی من العسل، غلامعلی حسینی، تهران، گلفام، ۱۳۶۸.

الاختصاص، محمد بن محمد بن نعمان العکبری البغدادی (شیخ مفید)، تهران، مکتبهٔ الصدوق، ۱۳۷۹ ه. ق.

اصول کافی، ابوجعفر محمد بن یعقوب کلینی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۸۸ ه. ق.

بحارالانوار، محمد باقر مجلسی، مکتبهٔ الاسلامیهٔ، ۱۳۹۷ ه. ق.

تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی سمرقندی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، مکتبهٔ العلمیهٔ الاسلامیهٔ، ۱۳۸۰ ه. ق.

۲. تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۲.

۳. تفسیر نورالثقلین، عبد علی بن جمعه حویزی، قم، انتشارات اسماعیلیان، ۱۳۷۳.

۴. جامع احادیث الشیعه، آیت الله بروجردی، قم، مدینهٔ العلم، ۱۳۶۵.

۵. جامع الاخبار، محمد بن محمد شعیری، تحقیق: حسن مصطفوی، تهران،

۶.

ص: ۱۴۳

مرکز نشر کتاب، ۱۳۸۲.

۷. سفینهٔ البحار و مدینهٔ الحکم و الآثار، شیخ عباس قمی، قم، مؤسسه انتشارات فراهانی، ۱۳۷۳.

۸. علل الشرایع، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۶.

۹. غرر الحکم و درر الکلم، عبدالواحد بن محمد آمدی، ترجمه: هاشم رسولی محلاتی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۳۸۱.

۱۰. فهرست موضوعی غرر الحکم، سید جلال الدین محدث، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

۱۱. الکامل فی التاریخ، عزالدین بن اثیر جزری، بیروت، دار صادر، بی‌تا.

۱۲. کشکول ممتاز، محمد مهدی تاج لنگرودی، تهران، چاپخانه ناصرخسرو، ۱۳۶۷.

کنز العمال فی احادیث الاقوال و الافعال، علاء الدین متقی بن حسام الدین هندی، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه. ق.

گناه‌شناسی، محسن قرائتی، تنظیم و نگارش محمد محمدی اشتهاری، قم، انتشارات پیام آزادی، ۱۳۷۱.

۱۳. مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی، تهران، انتشارات ناصرخسرو، ۱۳۶۵.

۱۴. محجهٔ البیضاء، ملا محسن فیض کاشانی، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۶۱.

۱۵. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، حسین نوری طبرسی، بیروت، مؤسسه آل البیت، ۱۴۰۸ ه. ق.

ص: ۱۴۴

۱۶. مشکاة الانوار، محمدباقر مجلسی، تهران، میقات، ۱۳۷۱.

۱۷. معانی الاخبار، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه (شیخ صدوق)، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۳۶۱.

۱۸. مناقب آل ابی طالب، ابوجعفر محمد بن علی بن شهر آشوب، بیروت، دار الاضواء، ۱۴۰۵ ه. ق.

۱۹. میزان الحکمه، محمد محمدی ری شهری، قم، انتشارات دفتر تبلیغات، ۱۳۶۲.

۲۰. المیزان فی تفسیر القرآن، السید محمدحسین الطباطبایی، قم، دار الکتب الاسلامیهٔ، ۱۳۸۳.

۲۱. نهج الفصاحه، محمد بن عبدالله حکم، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، تهران، جاویدان، بی‌تا.

۲۲. وسایل الشیعه، محمد بن حسن حر عاملی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۶.

درباره مرکز

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَیْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : -IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱ ۵۳-۰۶۰۹به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».